والله العزيز وانه من التوفيق وحده العزيز والله اعلم
هذا رسالة بالصواب واليه المرجع والمآب واجبات صلوة من
تصانيف بسم الله الرحمن الرحيم عبد الخليل الحسيني
حمد و ثنا سزاوار معبوديست که مسبحان ملاء اعلی سبحه ثنایش در
کردن جان انداخته اند و ساکنان خطه غبرا شکر نعم بی منتهایش ورد
زبان ساخته تسبیح حمد و شکر نعیم تو میکنند در کوه سنگ
ریزه و بر شاخ گل صبا و صلوات زاکیات بر خلاصه موجودات
معجز نمایی ان هو الا وحی یوحی ماه روی و الشمس و الضحی مشکین
موی و اللیل اذا یغشی صدر صفه صفا محمد مصطفی علیه و آله
من الصلوات اتمها و انماها سیما امام المشارق و المغارب و مطلوب
کل سالک و طالب اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و علی
اولاده هم ائمة الهدای و نجوم الاهتداء ما تعاقب اللیالی و الایام و تناوب
الشهود و الاعوام چنین گوید دعا گوی جانی عبد الخلیل الحسینی که مدتی
مدید بود که این داعی را داعیه آن روی نموده که جهد کرده آلود در انجاح
آسانی رساند که سلاطین جم جاه چون خسرو انجم سپاه هر صبح و شام
بدین درگاه که از شمه ایوانش مشتری کسب سعادت میکند روی

عبودیت می نهد و دیدهٔ جفا دیده را از غبار آستان که توتیای دیدهٔ اهل بصیرتست
منور گرداند با خود اندیشه داشت تحفهٔ که لایق غلامان آن درگاه باشد
چه تواند بود چون در دنیا بدینایی دست رس نبود در گوشهٔ گمان متحیر مانده
بود که ناگاه عقل صواب اندیش رهنمای نمود بگوش هوش رسانید که چرا در
تحیر مستغرقی اگر دست تو تهی است ولی خاطرت پر است از درر فرائد فوائد
علوم دینیه که در گنجینهٔ خاطر مخزون داری سبحهٔ بدست آور و آن را وسیلهٔ تقبیل
آن عتبهٔ سدره مرتبه گردان با وجود قلت بضاعت و فقدان استطاعت
وسمعنا و اطعنا گفته اکثر وقت با مساعدت میکرد از کتب معتبرهٔ علماء شریعت
بعضی افعال واجبه و اعمال مندوبه جمع نمودم و هر جا که اختلافی بود آنچه اشهر و اقوی
بود اصل ساخته للاعتماد دیگر اقوال را اشعاری نمودم للاحتیاط و چون موفق
شدم با تمام آن موشح گردانیدم و مزین ساختم بالقاب همایون پادشاهی که بسیط
عرصهٔ همایون از یمن عدل شاملش گلشن است و دیدهٔ اهل جهان از انوار
معدلت کاملش روشن فتح و فیروزی با رفع لوای دولتش منضم و در نصب
رایات ایادیش کسر اعادی مدغم وهو السلطان الاعدل الاعظم
والخاقان الاجل الاکرم حامی بلاد الله ناصر عباد الله رافع الظلم
والطغیان ماحی الجور والعدوان باسط الامن والامان والی لواء الولایة

مظفر بهادر
فی الآفاق مالک سریر الخلافة بالاستحقاق السلطان بن السلطان ابو ال
خان خلد الله ملکه و سلطانه و ابد ظل رافته و احسانه و ناصر دولته
مظفراً الی یوم الدین و اعداء سلطنته مقهوراً فی العالمین من قال امین
ابقی الله مهجته فان هذا دعاء یشمل البشر امید که در نظر کیمیا اثر نقاد
ارباب فطنت و بصیرت اصحاب خبرت تمام عیار آمده و حاشیهٔ بساط
این سواد از قلم ستم دور ماند مهما امکن هفوات زلات بنظر صلاح اصلاح
یابد چه مقبول قلوب همه مرغوب طبایع عامه امری نیست که جز مقدور خالق
قوی و قدیر نیست گفتم والسلام علی تابع الهدی و فهرست این رساله که
مسمی تحفهٔ شاهی بر طبق ثلث خدا اصلی که آن رسالهٔ شریفهٔ الفیه که حاوی
جامع ضروریات دین و خلاصهٔ واجبات شرع مبین است بر مقدمهٔ
وسه فصل و خاتمه اتفاق افتاد والله الهادی و علیه اعتمادی مقدمه
در بیان تعریف نماز واجبه مشروع و مبین شده از جانب واضع شریف واقع
دین منیف که از شرط صحت وی استقبال قبله و قیام در حال اختیار اضطرار
بهر چه میسر و مقدور شود مثلا نشسته و خوابیده و پشت بر قبله و سوار
و پیاده و غیر ذلک نماز درست است و علت غایی نماز یعنی امری که باعث
بر گذاردن او شود تقرب به قرب مکانی است بلکه وصول به درجات

معرفت

عالیه و تحصیل مراتب رفیعه است چه ذات بی مثال ازانکه واتعبد مراد
تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیراً نماز شبانروزی در اوقات
خمسه که تفصیل آن در محل خود سمت ذکر خواهد یافت انشاء الله تعالی
باتفاق اهل حل و عقد از امت محمد مصطفی صلوات الله وسلامه واجب
است و هر که قایل بحلیت ترک آن شود کافر در نماز اجر بسیت جمیل و ثوابیست
جزیل چنانچه در احادیث صحیح وارد است که صلوة فریضة خیر من عشرین
حجة و حجة خیر من بیت مملو ذهباً یتصدق منه حتی یفنی یعنی یک
نماز فریضه یومیه بهتر است از بیست حج است و هر حجی بهتر است از یک خانه پر از
طلا که صدقه کنند آنرا تا که فانی شود و نیز وارد است که ان قبلت قبل
ما سواها وان ردت رد ما سواها یعنی اگر نماز در معرض قبول در آید سایر
عبادات نیز بتبعیت آن مقبول است و اگر عیاذاً بالله نماز رسکه قبول نیابد باقی
طاعات نیز مردود خواهد بود فرداء قیامت دوزخیان را سوال کنند که ما
سلککم فی سقر چه چیز شما را بدوزخ فرستاد قالوا گویند در جواب که لم نک
من المصلین یعنی نبودیم در دار دنیا از جمله نماز کذارندکان و لم نک
نطعم المسکین و نبودیم از جمله طعام دهندکان فقرا و مساکین و کنا
نخوض مع الخائضین و بودیم از جمله شروع کنندکان در اقوال و اعمال باطله

لاجرم

در رکعت اول و سوره توحید در رکعت دویم دویم آنکه بی فاصله نماز را
بکذارد مقصد پنجم در نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و زلزله و هر امر آسمانی
که موجب خوف باشد مثل بادهای سیاه و سرخ و مانند آن و این نماز
دو رکعتست در رکعت اول پنج رکوع واجب باین طریق که چون بعد از تکبیر
احرام فاتحه و سوره را بخواند و برکوع رود و چون سر از رکوع بردارد
دیگر فاتحه و سوره را بخواند و باز برکوع رود تا [illegible] نوبت و چون سر بردارد
از رکوع پنجم دو سجده بجا آورد و رکعت دویم را نیز باین طریق بجا آرد و بعد از
تشهد سلام دهد و این نماز را باین صورت بجا آوردن افضل است و جایز است
که در هر رکعت بعد از فاتحه یک آیه از سوره بخواند و برکوع رود و چون سر
از رکوع بردارد از موضع قطع یک آیه دیگر تا باقی فاتحه بخواند و برکوع رود
و همچنین کند تا رکوع پنجم سوره تمام کند و اول وقت نماز کسوف و خسوف
ابتدای گرفتن آفتاب و ماه است و آخر آن وقت شروع در انجلاست و بعضی
آخر وقت را آخر انجلا میدانند و اگر شخصی این نماز را در وقت ترک کند از روی عمد
پس اگر تمام قرص آفتاب یا ماه گرفته باشد قضا بر او واجبست و اگر بعضی گرفته باشد

قضا ندارد و بعضی از مجتهدین قضا را واجب میدانند خواه تمام قرص گرفته
باشد و خواه بعضی و نماز زلزله در تمام عمر ادا است و در باد سیاه و سرخ
و امثال آن بعضی از مجتهدین بر آنند که اگر وقت نماند نگنجد نماز ساقط است
و بعضی بر آنند که اگر وقت گنجایش طهارت و یک رکعت داشته باشد نماز واجب است
و الا ساقط است تتمه هشت امر سنت با این نماز متعلق است اول جهد نمودن مصلی
در قرائت خواه در روز این نماز واقع شود و خواه در شب دویم خواندن سورهای
طویل مثل سورهٔ انبیا و سورهٔ کهف هرگاه داند که وقت گنجایش آن دارد سیوم
الله اکبر گفتن بعد از سر برداشتن از هر رکوع مگر رکوع پنجم و دهم که آنجا
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید چهارم قنوت کردن بعد از رکوع پنجم و دهم پنجم آنکه
این نماز را در مسجد گذارد یا جائی که سقف نداشته باشد ششم آنکه مقدار زمان
هر یک از رکوع و سجود و قنوت مساوی زمان قرائت باشد هفتم آنکه بجماعت
گذارده شود خواه همه قرص گرفته باشد و خواه بعضی و شیخ ابن بابویه بر آنست
که اگر همه قرص نگرفته باشد بجماعت گذاردن جایز نیست هشتم آنکه اگر قبل
از تمام انجلا از نماز فارغ شود نماز را اعاده کند و سید مرتضی بر آنست که اعاده

نماز در اینصورت واجبست و بدانکه اگر وقت این نماز با وقت یکی از نمازهای یومیه
جمع شود و وقت گنجایش هر دو داشته باشد درینصورت مکلف مخیر است در تقدیم
هر کدام که خواهد و اگر وقت یکی مضیق باشد و وقت دیگر موسع تقدیم آنکه وقت
او مضیق باشد و اگر وقت نسبت بهر یک مضیق باشد واجبست تقدیم نماز یومیه
و همچنین اگر نماز جمع شود با نماز میت یا نماز خانهٔ کعبه اگر واجب باشد و اگر در اثنای
این نماز وقت یکی از نمازهای یومیه داخل شود جایز است که این نماز را قطع کند
اگر وقت مضیق نباشد و بنماز یومیه مشغول شود و چون سلام دهد این نماز را
از آنجا که قطع کرده باتمام رساند مقصد ششم در نماز میت این نماز واجب کفائی است
یعنی هرگاه یک شخص بگذارد از همه ساقط می‌شود و نماز کردن بر میت وقتی
واجبست که این میت مسلمان باشد یا در حکم مسلمان مثل اطفال مسلمانان
بشرط آنکه شش سال تمام کرده باشد و اگر کمتر از شش سال داشته باشد
نماز بر ایشان سنت است و کیفیت این نماز آنست که مصلی بعد از نیت تکبیر احرام
بجا آورد و بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ باز تکبیر دویم بجا آورد و بگوید اللّهُمَّ صَلِّ عَلیٰ

محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كافضل
ما صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد بعد از تكبير
سيوم بجا آورد وبگويد اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات الاحياء منهم والاموات تابع اللهم بيننا وبينهم بالخيرات
انك مجيب الدعوات انك على كل شيء قدير بعد از تكبير چهارم بگويد پس اگر ميت
مؤمن باشد بگويد اللهم هذا عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك
وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا
اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عن سيئاته
واحشره مع من كان يتولاه من الائمة الطاهرين واگر مخالف ومعاند
باشد بجاى اين بگويد اللهم املا جوفه نارا وقبره نارا وسلط عليه
الحيات والعقارب واگر ميت مستضعف باشد يعنى مذهب حق را نداند
وعناد نداشته باشد بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم اغفر للذين تابوا
واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم واگر اعتقاد ميت را مطلقا نداند
بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم هذه النفس انت احييتها وانت امتها

لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره
تكبيرا بعد از آن وضو سازد وشروع در نافله كند ودو ركعت واو تكبيرات
سبعه افتتاحيه را با ادعيه آن بطريقى كه در فصل تكبيرة الاحرام مذكور شد بجا آورد
وبعد از فاتحه سوره قل هو الله بخواند ودر ركعت دويم بعد از فاتحه سوره قل
يا ايها الكافرون پس سلام دهد وبعد از سلام سه تكبير بگويد وتسبيح فاطمه
زهراء بجا آورد پس اين دعا بخواند اللهم انى ضعيف فقو في رضاك ضعفي
وال الى الخير بناصيتي واجعل الايمان منتهى رضاى وبارك لي فيما قسمت لي
وبلغني برحمتك كل الذي ارجو منك واجعل لي ودا وسرورا للمؤمنين وعهدا
عندك پس دو ركعت ديگر نافله ظهر بگذارد بطريقى كه ذكر شد سواى شش تكبير
افتتاحيه وادعيه آن پس دو ركعت ديگر نيز باين طريق بجا آورد وبعد از هر دو ركعت
از اين شش ركعت ديگر آنچه ميسر باشد از تعقيب نماز بجا آورد وبعد از فارغ شدن
از نماز ظهر ومتعلقات آن شروع كند در نافله عصر ودر هر ركعت بعد از فاتحه
هر سوره كه خواهد بخواند واين دعا بخواند اللهم انت الله لا اله الا انت الحى القيوم
العلي العظيم الحليم الكريم الخالق الرازق المحيي المميت البدئ البديع لك الحمد

ولك المن ولك الكرم ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد
يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة
ولا ولدا صل على محمد وآله پس حاجت خود را بخواهد بعد از آن دو رکعت نافله
عصر را بگذارد بطریق دو رکعت اول پس این دعا بخواند اللهم رب السموات
السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش
العظيم وجبرئيل وميكائيل واسرافيل ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب
محمد خاتم النبيين صل على محمد وآله واسئلك باسمك الاعظم الذي تقوم
السموات والارض وبه تحيي الموتى وترزق الاحياء وتفرق بين المجتمع وتجمع
بين المتفرق وبه احصيت عدد الآجال ووزن الجبال وكيل البحار اسئلك
يا من هو كذلك ان تصلي على محمد وآل محمد پس حاجت خود را بخواهد و دو رکعت
دیگر بگذارد بان طریق که مذکور شد و بعد از آن این دعا بخواند اللهم انی ادعوك
بما دعاك به عبدك يونس اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى
في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته
من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فانه دعاك وهو عبدك وسألك وهو عبدك

وانا

وانا اسئلك وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تستجيب لي كما
استجبت له وادعوك بما دعاك به عبدك ايوب اذ مسني الضر وانت ارحم
الراحمين فاستجبت له وكشفت ما به من ضر وآتيته اهله ومثلهم معهم
فانه دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسألك وهو عبدك
وانا اسئلك وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت
عنه وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك بما دعاك وهو عبدك و
اسئلك وانا عبدك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفرج عني كما فرجت عنه
وان تستجيب لي كما استجبت له فصل على محمد وآل محمد پس حاجت خود را بخواهد
بعد از آن دو رکعت دیگر نافله عصر بگذارد پس این دعا بخواند یا من اظهر الجمیل
وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا كريم الصفح يا عظيم
المن يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى
يا منتهى كل شكوى يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه
يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا غاية رغبتاه يا ذا الجلال والاكرام اسئلك
بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد

وعلي والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم اجمعين ان تصلي علي محمد
وآل محمد ان تكشف كربي وتغفر ذنبي وتنفس همي وتفرج غمي وتصلح شأني
في ديني ودنياي وان تدخلني الجنة ولا تشوه خلقي بالنار ولا تفعل بي
ما انا اهله برحمتك يا ارحم الراحمين پس اذان واقامت بگويد از براي نماز
عصر وبعد از آن كه نماز عصر بگذارد تعقيب بجا آورد وبعد از آن بگويد
استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال و
الاكرام واسئله ان يتوب علي توبة عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين
مستجير لا يملك لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا نشورا
اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا يخشع ومن علم لا ينفع
ومن صلوة لا ترفع ومن دعاء لا يسمع اللهم اني اسئلك اليسر بعد
العسر والفرج بعد الكرب والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة
فمنك وحدك لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك وسنت است كه بعد از
نماز عصر هفتاد نوبت استغفار وسوره انا انزلناه في ليلة القدر ده نوبت
بخواند بعد از آن دو سجده شكر بجا آورد بطريقي كه قبل از اين مذكور شد و نبايد

واقلني عثرتي ولا تبتليني ببلاء علي اثر بلاء فقد تري ضعفي وقلة
حيلتي واستعيذ بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار فاجرني
واسئلك الجنة فلا تحرمني پس بخواند در قنوت هر دعا كه خواهد و هفتاد
نوبت استغفار كند باين طريق كه استغفر الله ربي واتوب اليه بعد از ان
دعا كند براي چهل برادر مومن باين طريق كه اللهم اغفر لفلان و فلان و
اسم ايشان را ذكر كند واگر صد نوبت استغفار كند افضل است و ثواب
ان بيشتر است پس هفت نوبت بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو
الحي القيوم لجميع ظلمي واسرافي علي نفسي واتوب اليه وبئس ما صنعت
پس بگويد رب اسأت وظلمت نفسي واتوب اليه وبئس ما صنعت
وهذه يداي جزاء بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما اتيت
وها انا ذا بين يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتي ترضي لك
العتبي لا اعود پس سيصد نوبت بگويد كه العفو العفو پس بگويد

رب اغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم وبدانكه قنوت در
نماز وتر در ركعت سيوم است پس در ركعت دوم شفع قنوت بخواند
واگر وقت تنگ باشد از تطويل قنوت اختصار كند بر آنچه وقت وسعت
داشته باشد وبعد از سلام تسبيح فاطمه زهرا عليها السلم بجا آورد
وبعد از ان سجده كند واين دعا بخواند اللهم صل علي محمد وآل محمد
وارحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك ووحشتي من الناس وانسي بك
يا كريم يا كائنا قبل كل شيء لا تفضحني فانك عالم ولا تعذبني فانك
علي قادر اللهم اني اعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع في القبور
ومن ندامة يوم القيمة واسئلك عيشة هنيئة وميتة سوية
ومنقلبا كريما غير مخزي ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من ذنوبي
ورحمتك ارجي عندي من عملي فصل علي محمد وآل محمد واغفر لي يا حيا
لا يموت وبعد از فارغ شدن از مفرده وتر وآنچه متعلق است بطاق

نافله صبح را بگذارد دو ركعتست در ركعت اول بعد از حمد سوره
قل يا ايها الكافرون بخواند ودر ركعت دوم بعد از حمد سوره اخلاص
بخواند پس چون سلام دهد بر پهلوي راست بخوابد رو بقبله وجانب راست
رو را بر دست بپهلوي راست بگذارد واين دعا بخواند استمسكت
بعروة الوثقي التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين واعوذ
بالله من شر فسقة العرب والعجم وشر فسقة الجن والانس ربي الله
امنت بالله توكلت علي الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة
الي مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد
لله رب الصباح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل
سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم
صل علي محمد وآل محمد واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلي

وَعَلى لِسانِي نُوراً وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُوراً وَمِنْ خَلْفِي نُوراً وَعَنْ يَمِينِي
نُوراً وَعَنْ شِمالِي نُوراً وَمِنْ فَوْقِي نُوراً وَمِنْ تَحْتِي نُوراً وَعَظِّمْ لِي
نُوراً اَمْشِي بِهِ فِي النّاسِ وَلا تَحْرِمْنِي نُورَكَ يَوْمَ الْقِيمَةِ پس بخواند آية
الكرسي و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ و قل اعوذ برب الفلق و پنج آيه از آخر
سورهٔ آل عمران اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَاخْتِلافِ
اللَّيْلِ وَالنَّهارِ لَاياتٍ لِاُولِي الاَلْبابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللهَ قِياماً
وَقُعُوداً وَعَلى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمواتِ وَالاَرْضِ
رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النّارِ رَبَّنا
اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهُ وَما لِلظّالِمِينَ مِنْ اَنْصارٍ
رَبَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْاِيمانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا رَبَّنا
فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا
ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ

پس تسبیح فاطمهٔ زهرا عَلَيْها السَّلامُ بجا آورد و بعد از آن صد نوبة بگوید
سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بعد از آن
هفتاد نوبة بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس دو سجدهٔ شکر بجا آورد بطریقی که قبل از این مذکور
شد و اینده نماز را نیز بخواند اَللّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيالِي الْعَشْرِ وَ
الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي بفلان و فلان یعنی نام برادران مؤمن ببرد
اِفْعَلْ بِي ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بِنا ما نَحْنُ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوى
وَالْمَغْفِرَةِ دوم از نمازهای سنتی نمازیست که بحضرت رسالت
پناه صلعم منسوبست و آن دو رکعتست در هر رکعتی فاتحه یکبار
و انا انزلناه ده بار بخواند و در رکوع نیز پانزده بار بخواند و همچنین
در هر سر برداشتن از هر رکوع و در هر سجود و در هر سر برداشتن

از سجود سوم نمازی که بحضرت امیر المؤمنین علی عم منسوبست
و آن چهار رکعتست در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله احد پانزده بار
بخواند چهارم نمازی که بحضرة فاطمهٔ زهرا علیها السلام منسوبست و آن
دو رکعتست در رکعت اول فاتحه یکنوبة بخواند و انا انزلناه صد نوبت
و در رکعت دوم فاتحه یکبار و سورهٔ اخلاص صد بار پنجم نمازی که
منسوبست بحضرة جعفر طیار علیه السلام و آن چهار رکعتست
در رکعت اول بعد از فاتحه سورهٔ اذا زلزلت بخواند و در رکعت دوم
بعد از فاتحه و العادیات و در رکعت سیوم بعد از فاتحه اذا جاء
و در رکعت چهارم بعد از الحمد قل هو الله و قبل از رکوع سبحان الله
وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ پانزده نوبت بخواند و در هر رکوعی ده
نوبة و در هر سر برداشتن از رکوع ده نوبة و در هر سجود ده نوبة و در
هر سر برداشتن از سجود ده نوبة پس این تسبیح در این نماز سیصد نوبة

بگوید و اگر این نماز را هر شب کنارند ثواب عظیم دارد و اگر میسر
نشود هر هفته و الا هر ماه یکنوبة و اگر شخصی نوافل یومیه را باین طریق
گذارد ثواب هر دو را می یابد و بعضی بر آنند که نماز واجب یومیه را
نیز باین طریق میتوان گذارد و مصلی ثواب هر دو را خواهد برد
و جایز است که در رکعت اول این نماز بجای آن سوره سورهٔ
قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخواند و سنت است که چون از این فارغ شود این دعا بخواند
سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ
سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ اَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ
بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ
الاَعْظَمِ وَكَلِماتِكَ التّامَّةِ تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ بعد از آن حاجت خود را بخواهد ششم نماز اعرابی و آن ده رکعتست

دو رکعت بیک سلام و وقت ان چاشت روز جمعه است در رکعت
اول بعد از فاتحه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق هفت نوبت بخواند
و در رکعت دوم بعد از فاتحه قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه بخواند
وچون سلام دهد ایة الکرسی هفت نوبة بخواند بعد از ان هشت
باقی را بگذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه سورهٔ اذا جاء یکنوبت بخواند
وسورهٔ قل هو الله احد بیست وپنج نوبة وچون سلام دهد هفتاد
نوبة سبحان الله رب العرش الکریم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم **هفتم** نماز طلب باران وانرا نماز استسقاء گویند و
گذاردن ان بجماعت افضل است و سنت است که امام در خطبهٔ
روز جمعه مردم را امر کند بتوبه و باید که سه روز بعد از جمعه روزه
بدارند و در روز سوم که روز دوشنبه است بصحرا روند اگر
در مکه نباشند و در مکه این نماز را بمسجد الحرام گذارند و سنت است

که پا بر

که پا برهنه بخضوع وخشوع استغفار کنان بصحرا روند و مردان
پیر و زنان پیر واطفال وچهارپایان با خود ببرند واطفال را از مادران
جدا سازند و زنان جوان ومخالفان ملت را همراه نبرند و موذنان
پیش باشند و در وقت اذان بجای اذان سه نوبت بگویند الصلوة و وقت
این نماز وقت نماز عید است وان دو رکعتست بطریق نماز عید
مگر در قنوت که این دعا باید بخواند اللهم اسق عبادك وامائك وبهائمك
وانشر رحمتك واحی بلادك المیتة وچون از نماز فارغ شود پیشنمان
بر منبر رود و ردای خود را بگرداند یعنی انچه بر دست راستست
بر دست چپ اندازد ودو خطبه بخواند وچون از خطبه فارغ
شود رو بقبله کند و صد نوبت الله اکبر بگوید بعد از ان رو بجانب
راست کند و صد نوبت سبحان الله بگوید و بعد از ان رو بجانب
چپ کند و صد نوبة لا اله الا الله بگوید و بعد از ان رو بجانب حاضران

کند و صد نوبت الحمد لله بگوید و همه حاضران با او جمیع ذکرها را باواز
بلند بگویند **هشتم** نماز عید غدیر است وان دو رکعتست در رکعت
اول بعد از فاتحه هر یك از ایة الکرسی وانا انزلناه وقل هو الله را
ده نوبت بخواند واول وقت ان قبل از زوالست به نیم ساعت
وسنت است که بعد از نماز دعای طویل که در مصباح مذکور است
بخواند و بعد از دعا حاجت خود را بطلبد وخطبهٔ این نماز قبل
از نماز است بطریق نماز جمعه و زیارة حضرة امیر المؤمنین علی
علیه السلام از دور و نزدیك در این روز سنت است و در حدیث
امده و شهرت عید غدیر در آسمان بیش از زمین است و ثواب
تصدق بیك درهم در این روز برابر ثواب تصدق هزار هزار
درهم است بر روزهای دیگر و غسل کردن و روزه داشتن و
روزه داران را ضیافت کردن در این روز ثواب عظیم دارد

نماز روز اول

نهم نماز روز اول هر ماه وان دو رکعتست رکعت اول فاتحه
یکبار بخواند وقل هو الله احد سی بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار وانا انزلنا
سی بار **دهم** نماز نافلهٔ رمضانست واین هزار رکعتست و گذاردن ان
بدو طریق است طریق اول انکه در شب اول تا شب بیستم هر شب بیست
رکعت بگذارد هشت رکعت میانهٔ شام وخفتن ودوازده رکعت
بعد از خفتن و در شب نوزدهم صد رکعت افزاید و پانصد رکعت
که باقی مانده در ده شب آخر هر شبی سی رکعت گذارد هشت رکعت
میانهٔ شام وخفتن وبیست و دو رکعت بعد از خفتن و در شب
بیست ویکم صد رکعت بیفزاید وهمچنین در شب بیست وسیوم
طریق دوم انکه در هر شب یك از نوزدهم وبیست ویکم وبیست وسیم
بصد رکعت اکتفا کند واز هشتاد که بماند چهل رکعت را در چهار
روز جمعه بگذارد و هر روز ده رکعت نماز حضرة امیر المؤمنین ع

وچهار رکعت نماز جعفر طیار و دو رکعت نماز حضرة فاطمه زهرا
علیها السلام واکر پنج جمعه در ماه رمضان اتفاق افتد مخیر است
اکر خواهد در یك جمعه هیچ نکذارد واکر خواهد چند رکعت از جمله
در جمعهٔ پنجم بکذارد واز چهل رکعت باقی بیست رکعت نماز
علی ع در شب جمعهٔ اخر بکذارد و بیست رکعت نماز فاطمه
زهرا ع در شب شنبه که بعد از جمعهٔ اخر است بکذارد
واکر ماه رمضان کمتر از سی باشد نماز شب سی ساقط است
وقضای ان شرعی نیست وهرچه غیر ازان کذارده نشود قضای ان
سنت نیست یازدهم نماز روز مبعث حضرة رسالت پناه ص
وان بیست وهفتم ماه رجبست واین نماز دوازده رکعتست
ودر هر وقت از روز که بخواهد بکذارد ودر هر رکعت فاتحه
یکبار وهر سوره که بخواهد وچون از نماز فارغ شود در هم

انجا که نشسته است چهار نوبه بکوید لا اله الا الله والله اکبر
والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله العظیم بعد ازان
چهار نوبت بکوید الله ربی لا اشرك به شیئا بعد ازان حاجت
خود بطلبد دوازدهم نماز شب مبعث وان دوازده رکعتست
هر وقت شب که خواهد در هر یك فاتحه وهر یك از سورهٔ ناس
وسورهٔ فلق وقل هو الله احد چهار بار وچون از نماز فارغ شود
هم انجا که نشسته است چهار نوبه بکوید لا اله الا الله والله اکبر
والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة الا بالله بعد ازان حاجت
خود را بخواهد سیزدهم نماز روز مباهله وان بیست وچهارم
ذی حجه است وان روز تصدق حضرة امیر المؤمنین علیه السلام
بخاتم واین نماز مثل نماز عید غدیر است چهاردهم نماز زیارة حضرة
رسالت پناه ص وباقی ائمهٔ معصومین علیهم السلام وان دو

وبعد ازان چهار نوبت بکوید الله الله ربی لا اشرك به شیئا

رکعتست بعد از زیارة کردن وچون زیارة حضرة امیر المؤمنین
ع کند دو رکعت نماز حضرة آدم علیه السلام ودو رکعت نماز
حضرة نوح نبی ع بکند وچون ایشان هر دو دران مکان مدفونند
وسنت است که نماز زیارت را در بالای سر بکذارند وبعضی از
مجتهدین بر انند که اکر شخصی از دور زیارة کند یعنی در
شهری دیکر باشد اول دو رکعت زیارت بجا آورد وبعد ازان
زیارة کند پانزدهم نماز رغایب وان را در شب جمعهٔ اول ماه
رجب کذارد بعد از انکه پنجشنبه را روزه بدارند واین نماز
دوازده رکعتست هر دو رکعت بیك سلام در هر رکعت الحمد
یکبار وانا انزلناه سه بار وقل هو الله احد دوازده بار وچون
سلام دهد هفتاد نوبه بکوید اللهم صل علی محمد وآل محمد بعد
ازان بسجده رود هفتاد نوبه بکوید سبوح قدوس رب الملائکة

والروح وچون سر از سجده بردارد هفتاد نوبه بکوید اللهم اغفر
وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز الاجل الاکرم وبعد ازان
حاجت خود را از خدای تعالی بطلبد شانزدهم نماز شب نصف
ماه رجب وان سی رکعتست در هر رکعتی فاتحه یکبار وقل هو الله
صد بار بخواند هفدهم نماز شب نصف شعبان وآن دو رکعتست
رکعت اول فاتحه یکبار وقل هو الله یکبار هجدهم نماز شب عید
ماه رمضان وآن دو رکعتست رکعت اول فاتحه یکبار وقل هو الله
هزار بار ودر رکعت دویم فاتحه یکبار وقل هو الله یکبار نوزدهم
نماز ساعت غفلت وان ساعه ما بین شام وخفتن است واین
نماز را غفیله کویند وآن دو رکعتست در رکعت اول فاتحه و
بعد ازان این ایه بخواند وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان
لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك

انی کنتُ مِنَ الظّالمین فاستجبنا لهُ ونجّیناه مِنَ الغمّ وکذلک
نُنجی المؤمنین و در رکعت دوم بعد از فاتحه این دعا بخواند وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها الّا هو ویعلم ما فی البرّ والبحر وما تسقط من ورقة
الّا یعلمها ولا حبّةٍ فی ظلمات الارض ولا رطبٍ ولا یابسٍ الّا فی کتابٍ
مبین بعد از ان دست بردارد واین دعا بخواند اللّهمّ انی اسئلک
بمفاتح الغیب لا یعلمها الّا انت ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان تقضی
حاجتی بعد از ان حاجت خود را بخواهد **بیستم** نماز سفری که در
وقت شروع در سفر بجا آورد وآن دو رکعتست در هر یک فاتحه
وسوره یکبار بخواند وچون از نماز فارغ شود این دعا بخواند
اللّهمّ انی استودعک نفسی ومالی واهلی ودینی ودنیای وآخرتی
وخواتیم عملی **بیست ویکم** نماز توبه وآن دو رکعتست در هر رکعت فاتحه
وسوره که خواهد بخواند واین نماز را بعد از توبه وغسل توبه بجا آورد

وان

وچون از نماز فارغ شود دعای توبه را که در صحیفهٔ کامله
مذکور است بخواند **بیست ودوم** نماز هدیه میّت است وان دو رکعتست
در رکعت اول فاتحه یکبار وآیة الکرسی یکنوبت ودر رکعت دوم فاتحه
یکبار وانا انزلناه ده نوبت وچون سلام دهد بگوید وابعث
ثواب هاتین الرکعتین الی قبر فلان ونام میّت برد ووقت این نماز شب
اول دفن است **بیست وسیم** نماز روز عاشورا وآن چهار رکعتست
بدو سلام در رکعت اول فاتحه بخواند وقل یا ایّها الکافرون ودر رکعت
دوم فاتحه یکنوبت وقل هو الله یکنوبت ودر رکعت سوم فاتحه یکنوبت
وسورهٔ احزاب یکنوبت ودر رکعت چهارم فاتحه یکنوبت وسوره
منافقین یکنوبت بعد از آن نماز زیارة امام حسین علیه السّلم
بکند **بیست وچهارم** نماز روز نوروز است وآن چهار رکعتست
بدو سلام در رکعت اول فاتحه یکنوبت وانا انزلناه ده مرتبه

ودر رکعت دوم بعد از فاتحه ده نوبة قل یا ایّها الکافرون ودر رکعت
سیم بعد از فاتحه ده نوبة قل هو الله ودر رکعت چهارم بعد از
بعد از فاتحه هر یک از سورهٔ قل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب
الفلق ده نوبة بعد از سلام بسجده رود واین دعا بخواند اللّهمّ
صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ الاوصیاء المرضیّین وعلی جمیع انبیائک
ورسلک افضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک و
الصّلوة والسّلام علی ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبرکاته
اللّهمّ بارک علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وبارک لنا ویومنا هذا الذی فضّلته
وکرّمته وشرّفته اللّهمّ بارک فیما انعمت علیّ حتی لا اشکر احداً
غیرک ووسّع علیّ فی رزقی یا ذا الجلال والاکرام ووقت این نماز
بعد از فارغ شدن از نماز عصر وظهر ونافلهٔ انست **مطلب سیم** در بیان
احکام خللی که در نماز واقع شود وان سه مقصد است **مقصد اول**

در بیان خللی که موجب بطلان نماز است ودران بیست وسه امر است
اوّل حدث کردن در اثنای نماز خواه از روی عمد واقع شود وخواه از
روی سهو وخواه از روی اختیار وخواه از روی اضطرار وخواه
قبل از سر برداشتن از سجدهٔ اخر نماز وخواه بعد از ان وشیخ ابن بابویه
بر انست که اگر حدث در نماز اگر بعد از سر برداشتن از سجدهٔ اخر
واقع شود نماز باطل نمیشود وواجبست که وضو بسازد ونماز را از
سر گیرد **دوم** عمدا پشت بقبله کردن بی ضرورتی واگر ضرورتی
باشد مثل وقت جنگ کردن که خصم رو بقبله باشد ووقت تنگ
شده باشد نماز باطل نیست امّا اگر پشت بقبله کردن از روی سهو
واقع شود در این صورة شرط بطلان نماز انست که وقت نماز باقی
باشد اگر بعد از خروج وقت بخاطر رسد که پشت بقبله نماز کرده
ان نماز صحیح است چنانکه در بحث مذکور شد **سیم** انحراف

از قبله بجانب یمین یا یسار از روی عمد بی ضرورتی اما اگر از روی
سهو باشد وقتی آن نماز باطلست که وقت نماز باقی باشد چنانکه
سابقا مذکور شد چهارم هرگاه ظاهر شود که غسل یا تیمم یا وضو
خلل داشته مثل آنکه ظاهر شود که بعضی از اعضا را نشسته یا
مسح نکرده یا آب وضو و غسل و خاک تیمم مضاف بوده یا مشتبه
بغصبی دانسته وضو یا غسل یا تیمم کرده باشد اما اگر وقت وضو
یا غسل یا تیمم عالم بغصب یا اشتباه نباشد و بعد از نماز ظاهر
شود که غصبی است یا مشتبه بغصبی در این صورة بعضی بر آنند
که نمازی که کرده صحیح است پنجم هرگاه نداند که یک رکعت کذارده
یا دو رکعت ششم شک در عدد رکعات مغرب کردن هفتم رکنی
از ارکان خمسه که نیت و تکبیر احرام و قیام و رکوع و سجود است زیاده یا
یا کم کردن اگرچه از روی سهو باشد هشتم فعل کثیر در اثنای نماز

کردن بحیثیتی که در عرف او را مصلی نگویند اگرچه سهو باشد اما اگر
قلیل باشد مثل کفش کندن یا عقرب بیک ضرب کشتن یا قدمی
پیش یا پس رفتن نماز باطل نمیشود نهم سکوت طویل کردن بطریق
فعل کثیر که در عرف او را مصلی نگویند دهم یک رکعت یا زیاده فراموش
کردن و بخاطر نرسد مگر در ما بین امری صادر شود که نماز
بآن باطل شود عمدا یا سهوا مثل حدث یا پشت بقبله کردن اما اگر
ما بین امری صادر شده باشد که اگر عمدا صادر شود نماز باطل میشود
و اگر سهوا صادر شود نماز باطل نمیشود مثل تکلم بدو حرف در این
صورة نماز باطل نمیشود و با تمام باید رسانید یازدهم در نماز
چهار رکعتی یک رکعت سهوا زیاده کردن بشرط آنکه بعد از رکعت
چهارم بمقدار تشهد نشسته باشد نماز او صحیح است هرچند که
تشهد نخوانده باشد دوازدهم کل نماز را پیش از وقت بجا آوردن خواه

عمدا و خواه سهوا اما اگر بگمان آنکه وقت داخل شده نماز را کذارد و
در اثنای نماز وقت داخل شود در این صورة نماز صحیح است
سیزدهم دانسته در جامه غصبی یا در مکان غصبی نماز کردن
چهاردهم در جامه غصبی یا در مکان غصبی نماز کردن پانزدهم در
جامه یا در بدن نجس که پیش از نماز میدانست که نجس است و
بعد از آن فراموش کردن و نماز کذاردن شانزدهم بی تقیه عمدا
بطریق سنیان دست در نماز بستن هفدهم در اثنای نماز
عمدا چیزی خوردن اگرچه اندک باشد هجدهم عمدا بدو حرف تکلم
کردن نوزدهم بقهقهه عمدا خندیدن بیستم برای امور دنیا عمدا
گریه کردن بیست و یکم عمدا ترک واجبی از واجبات کردن اگرچه
رکن نباشد اما اگر بجهة جهل مسئله عمدا ترک کند جهر را در
جایی که جهر واجبست و اخفات در جایی که اخفات واجبست آن

نماز صحیح است بیست و دوم عمدا زیاده کردن واجبی از واجبات اگرچه رکن
نباشد بیست و سیم عمدا انحراف از قبله کردن که بحد یسار و یمین
نرسد عمدا کشف عورة کردن مقصد دوم در بیان احکام
خللی که بوقوع آن نماز باطل نمیشود و آن دو نوع است نوع اول
خللی که بواسطه آن سجده سهو واجب میشود و احکام این دو نوع
در نوع در دو نوع تفصیل می یابد فصل اول در بیان خللی که بواسطه آن
سجده سهو واجب نمیشود و آن فراموش کردن فعلی از افعال واجبی
نماز است که قبل از فوت محل آن بیاد آید پس اگر خواندن فاتحه را
فراموش کند و بعد از خواندن سوره و قبل از رکوع بیادش آید فاتحه را
بخواند و سوره را اعاده کند و اگر رکوع را فراموش کند و بعد از خم
شدن بقصد سجود قبل از سجود بیادش آید راست ایستد و
رکوع را بجا آورد و جایز نیست که اکتفا بآن خم شدن کند خواه

خواه از خم شدن بحد رکوع رسیده باشد و خواه کمتر از رکوع باشد
وخواه زیاده بران واکر سجده را یا تشهد اول را فراموش کند و بعد از
ایستادن وقبل از رکوع بیادش اید دو سجده وتشهد را بجا اورد
ونماز را باتمام رساند واکر سجده را فراموش کرده نشسته وطمانینه
را بجا اورده احتیاج بسجدهٔ سهو نیست واکر پیشنماز در فعلی از
افعال نماز شک کند و ماموم از بان فعل یا بر عدم ان فعل واقف
سازد پیشنماز را واجبست که عمل بقول ماموم نماید اکرچه ماموم
یکشخص باشد و عادل نباشد اکر نزدیک به پیشنماز باشد یا بلفظ
قران مثل انکه پیشنماز شک کرده میانهٔ دو وسه و ماموم میانهٔ سه
وچهار و ماموم داند که سه رکعت کذارده پس سورهٔ کهف سیقول
ثلثه بخواند واکر شخصی سهو بسیار در نماز کند بحیثیتی که اورا
در عرف کثیر السهو کویند در اینصورة تلافی انچه نکرده بر او واجب

هرچند محلش باقی باشد و سجدهٔ سهو نیز بر او واجب نیست و
بعضی از مجتهدین از کثیر السهو می کویند که در سه نماز متوالی سه
سهو کند یا در یکنماز سه سهو واکر شک بسیار کند که در عرف
او را کثیر الشک کویند ملتفت نشود هرچند محل ان باقی باشد
ونماز او صحیحست وسجدهٔ سهو بر او واجب نیست پس اکر مثلا شک
کند در خواندن سوره قبل از رکوع بر او واجبست که بان ملتفت
نشده برکوع رود واکر سوره را بخواند ان نماز باطلست هرچند بعد از
ان ظاهر شود که نخوانده فصل دوم در بیان خللی که سجدهٔ سهو
بسبب ان خلل واجبست وان در هفت موضع است اول
فراموش کردن یک سجده دوم فراموش کردن شهادتین در تشهد
سوم فراموش کردن صلوة بر پیغمبر ص بشرط انکه محل هر یک ازین
سه کذشته باشد پس در اینصورة واجبست که از بعد از سلام

دادن بجا اورد و سجدهٔ سهو کند واکر دو چیز ازین سه چیز که
کفته شده فراموش شده باشد واجبست که اول بعد از سلام دادن
هردو را بان ترتیب که فراموش کرده بجا اورد و بعد از هر یک دو
سجدهٔ سهو کند اما لازم نیست که قصد کند که دو سجدهٔ اول از
برای خلل اولست و دو سجدهٔ ثانی از برای خلل دوم است پس اکر در
نماز ظهر مثلا تشهد اول را یا یک سجده را از رکعت دوم فراموش
کرده باشد اول تشهد را بجا اورد و نیت چنین کند که تشهد
فراموش شدهٔ نماز ظهر بجا می اورم ادا واجب تقرب بخدا واکر
وقت کذشته باشد بجای ادا قضا کوید و بعد از ان سجدهٔ فراموش که
کرده بهمین طریق بکذارد و سجدهای سهو را بجا اورد واکر دو سجدهٔ
سهو تشهد را برد و سجدهٔ سهو مقدم دارد جایز است اما واجب نیست
ونیت چنین کند که دو سجده از برای سهوی که در نماز ظهر کرده

بجا می اورم واجب تقرب بخدا و ذکر ادا و قضا لازم نیست واکر در نمازی
که باجاره ویا بجهة پدر می کند مثل این سهو واقع شود نیت چنین
کند که بنیابت فلان تشهد فراموش کرده بجا می اورم بجهة انکه
واجبست بر او اصالة و بر من نیابة ادا تقرب بخدا اما در وقت
سجدهٔ سهو نام انشخص واجب نیست و بعضی از مجتهدین واجب میدانند
ونیت سجدهٔ فراموش شده وسجدهٔ اول دو سجده را واجبست که مقارن
سازد بپیشانی بر زمین نهادن و ذکر سجدهٔ سهو اینست بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وچون سر از سجده بردارد
تشهد بخواند بعد از ان سلام دهد و واجبست در ان استقبال
قبله وطهارة از حدث وخبث چهارم از هفت موضع که دو سجدهٔ
سهو در ان واجبست شک کردنست میانهٔ چهار رکعت و پنج رکعت
چنانکه در مبحث شکیات مذکور خواهد شد پنجم سلام دادن

از سهو در غیر محل ششم ایستادن یا نشستن در محل غیر هفتم
حرف زدن بزیاده از دو حرف غیر قران و دعا و بعضی از مجتهدین
دو سجدهٔ سهو را واجب میدانند از برای هر زیاده و نقصانی که
در نماز واقع شود و نماز را باطل نسازد و این قول احوط است و وقت
ان بعد از سلام است خواه از برای زیاده باشد و خواه از برای کم و
بعضی از مجتهدین از برای نقص مقدم بر سلام میدانند و اولی انست
که قبل از فعل منافی و بعد از سلام دادن بیفاصله بجا اورند (فعل)
مقصد سیم در بیان احکام شک مصلی در نماز یا در غیر عدد
رکعات و احکام هر یک در بحثی مذکور خواهد شد بحث اول در
شک در غیر عدد رکعات بدانکه هرگاه مصلی در فعلی از افعال
نماز شک کند خواه ان فعل رکن باشد و خواه غیر رکن پس اگر محل ان
نگذشته باشد واجبست که انرا بجا اورد مثل انکه قبل از رکوع

شک کند که تکبیر احرام بجا اورده یا نه یا در اثنای سجود شک کند که رکوع
کرده یا نه یا در اثنای تشهد شک کند که سجود کرده یا در اثنای ان شروع
در قیام شک کند که سجود کرده یا نه اما در این صورة بعضی از مجتهدین
بر انند که سجود را بجا باید اورد و بدانکه هرگاه فعلی از افعال مشکوک
فیه را در محل تلافی کند بعد از ان ظاهر شود که انرا بجا اورده پس اگر
ان فعل رکن است نماز باطل میشود و اگر رکن نیست نماز صحیح است
و اگر بعد از فوت محل تلافی کند نماز باطل است خواه ان فعل رکن باشد
و خواه غیر رکن بحث دوم در شک در عدد رکعات بدانکه شک
در عدد رکعات نماز مغرب موجب بطلان نماز است همچنین شک
میانهٔ یک رکعت و دو رکعت و هرگاه در نماز چهار رکعتی شک کند
در عدد رکعات مشهور از ان دوازده صورتست اول شک کردن
میانهٔ دو و سه بعد از اتمام ان بفارغ شدن از ذکر سجدهٔ اخر است

اگر چه سر از سجده برنداشته باشد پس اگر واجبست که بنا بر سه نهد
و نماز را تمام کند و بعد از سلام دادن یک رکعت احتیاط ایستاده بکذارد
یا دو رکعت نشسته دوم شک کردن میانهٔ سه و چهار خواه سجدتین
را باتمام رسانیده و خواه نرسانیده باشد پس بنا بر چهار نهد و احتیاط
بطریق اول بجا اورد سوم شک کردن میانهٔ دو و چهار بعد از اکمال
سجدتین پس بنا بر چهار نهد و دو رکعت ایستاده بجهة احتیاط بکذارد
و شیخ ابن بابویه شک میانهٔ دو و چهار را باطل میداند چهارم شک
کردن میانهٔ دو و سه و چهار بعد از اکمال سجدتین پس بنا بر چهار
نهد و دو رکعت ایستاده بکذارد و دو رکعت نشسته و مخیر است
در تقدیم هر کدام که خواهد و بعضی از مجتهدین بر انند که دو رکعت
نشسته را مقدم باید داشت پنجم شک کردن میانهٔ سه و پنج بعد از
رکوع اما اگر قبل از رکوع این شک کند ان رکعت را منهدم سازد تا شک

او میانهٔ سه و چهار شود و حکم ان مذکور شد اما بر او دو سجدهٔ
سهو واجبست بواسطهٔ زیاده کردن قیام ششم شک کردن میانهٔ
دو و سه و پنج بعد از اکمال سجدتین هفتم شک کردن میانهٔ دو
و چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین و در این چهار صورة مجتهدین را
دو وجه است یکی انکه بنا بر کمتر کذارد و نماز را تمام کند و وجه
دیگر انکه نماز باطل است و در این صورة اخر وجهی دیگر گفته اند
و ان بنا بر چهار نهادنست و دو رکعت ایستاده باحتیاط بجا اورد
و سجدهٔ سهو کند نهم شک کردن میانهٔ دو و سه و چهار و پنج بعد
از اکمال سجدتین و این حکم صورة هشتم دارد با زیادتی دو رکعت احتیاط
نشسته و اگر خواهد یک رکعت ایستاده بجای ان بکذارد دهم شک کردن
میانهٔ چهار و پنج پس اگر بعد از سجود است سلام دهد و دو سجدهٔ سهو بجا اورد
و اگر قبل از رکوع است نماز را منهدم سازد تا شک میانهٔ سه و چهار

شود پس مخیر است در گذاردن یک رکعت ایستاده احتیاط یا دو رکعت
نشسته و دو سجدهٔ سهو بجا آورد و اگر بعد از رکوع است بعضی
از مجتهدین نماز را باطل میدانند و بعضی مثل شک کردن قبل از
رکوع میدانند یازدهم شک کردن میانهٔ سه و چهار و پنج در این
صورة بعضی از مجتهدین بر آنند که بنا بر سه نهد و نماز را تمام کند
و نماز احتیاط نکند و بعضی از مجتهدین بر آنند که بنا بر چهار نهد
و یک رکعت احتیاط بگذارد و دو سجدهٔ سهو بجا آورد ۲ ۱۰
آنکه شک تعلق برکعت ششم گیرد در این صورة بعضی از مجتهدین
بر آنند که نماز باطل است و بعضی بر آنند که بنا بر کمتر نهد و حکم آن
تعلق مثل حکم شک برکعت پنجم است و هرگاه در عدد نماز سنتی
واقع شود مصلی مخیر است در بنا بر اقل و افضل است فصل در بیان نماز
احتیاط بدانکه آنچه در اصل نماز واجبست در نماز احتیاط واجبست

مثل طاهر بودن از حدث و استقبال قبله و ستر عورت و نیت قربة
و تکبیر احرام و تشهد و سلام و چهار امر در نیت آن واجبست که در اصل
نماز واجب نیست اول قصد کردن نماز احتیاط دوم تعیین یک رکعت
یا دو رکعت سیم تعیین آنکه ایستاده گذارده میشود یا نشسته
چهارم تعیین نمازی که احتیاط بجهة اوست و در این نماز بعد از
فاتحه سوره نمی باید خواند و فاتحه را بلند خواندن جایز است و تسبیحات
اربع قایم مقام فاتحه نمیشود و چنین نیت کند که دو رکعت ایستاده
میگذارم جهة احتیاط فلان نماز ادای آنکه واجبست اداء قربة الی الله
و اگر نشسته میکند قصد نشسته کند و اگر بعد از وقت قصد
قضا کند هرگاه میانهٔ نماز اصل و نماز احتیاط منافی واقع شود مثل
استدبار قبله یا حدث یا فعل کثیر در اینصورة بعضی از مجتهدین بر آنند
که نماز اصل باطل نمیشود و اولی بطلان است و هرگاه در اثنای نماز احتیاط ظاهر

شود که نماز کم اصل بوده بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز احتیاط را
تمام کند و چیزی دیگر لازم نیست و بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز
اصل باطل میشود و اعادهٔ آن باید کرد و قول دوم احوط است و اگر بعد از
فارغ شدن از نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل کم بوده بآن التفات
نکند و نماز صحیح است و اگر در اثنای احتیاط ظاهر شود که نماز اصل
درست بوده در اینصورة نماز احتیاط نافله میشود و مصلی مخیر است
میانهٔ قطع و اتمام آن و بدانکه هرگاه شخصی نماز احتیاط بر او واجب
شده باشد و ترک آن کند و نماز را از سر گیرد و آن نماز ذمت از او ساقط
نمیشود و واجبست بر او که احتیاطی را که شارع فرموده بجا آورد
و اگر نماز احتیاط بعد از اعادهٔ نماز اصل بجا آورد در اینصورة نیز نماز
در بذمت او باقیست بجهة آنکه فعل منافی در ما بین نماز اصل و نماز
احتیاط واقع شده از نمازیست که اثر بخلاف شرع کرده خاتمة

و نماز سفر و نماز خوف و نماز جماعت و در آن چهار فصل است فصل اول در بیان قضای نماز
در بیان احکام نماز قضا هرگاه نمازی از نمازهای یومیه از شخصی فوة شود
و آن شخص در وقت فوة آن نماز بالغ و عاقل و خالی از حیض و نفاس بوده باشد
و کافر اصلی نباشد قضای آن نماز بر او واجب است پس اگر آن نماز در وقت
جنون یا در وقت حیض یا نفاس فوة شود قضا ندارد و همچنین هرگاه کافر
اصلی مسلمان شود نماز ایام کفر قضا ندارد اما کافر مرتد هرگاه مسلمان شود
واجبست بر او قضای نمازهای گذشته و همچنین نمازی که در وقت خواب یا
مستی از شخصی فوت شود قضای آن نیز واجبست و اگر چیزی بخورد که
موجب خوابی باشد که همه وقت نماز در خواب باشد پس اگر نمیدانست که خوردن
آن موجب اینچنین خوابیست بر او قضای آن نماز واجب نیست و اگر میدانست
که موجب چنین خوابیست اما آنرا بواسطهٔ معالجهٔ مرض تناول نموده
و علاج بقول طبیب حاذق منحصر در آن بوده در آنصورت نیز قضای آن
نماز واجب نیست و همچنین قضا ندارد اگر باکراه آنرا بخورد او داده باشند

اما اکرنه بواسطهٔ مرض تناول نموده باشد یا بقول طبیب غیر حاذق خورده باشد
یا علاج دران منحصر نبوده باشد در اینصورت قضا بر او واجبست و هر گاه
شخصی سنی شیعه شود بر او واجبست که نمازی که در ایام سنی بر او واجب
بوده از او فوت شده قضا کند و اکر محدث بوده باشد تا اخر وقت نماز نه اب
یابد و نه خاک که وضو سازد یا تیمم کند نماز از او ساقط میشود اما
وجوب در قضای ان میانهٔ مجتهدین خلافست و اولی قضاست اما اکر
وقت کرانقدر کذشته باشد که طهارت و نماز را بجا توان اورد و عمدا
نماز نکرده باشد و بعد از ان اب و خاک بیابد در اینصورت قضای ان نماز
بر او واجبست و بدانکه هر کاه نمازی از شخصی فوت شود و انشخص در
ان وقت صحیح باشد و قادر بر قیام و بر همه افعال متعلقه بنماز بوده باشد
انشخص را جایز است که در ایام بیماری و عدم قدرة بر قیام و بعضی از افعال
نماز را بحسب مقدور قضا کند و لازم نیست که منتظر صحت و قدرت

بر همه افعال باشد پس بیماری که قدرة بر قیام نباشد جایز است که نشسته
نماز کند خواه ادا و خواه قضا و اکر قادر بر نشستن نباشد بر جانب راست خوابیده
نماز کند و اکر از ان نیز عاجز اید بر جانب چپ و چون از ان عاجز شود بر پشت
خوابد بطریق وقت احتضار و رکوع و سجود را باشارت سر بجا اورد و اکر
از ان اشارة سر عاجز اید بچشم اشارة کند و در این دو صورة سجود را از رکوع
منخفض تر سازد و قراءت و باقی ذکار را بجا اورد و اکر از انها عاجز اید
افعال نماز را نیت کذارد و اکر بیماری نشسته نماز میکذارد و در اثنای
نشستن قدرت بر قیام پیدا کند باید که بایستد و قرائت کند و اکر قراءت را
تمام کرده باشد و این ایستادن بجهة رکوع باشد و درنک کردن در قیام
واجبست و اکر از قیام عاجز اید بنشیند در حال انتقال از قعود بر قیام
یا از قیام به قعود قراءت کند و اکر نشسته رکوع میکند بعد از رکوع و قبل
از سجود قدرة بر قیام پیدا کند باید که بایستد و بعد از ایستادن بجهة سجود

خم نشود و درنک در قیام لازم نیست و در همه این احکام میانهٔ ادا و قضا فرق
نیست ترتیب در نماز قضا بعضی از مجتهدین واجب میدانستند پس هر کاه از
شخصی ظهری و عصری فوة شده باشد و نداند که اول کدام است در
اینصورة سه نماز بکذارد یک عصر مابین دو ظهر یا یک ظهر مابین
دو عصر و اکر با ظهر و عصر مغربی فوة شود در این صورة به نه نماز
کذاردن ذمهٔ او بری میشود باین طریق که ظهری بکذارد باز عصری
باز مغربی باز ظهری باز مغربی باز عصری و اخصر از این انست که قبل از مغرب
و بعد از مغرب ظهر و عصر ظهری بکذارد پس هفت نماز از ذمت بری
میشود و اکر با ظهر و عصر و مغرب و عشا فوة شدة باشد شانزده نماز
بکذارد یکی از این چهار را بکذارد و سه دیکر را بعد از ان باز یکی دیکر را
بکذارد و سه دیکر را بعد از ان باز دیکری و سه دیکر را بعد از ان باز
دیکری و سه دیکر بعد از ان و اخصر از ان اینست و هفت نماز را که
مذکور

مذکور شد قبل از عشا و بعد از عشا بکذارد پس پانزده نماز ذمهٔ او بری میشود
و اکر با این چهار صبحی فوة شود بیست و پنج نماز بکند یکی از این پنج و چهار
دیکر بعد از ان باز دیکری و چهار دیکر بعد از ان باز دیکری و چهار دیکر
بعد از ان و همچنین تا پنج نوبة و اخصر از این انست که چهار روزه نماز بترتیب
بکذارد و بعد از ان نماز صبح بجا اورد تتمه اکر شخصی یک نماز از نمازهای
پنجکانه از او فوة شده باشد و نداند که کدام است پس اکر در حضر از او فوة
شده صبحی و مغربی و چهار رکعتی اطلاق کند میانهٔ نماز جهری و اخفاتی
و اکر در سفر از او فوة شده باشد مغربی بکذارد و دو رکعتی مطلق میانهٔ صبح
و ظهر و عصر و عشا و اکر مشتبه باشد و نداند که در سفر فوة شده یا در حضر
صبحی و مغربی و چهار رکعتی بر اطلاق و دو رکعتی بکذارد مطلق میانهٔ صبح و ظهر
و عصر و عشا و مغربی بکذارد و اکر دو نماز فوة شود پس اکر در حضر فوة شده
چهار نماز بکذارد صبحی و دو چهار رکعتی اول را اطلاق کند میانهٔ ظهر

وعصر وعشا و چهار رکعتی دوم را میانهٔ عصر وعشا و مغربی میانهٔ دو
وچهار رکعتی بگذارد تا ترتیب حاصل شود و اگر در سفر فوت شده باشد
سه نماز بگذارد دو رکعتی مطلق میانهٔ صبح وظهر وعصر وعشا و اگر
مشتبه باشد ونداند که ان دو نماز در سفر فوت شده یا در حضر پنج نماز
بگذارد دو رکعتی مطلق میانهٔ صبح وظهر وعصر بعد ازان مغربی بعد ازان
دو رکعتی مطلق میانهٔ ظهر وعصر وعشا بعد ازان چهار رکعتی مطلق میانهٔ
ظهر وعصر و اگر سه نماز فوت شده باشد پس اگر در حضر فوت شده باشد
پنج نماز یومیه بگذارد بترتیب و اگر در سفر فوت شده چهار نماز بگذارد
دو رکعتی میانهٔ صبح وظهر و دو رکعتی دیگر میانهٔ ظهر وعصر بعد ازان مغربی
بعد ازان دو رکعتی مطلق میانهٔ عصر وعشا و اگر نداند که ان سه نماز
در حضر فوت شده یا در سفر هفت نماز بگذارد دو رکعتی میانهٔ صبح
وظهر و بعد ازان ظهر وعصری تمام بعد ازان دو رکعتی مطلق میانهٔ

عصر وظهر بعد ازان مغربی و بعد ازان دو رکعت مطلق میانهٔ عصر و
عشا و بعد ازان عشایی تمام بگذارد و اگر چهار نماز فوت شده باشد
پنج نماز حاضر را بگذارد و اگر در سفر فوت شده باشد پنج نماز مسافر را
و اگر نداند که این چهار در سفر فوت شده یا حضر هشت نماز بگذارد صبحی
بعد ازان ظهری تمام بعد ازان ظهری قصر بعد ازان عصری تمام بعد
ازان عصری قصر بعد ازان مغربی بعد ازان عشایی تمام بعد ازان
عشایی قصری همچنین اگر پنج نماز شبانروزی فوت شود و نداند
که در سفر فوت شده یا در حضر پس هشت نماز بهمین طریق بگذارد
و بدانکه سه نماز است از نمازهای واجبی که قضا ندارد نماز جمعه و
نماز عید قربان و نماز عید رمضان و اما ایات غیر زلزله که در تمام
عمر اداست پس اگر بعضی ماه یا افتاب گرفته باشد و بعد از خروج وقت
بران مطلع شده باشد و عمدا بجا نیاورده یا فراموش کرده باشد

بعضی از مجتهدین قضای انرا واجب میدانند و بعضی واجب نمیدانند
و اگر همه قرص واولی وجوبست گرفته باشد بر جمیع تقادیر قضا لازم است خواه قبل
از خروج وقت بران مطلع شده باشد و خواه بعد ازان و خواه عمدا بجا
نیاورده باشد و خواه فراموش کرده باشد فصل دوم در بیان احکام نماز سفر
واجبست بر مسافر که هر یک از نماز ظهر وعصر وعشا را دو رکعت بگذارد
بهشت شرط شرط اول قصد مسافتست و آن هشت فرسخ شرعیست
یا قصد چهار فرسخ بشرط ارادهٔ باز گشتن در همان روز یا در همان شب
و فرسخی سه میل است و میلی چهار هزار گز است بگز دست و گزی بیست
و چهار انگشتست که بعرض در پهلوی هم باشند و این هشت فرسخ را در
شرع برابر میدانند بیک روزه راهی که شتر بار دار از ان برود بشرط انکه از رو
معتدل باشد در درازی و کوتاهی ان راه نیز معتدل باشد در اسانی و دشواری
و اگر موضعی باشد که دو راه داشته باشد یکی هشت فرسخ و دیگری کمتر در انصورة

جایز است از راه نزدیک رفتن و نماز را تمام کردن و بدانکه اگر شخصی قصد مسافت
نکند مثل انکه در طلب غلام گریختهٔ خود از شهر بیران رود و بقصد انکه
هر جا غلام را یابد بر گردد در اینصورت این شخص را قصر کردن جایز نیست هر چند
که از هشت فرسخ بیشتر رود اما در وقت بر گشتن بشهر قصر کند اگر در میانهٔ
او و شهر هشت فرسخ باشد شرط دوم انکه از موضع اقامت آنقدر برود که
اذان را نشنود و دیوارها را تمیز نکند و این مقدار را حد ترخص گویند شرط سوم
انکه سفر معصیت نباشد پس اگر غلام گریخته و زن ناشزه و شکار
کننده که بمحض لهو و لعب شکار کند و شخصی که مقصد او از حرام باشد هیچ
از اینها را قصر نماز جایز نیست شرط چهارم انکه سفر همه وقت را فرا گرفته باشد
پس اگر بسفر رود بعد از انکه از اول وقت مقدار طهارت و نماز را تمام
گذشته باشد در اینصورت نماز را تمام بگذارد و قصر جایز نیست و
همچنین هر گاه از سفر بوطن اید و از وقت نماز مقدار طهارت و یک رکعت

ماندہ باشد نماز را تمام بکذارد **شرط پنجم** انکه کثیر السفر نباشد
یعنی در عرف او را کثیر السفر نکویند مثل مکاری و ملاح و بعضی از مجتهدین
بر آنند که وقتی کثیر السفر میشود که سه سفر کند و در ما بین این سه سفر
ده روز در وطن خود توقف نکند و در غیر وطن خود نیز ده روز بقصد توقف
نه ایستد پس مادام که کثیر السفر باشد او را قصر کردن نماز جایز نیست
شرط ۶ انکه در اثنای سفر بوطن خود نرسد پس اکر مسافر در اثنای
سفر بوطن خود عود کند نماز را تمام باید کرد هر چند قصد اقامهٔ ده روز
ننماید **شرط ۷** انکه در اثنای سفر بموضعی نرسد که او را در آن موضع
ملکی اکرچه یک درخت باشد و شش ماه در ان موضع توطن کرده باشد
خواه در ان مدت متوالی باشد و خواه متفرق پس هر کاه مسافر بچنین
موضعی رسد واجبست که نماز را تمام کند اکرچه قصدش این باشد که
زیاده بر یک روز یا کمتر در انجا باشد **شرط هفتم** انکه در اثنای سفر

بیکی از چهار

بیکی از چهار موضع که آن مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و حایر کربلاست
نرسد و مراد از حایر زمینیست که متوکل آب فرات را بان سر داده بود تا مرقد
مقدس حضرت امام حسین ع خراب شود پس آب برد و آن زمین بر بالای هم
ایستاده و یک و یک قطره داخل آن نشد و از حایر بجهة آن کفتند که آب حیران
و او بر کرد آن ایستاده و نتوانست که داخل ان موضع شود و آن صحن آستانهٔ
مقدس است با عماراتی که در انست پس هر کاه مسافر بیکی از ان مواضع رسد
و قصد اقامت ده روز نکند برو لازم نیست که نماز را قصر کند بلکه مخیر است
میانهٔ قصر و اتمام و اکر نماز را اتمام کند ثواب آن بیشتر است و قول مشهور
آنست که تخییر میانهٔ قصر و اتمام مخصوص مواضع اربع است و سید
مرتضی با بعضی از مجتهدین بر آنند که فرقی میانهٔ این چهار موضع و مشاهد
مشرفهٔ حضرات ائمهٔ معصومین ع نیست و ظاهر کلام ایشان آنست که اتمام
نماز در همهٔ این مواضع بر مسافر واجبست و قصر جایز نیست و اصح مشهور است

و واجب نیست در نیت نماز قصد قصر یا اتمام کردن اما جایز است
که در اثنای نماز عدول کند بقصر بعد از نیت اتمام و عدول کردن باتمام بعد
بعد از نیت قصر اما در صورت اولی وقتی عدول بقصر جایز است که
برکعت سیم شروع نکرده و هر کاه نماز در یکی از این چهار موضع فوت شود
مجتهدین را در این کیفیت قضای آن سه احتمالست اول انکه همچنانکه
مکلف مخیر بود در قضا نیز مخیر است اکرچه قضا را در غیر چهار موضع بجا آورد
دوم انکه اکر مکلف قضا را در یکی از ان موضع بجا می آورد مخیر است اما
در غیر آن مخیر نیست بلکه قصر لازم است سیم انکه مطلقا قصر لازم است
خواه قضا در یکی از ان چهار موضع واقع شود و خواه در غیر آن و احتمال اصح
اولست **تتمه** هر کاه شخصی بقصد سفر از شهر بیرون رود و بموضعی
رسد که از شهر تا آن موضع هشت فرسخ باشد و در آن موضع انتظار
قافله کشد و قافله دیر بهم رسد در اینصورت واجبست که از روزی

که بان موضع

که بان موضع رسیده باشد تا سی روز تمام نماز را قصر کند و بعد از سی روز نماز را
تمام بکذارد هر چند داند که قافله ساعتی دیکر میرسد و همچنین هر مسافری
که در اثنای سفر بموضعی رسد و در بودن ده روز در آن موضع متردد باشد
پس مادام که تردد او باقی باشد تا سی روز نماز را قصر کند و بعد از سی روز
نماز را تمام بکذارد اکرچه یک نماز باشد و بدانکه هر مسافر که در انموضع
قصد اقامهٔ ده روز کند و در اثنای ان ده روز سفر از آن موضع بیرون رود
و بموضعی که حد ترخص است و از آن موضع تا این موضع کمتر از هشت
فرسخ باشد پس اکر در وقت بیرون رفتن از موضع اول عزم داشت که
معاودت کند و ده روز مجدد در آنجا توقف نماید در اینصورت در
وقت رفتن بموضع دویم و در وقت رفتن بموضع دوم و در وقت معاودت
و در وقت توقف نماز را اتمام بکذارد و اکر در وقت بیرون رفتن از
از موضع اول بعزم سفر بیرون رفته باشد نه بعزم انکه بعد از عود ده روز

اینجا توقف نماید و عزم عدم توقف باقی باشد در اینصورت نماز را در وقت رو
رفتن چون بمحل ترخص رسد و در وقت برگشتن و توقف نمودن قصر
کند و هرگاه مسافر در موضعی قصد اقامت ده روز نماید و بعد از آن
عزم را تغییر دهد و قصد سفر کند پس اگر بعد از عزم اقامة یک نماز را
تمام گذارده باشد باقی نمازها را که در آن موضع میگذارد تمام کند
والا قصر کند و جایز است مسافر را که در اثنای گذاردن نماز قصد
اقامت ده روز نماید پس در این حال لازم است که آن نماز را که شروع
در آن کرده تمام بگذارد و سنت است که مسافر بعد از هر نماز قصر
سی نوبة بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا إلهَ إلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر **فصل در**
بیان نماز خوف بدانکه خوف موجب قصر نماز میشود
خواه در سفر باشد و خواه در حضر و حضرة رسالت پناه ص مکرر نماز
خوف را با جماعت گذارده پس هرگاه خوف حاصل شود و اعدا در غیر

جه

جهت قبله باشد و اهل اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت گذارند و ترسند
که در اثنای نماز اعدا بر ایشان حمله آورند دو فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده آن
دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجماعت بگذارند و فرقهٔ دیگر حراست ایشان
نمایند و پیشنماز با یک فرقه یک رکعت بگذارد و چون برکعت دویم برخیزند
فرقه که اقتدا کرده اند قصد انفراد کنند و رکعت دویم را انفراد بگذارند
و چون فارغ شوند بحراست اشتغال نمایند و فرقهٔ دیگر آیند و در رکعت
اوّل خود برکعت دویم پیشنماز اقتدا کنند و چون پیشنماز نشیند ایشان
برخیزند و رکعت دویم را بانفراد بگذارند و پیشنماز تشهد را تطویل نماید تا
ایشان تشهد را بفعل آورده سلام دهد و اگر نماز مغرب باشد پیشنماز
مخیر است بهریک از این دو فرقه که خواهد یک رکعت بگذارد و بفرقهٔ دیگر
دو رکعت و جایز است که پیشنماز نماز را با یک فرقه باخر رساند و نوبة
دیگر آن نماز را با فرقهٔ دیگر بگذارد و این نماز دویم پیشنماز نافله خواهد بود

و اگر اعدا در جهة قبله باشند و نمایان باشند پیشنماز اهل اسلام را دو
فرقه سازد صفی پیش و صفی پس و هر دو صف با او برکوع روند چون او بسجود
رود صف اوّل با او بسجود روند و صف دویم با او سجود نکنند بلکه
ایستاده بحراست مشغول شوند و چون پیشنماز برکعت دویم شروع نماید
صف اوّل بحراست اشتغال نمایند و چون برکوع رود هر دو صف با او
رکوع کنند و چون بسجود رود صف اوّل با او سجود کنند و صف دویم
حراست نمایند و چون با صف اوّل بتشهد مشغول شود صف دویم
برکوع روند و بعد از آن تشهد را هر دو با پیشنماز سلام دهند و بدانکه
در نماز خوف بمحل ضرورت سلاح با خود داشتن واجبست هرچند سلاح
نجس باشد و اگر کلاه خود پیشانی را بپوشد و نتواند دور کردن آن لازم نیست
و نماز صحیح است **تتمه** هرچند جنگ در گیرد و در آن وقت بهر طریقی که
ممکن باشد ایستاده یا سواره یا در حالت راه رفتن بگذارد پس اگر رو بقبله

کردن

کردن در کل نماز متعذر باشد در بعضی که تواند رو بقبله کند اگرچه تکبیر احرام
باشد پس سجده بر یال اسب یا کوهٔ زین کند و اگر رکوع و سجود متعذر باشد اشارة
بسر کافیست و اگر نتواند بچشم اشارت کند و اگر حال بجایی رسد که اشارة نیز ممکن
نباشد عوض هر یک رکعت سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا إلهَ إلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر بگوید
پس عوض نماز مغرب سه نوبة بگوید و عوض هر یک از نمازهای دیگر دو نوبت
و نیت و تکبیر احرام و تشهد و تسلیم بجا آورد **فصل چهارم در بیان احکام**
نماز جمعه از حضرة امام جعفر صادق ع منقولست که بجماعت نماز
افضل است از نماز منفرد به بیست و چهار درجه و جماعت در نمازهای پنجگانه
یومیه مستحب است استحباب مؤکد و در نماز جمعه واجبست خواه سنت گذارده
شود و خواه واجب و در نماز عید قربان و عید رمضان هرگاه واجب باشد و
در نماز کسوف و خسوف و مانند آن مستحب است اما نماز سنتی بجماعت
حرام است مگر در شش جا اوّل نماز طلب باران دویم نماز عید غدیر سیم نماز

عید قربان چهارم نماز عید رمضان و فطر که سنت باشد پنجم نماز میتی که بشش سال رسیده باشد ششم نمازی که یکنوبت پیشماز کذارده بود و جمعی حاضر شوند و خواهند که در انماز با او اقتدا کنند پس جایز است که پیشماز ان نماز را نوبهٔ دیکر به نیت سنت بکذارد و جمعی که با او ان نماز را کذارده بودند نیز جایز است که نوبت دیکر با او آن نماز را به نیت سنت بکذارند و بدانکه نماز جماعت مشروط بچهار شرط است اوّل انکه پیشماز بالغ باشد و بعضی از مجتهدین جایز داشته اند که طفل نزدیک به بلوغ پیشمازی کند و این مذهب ضعیف است دوم شیعهٔ اثنی عشری باشد سوم عادل باشد اکرچه بنده باشد و بعضی از مجتهدین بجویز نکرده اند که بندهٔ پیشمازی غیر بنده کند و هرکاه ظاهر شود که بعد از نماز جماعت که پیشماز عادل نبوده بر مامومین لازم نیست که نماز را اعاده نماید خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و اکر در اثنای نماز ظاهر شود نیت انفراد کند و انچه به نیت اقتدا واقع شده صحیح است چهارم انکه ایستاده

نماز

نماز کذارد پس اکر بجهة بیماری نشسته نماز کذارد جایز نیست شخصی را که قادر بر ایستادن باشد با او اقتدا کند امّا اکر کسی که قدرت بر ایستادن ندارد جایز است پنجم انکه از اخراج بعض حروف فاتحه و سوره و اذکار واجبی عاجز نباشد پس اکر عاجز باشد او را جایز نیست که پیشمازی شخصی کند که بر آن قادر باشد مکه پیشمازی مثل خود کند ششم انکه مرد باشد هرکاه پیشمازی مردان کند چه زن را پیشمازی مردان کردن جایز نیست امّا پیشمازی زنان کردن جایز است مرد را و زن را و خنثی را جایز است که پیشمازی زنان کند امّا پیشمازی مردان و مثل خود جایز نیست هفتم انکه ماموم تقدّم بر پیشماز نکند یعنی جای ایستادن او نزدیکتر بقبله نباشد امّا در پهلوی پیشماز ایستادن او جایز است و بعضی از مجتهدین برابر ایستادن را نیز جایز نمیدانند و اکر سجده کاه ماموم بواسطه درازی قد او بقبله نزدیکتر باشد از سجده کاه پیشماز امّا جای ایستادن او نزدیکتر نباشد بعضی از مجتهدین نماز ماموم را جایز میدانند و همچنین

هرکاه ماموم بر دور کعبه نماز کذارد جایز نیست که احدی از ایشان نزدیکتر باشد از پیشماز و اکر در اندرون خانهٔ کعبه نماز کذارند جایز است که یک صف در پس سر پیشماز و یک صف در پیش ایستد و او در میان دایره ایستد و اکر کشتی ماموین که در او نماز کذارند بوزیدن باد مقدم بر کشتی پیشماز شود واجبست که ماموم نیت انفراد کند و اکر بر نیت جماعت بماند نماز او باطلست
٨ انکه ماموم از پیشماز بسیار دور نباشد بحیثیتی که بخلاف عادت باشد امّا اکر بعضی از ماموین بواسطهٔ تعدد صفها بسیار دور شوند قصور ندارد ٩ انکه مکان پیشماز از مکان ماموین آنقدر بلند نباشد که نتوان او را کام زدن و جایز است که مکان ماموم بلندتر باشد از مکان پیشماز بزیاده از یک کام هرکاه زمین سرابالا یا سرا شیب باشد نماز جماعت در ان جایز است خواه ماموم بلندتر باشد و خواه پیشماز دهم نیت اقتدا کردن بعد از انکه پیشماز تکبیر احرام بکوید و اکر بی نیت اقتدا متابعت کند و امری که بر منفرد

واین

واجبست مثل ذکر رکوع و سجود بجا نیاورد نماز او باطلست امّا بر پیشماز نیت پیشمازی واجب نیست مکر در نمازی که جماعت در ان واجب باشد مثل نماز جمعه که بر پیشماز نیت نماز جماعت واجبست یازدهم انکه پیشماز و ماموم معیّن باشد پس اکر دو پیشماز نماز کذارند و ماموم بیکی غیر معیّن اقتدا بکند نماز او باطل است ۱۰ ۲ انکه پیشماز زیاده از یک شخص نباشد امّا اکر پیشماز را بیهوشی یا حدثی واقع شود در اینصورة بواسطهٔ این علّه ماموم را جایز است که در باقی نماز اقتدا به پیشماز دیکر نماید و بعضی از علما برانند که بیفرادی نیز جایز است خصوصًا اکر پیشماز دویم افقه باشد ۱۰ ۳ انکه ماموم پیشماز را ببیند یا شخصی را ببیند که پیشماز را بی واسطه ببیند پس اکر پردهٔ یا دیواری حایل باشد که ماموین پیشماز را نه بینند و نیز بعکس نماز او باطلست و اکر حایل کوتاه باشد چنانچه پیشماز در وقت تشهد دیده نشود امّا در وقت قیام دیده شود در ینصورت نماز جماعت صحیح نیست امّا اکر

بمرد اقتدا کند و حایل در میان باشد نماز زن صحیح است م ۱ آنکه صورت
نماز پیشنماز مخالف صورت نماز ماموم نباشد پس در وقتی که پیشنماز مثلاً
نماز کسوف میگذارد جایز نیست که شخصی در نماز صبح یا ظهر با او اقتدا
نماید و جایز است در نماز واجبی اقتدا کردن بشخصی که نماز سنت میگذارد
در شش صورت که قبل ازین مذکور شد و همچنین جایز است اقتدا کردن
در ظهر بنماز عصر و بر عکس و در نماز ادا بنماز قضا و عکسش و در نماز دو
رکعتی بنماز سه رکعتی یا چهار رکعتی و عکس و چون نماز ماموم کمتر باشد
مخیر است اگر خواهد انتظار پیشنماز کشد تا وقتی که سلام دهد او نیز سلام
دهد و اگر خواهد بی انتظار سلام دهد اما انتظار افضل است تتمه
بر ماموم واجبست که متابعت کردن پیشنماز یعنی هیچ یک از اقوال
و افعال نماز را قبل از پیشنماز بفعل آورد اما با هم بجا آوردن جایز است مگر
تکبیر الاحرام را که از او واجبست که ماموم بعد از پیشنماز بجا آورد پس اگر

باهم

باهم تکبیر احرام را که از او واجبست که ماموم بعد از پیشنماز بجا آورد پس اگر با هم
تکبیر احرام را بجا آورند نماز ماموم باطل خواهد بود و بعضی از مجتهدین بر آنند
که متابعت پیشنماز در اقوال سوای تکبیر احرام واجب نیست پس اگر ماموم
ذکر رکوع یا سجود یا امثال آنرا قبل از پیشنماز بجا آورد قصوری ندارد و این
قول اصح است و هرگاه بعضی از افعال را پیش از پیشنماز بجا آورد عمداً نماز
او باطل نمیشود پس اگر قبل از پیشنماز رکوع کند واجبست که در رکوع توقف
کند تا پیشنماز رکوع را بجا آورد و نماز او صحیح است مگر در یک صورت
و آن آنست که عمداً برکوع رود قبل از آنکه پیشنماز قرائت را تمام کند اما اگر
از روی سهو قبل از پیشنماز رکوع کند در اینصورت واجبست که سر از رکوع
بردارد و متابعت پیشنماز در رکوع کند و جایز است که ماموم را سلام دادن
قبل از آنکه پیشنماز سلام دهد خواه ضرورت داشته و خواه نه اما بعد از آنکه نیت
انفراد کند و همچنین جایز است که در اثنای نماز نیت انفراد نماید و تتمه نماز را

منفرداً بگذارد مگر در نمازی که جماعت در آن واجبست مثل نماز جمعه و نماز
عید در وقتی که واجب شود و هرگاه ماموم در اثنای نماز نیت انفراد کند پس اگر
انفراد او قبل از آنست که پیشنماز حمد خوانده لازم است که او حمد و سوره را
بخواند اگر محل او باقی باشد و اگر بعد از خواندن پیشنماز حمد را منفرد خوانده اکتفا
بخواندن پیشنماز کند و سوره را خود بخواند اگر محل سوره باقی باشد و اگر در اثنای خواندن
پیشنماز حمد یا سوره را یا تسبیح را نیت انفراد کند لازم است که آنچه پیشنماز
خوانده بخواند و از ماموم غیر از قرائت حمد و سوره و تسبیحات اربع چیزی
ساقط نمیشود و خواه قرائت پیشنماز بشنود و خواه نشنود اما تکبیر احرام و
ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام دادن بر ماموم واجبست و بفعل آوردن
آن از او ساقط نمیشود و بعضی از مجتهدین قرائت کردن را بر ماموم حرام میدانند
مگر آنکه ماموم قرائت پیشنماز را به هیچ وجه نشنود که در اینصورت قرائت او را
مکروه نمیدانند و بدانکه هرگاه شخصی وقتی برسد که پیشنماز در رکوع باشد

راست بدارند و صف اول را مخصوص اهل فضل و تقوی کرده اند و اگر ماموم یک شخص
باشد در جانب راست پیشنماز ایستد اگر مرد باشد و اگر زن یا خنثی باشد در پس
سر پیشنماز ایستد و اگر زن پیشنمازی زنان کند داخل صفهای ایشان ایستد و
تقدیم بر ایشان نکند و نیز سنت است که پیشنماز در ذکر رکوع و سجود و قنوت
جهر نماید و نماز را تطویل نماید بسورهای طویل خواندن یا بتطویل قنوت
یا ذکر رکوع و سجود و امثال آن و هرگاه پیشنماز در اثنای نماز واقف شود که
شخصی داخل مسجد شده اراده نماز جماعت دارد انتظار او بکشد بتطویل ذکر یا قرائت
تا آن شخص رکعت را دریابد و میباید که مدت انتظار زیاده از مقدار ذکر رکوع
نباشد و هرگاه داند که جماعتی حاضر خواهند شد و با او اقتدا خواهند کرد انتظار
آمدن آن جماعت بکشد بآن قدر که وقت فضیلت نماز فوت نشود و مکروهست
که پیشنماز جولاه باشد یا حجام باشد اگرچه زاهد بود یا دباغ باشد اگرچه عابد
باشد و همچنین مکروهست که کور باشد یا افلیج یا جذام یا برص داشته باشد

مگر آنکه پیشنمائی جماعتی کند که درین علتها مثل او باشد و همچنین مکروه است
اقتدا کردن شخصی که وضو دارد بشخصی که تیمم را بواسطهٔ ضرورت بر تیمم میکند

باب سیوم در بیان احکام زکوة واجبی و سنتی و خمس واجبی و سنتی
و در آن چهار مطلبست مطلب اول در زکوة واجبی و در آن شش فصل است

فصل اول بدانکه در باب زکوة مبالغهٔ بسیار کرده اند و در حدیث وارد است
از انجمله از حضرت رسالت پناه صلعم منقولست که فرموده زکّوا اموالکم تُقبَل صلوتکم
یعنی زکوة مال خود بدهید تا نماز شما قبول شود و نیز از انحضرت منقولست
که فرموده مانع الزکوة فی النار یعنی منع کنندهٔ زکوة در آتش خواهد سوخت و در حدیث
وارد است که شخصی که زکوة مال ندهد خدای تعالی در قیامت مار افعی برو میگرداند
که دست و پای او را بگزند و طوق گردن او باشند و هر شتر و گاو و گوسفندی
که زکوة اش نداده باشند انشخص را در زیر دست و پای خود میگیرند و شاخ دار
او را شاخ میزنند تا وقتی که حساب خلایق بآخر رسد فصل دوم بدانکه زکوة در

در نه چیز واجبست طلا و نقره و گندم و جو و خرما و مویز و شتر و گاو و گوسفند و
بر شخصی واجبست که بالغ و عاقل و بنده نباشد و مالک نصاب باشد بتفصیلی که مذکور
خواهد شد و قدرت داشته باشد که در مال خود تصرف نماید پس در مالی که غصب
شده باشد زکوة نیست و زکوة طلا و نقره دادن در وقتی واجبست که سه شرط بهم رسد
شرط اول آنکه سکه داشته باشد اگرچه آن سکه متروک شده باشد و کسی بان معامله
نکند پس شمشهٔ طلا و نقره و طلا الآت و نقره الآت زکوة نیست و همچنین بر زر طلا
اگرچه مردم بان معامله کنند شرط دوم آنکه هر یک از طلا و نقره بنصاب رسیده باشد
و نصاب طلا بیست مثقال شرعیست و اگر کمتر از بیست مثقالست زکوة ندارد
و اگر بر بیست مثقال طلا یک مثقال یا دو مثقال یا سه مثقال زیاده شود در آن زیاده زکوة
نیست تا بچهار مثقال رسد و همچنین اگر بر بیست و چهار مثقال یک مثقال یا دو
مثقال یا سه مثقال زیاده شود در ان زیاده زکوة نیست تا وقتی که بچهار مثقال
برسد و برین قیاس و نصاب نقره دویست درم [illegible] و در کمتر از ان زکوة

و همچنین اگر بر دویست درم چیزی زیاده شود در ان زیاده زکوة نیست تا وقتی که
بچهل درهم رسد و برین قیاس و زکوة نقره و طلا یک دانگ است پس زکوة بیست مثقال
طلا نیم مثقالست و زکوة هر چهار مثقال که بعد از بیست مثقال بهم رسد دهیک
مثقالست و زکوة دویست درهم پنج درهم است و زکوة چهل درهم که بعد از دویست
بهم رسد یک درهمست شرط سیم حول است یعنی انکه نصاب مدت یازده ماه
در ملک اینکس باشد و در این یازده ماه سکه دار باشند پس در اول ماه دوازدهم
زکوة واجب میشود و اگر در اثنای مدت چیزی از مقدار نصاب تلف شود یا بقرض
بکسی داده شود یا بعضی را طلا الآت یا نقره الآت یا مطلس سازد زکوة ساقط
میشود هر چند بعمد کرده باشد تا زکوة بر او واجب نبود و بدانکه قرض داری مانع زکوة
نمیشود پس اگر شخصی مالک دویست درم یا زیاده قرض دار باشد زکوة دادن برو
واجبست اگرچه مالک چیزی دیگر نباشد فصل سیوم در زکوة گندم و جو و
خرما و مویز زکوة در این اجناس اربعه واجبست بدو شرط اول آنکه خود

خود اجناس را کاشته باشد یا قبل از انکه گندم و جو و انگور دانه بندد و خرما زرد
و سرخ شود و بملک او در اید پس اگر گندم و جو و انگور بعد از انکه زرد و سرخ شود
بملک شخصی در آید زکوة برو نیست دوم آنکه بنصاب رسیده باشد و آن
سیصد صاع شرعیست و صاع شرعی یکهزار و صد و هفتاد درهم شرعیست و
درهم شرعی بوزن چهل و هشت جو میانه است چنانچه صاع بوزن پنجاه و شش هزار و
یکصد و شصت جو میانه است چنانچه در بحث وضو مذکور شد و هر چه بر نصاب
زیاده شود اگرچه آن یکمن یا کمتر باشد زکوة دادن آن واجبست و زکوة این اجناس
ده یک است اگر باب باران یا باب روان بی احتیاج باب دادن حاصل شده باشد
و نصف ده یک است اگر باب چاه دلو حاصل شده باشد و اگر بهر دو حاصل شده باشد
حکم باغلبست و اگر برابر باشد چهار دانگ نیم از ده یک ان باید داد پس اگر شصت
خروار گندم بهر دو اب بالسویه حاصل شود زکاة ان چهار خروار و نیم است و
اعتبار این اجناس بعد از وضع خراج و تخم و حصهٔ برزگر و نقصان گاو و مصالح

الا اذا کشت و اکر انرا عت را قبل از دانه بستن نیز خریده باشد قیمة انرا نیز بیرون
کند و بعد از بیرون کردن اینها اکر مقدار نصاب بماند زکوة واجبست و اکر کمتر بماند
ساقط است و انکوری که عادت نیست که انرا مویز کنند و رطبی که خرما کردانند
باید کرد که اکر مویز و خرما شود بنصاب میرسد یا نه اکر بنصاب رسد زکاة واجبست والا ساقط
تا وقت دادن زکوة هرچه صاحب مال از این اجناس تصرف نماید از انکور و رطب
وغیره واجبست که مقدار زکوة هرچه انرا معلوم خود سازد تا در وقت دادن
زکوة عوض آن بمستحق رساند و هرکاه زکات این اجناس را یکنوبت داده باشد دیکر
باره زکوة واجب نیست اکرچه چند بران بکذرد **فصل ۴** در بیان زکوة شتر و کاو
و کوسفند زکوة اینها واجبست بچهار شرط **اول** انکه مدة یازده ماه در ملک کسی
باشند **دوم** انکه در مدة مذکور قوت او از چریدن باشد نه از مال صاحب **سیوم**
انکه شتر و کاو او را کار نفرمایند مثل بار کردن و زمین شیار کردن **چهارم** انکه
بنصاب رسد پس در کمتر از پنج شتر زکات نیست تا به بیست و شش شتر رسند

وزکوة

و زکوة هر پنج شتر یکراس کوسفند و چون به بیست و شش شتر رسد زکوة ان یکنفر شتر
ماده است که یکسال تمام کرده باشد و داخل سال دویم شده باشد و چون بسی و شش
رسند زکوة یکنفر شتر ماده است که داخل سال سیم شده باشد و چون بچهل و شش
رسند زکوة یکنفر شتر ماده است که در سال چهارم داخل شده باشد و چون بشصت و
یك رسند زکوة یکنفر شتر ماده است که در سال ششم شده باشد و چون بهفتاد
و رسند زکوة دو نفر شتر ماده است که در سال چهارم داخل شده باشند و چون
بصد و بیست و یك رسند زکوة در هر چهل نفر یکنفر شتر ماده است که در سال
چهارم داخل شده باشد و کاو تا بسی نرسد زکوة ندارد و چون بسی رسد زکوة
ان یکراس کوساله است خواه نر و خواه ماده که در سال دویم داخل شده باشد و کوسفند
تا بچهل نرسد زکوة ندارد و چون بچهل رسد زکوة یکراس کوسفند است و چون
بصد و بیست و یك رسند زکوة دو راس کوسفند است و چون بدویست و یك
رسند زکوة چهار راس کوسفند است و چون بچهار صد رسند زکوة در هر صد تا

یکراس است و عددی که مذکور شد از شتر و کاو و کوسفند انرا در شرع نصاب کویند
و هرچه در ما بین دو نصاب واقع است زکات ندارد و کوسفندی که زکوة داده
میشود واجبست که کمتر از هفت ماهه نباشد و بیمار و عیب ناك و لاغر و
آبستن نباشد و اکر تازه زاییده باشد تا پانزده روز نکذرد زکوة نتوان داد **فصل**
پنجم در بیان مستحقان زکوة و ایشان هفت فرقه اند **اول و دوم** فقرا و مساکین اند
یعنی کسانی اند که مالك قوت یکساله خود و عیال خود نباشند و کسبی و صنعتی
نداشته باشند که بآن وفا کند بشرط انکه سید نباشند مکر انکه زکاة دهنده سید
باشد چه زکوة سید بر سید رواست **سیم** جماعتی اند که حاکم شرع ایشانرا بجهة
اخذ زکوة از مردم و ضبط و محاسبه و قسمة آن تعیین شده باشد و شرط نیست که
اینجماعت فقرا و مساکین باشند یعنی هرچند مالدار باشند انچه حاکم شرع بحق
السعی ایشان تعیین نماید میتوانکرفت **چهارم** جماعت کافر که در جهاد مدد اسلام
نمایند **پنجم** هر بنده که در خدمت اقای خود مشقت و ازار کشد پس او را از

زکوة

زکوة میتوان خریدن و ازاد کردن و همچنین بنده که شرط کرده باشد که مبلغی باقا دهد
و بعد از ان ازاد باشد هرکاه عاجز باشد از تحصیل کل ان مبلغ یا از بعض ان پس مبلغ را
یا تتمه انرا باقای او میتوان داد تا ازاد شود **ششم** جماعتی که قرض بسیار دارند و از
دادن آن عاجز باشند بشرط انکه قرض را در معصیت صرف نکرده باشد **هفتم**
سبیل الله مثل پل ساختن و عمارت مسجد کردن و مدرسه طالب علمان ساختن که
علم مشغول باشند که در آخرت نفعی بایشان رسد **هشتم** ابن سبیل یعنی شخصی که در
شهر خود مالدار باشد اما بغربت افتاده باشد و پریشان شده باو زکوة میتوان داد
بشرط انکه سفر او معصیت نباشد و شخصی نیابد که از او قرض بکیرد یا چیزی از اموال
او که در شهر خود دارد بفروشد **فصل ۶** در بیان زکوة فطره بدانکه هر شخصی
که عاقل و بالغ باشد و قدرت بر قوت یکساله خود و عیال خود نداشته باشد خواه
خود و عیالان او روزه ماه رمضان کرفته باشند و خواه نکرفته باشند بر او
واجبست که از خود و از هر یك از عیالان مقدار یکصاع یعنی یکمن و یك چاریك

بوزن تبریز بخمینا از گندم و جو یا خرما یا مویز یا برنج یا کشک یا شیر یا آنچه در اغلب
اوقات قوة اهل آن ملک باشد بمستحق رساند و وقت دادن نیت چنین کند که این مقدار را
بمستحق میدهم بجهة زکوة فطرة واجب تقرب بخدا و مصرف زکات فطره مصرف زکاة
مال است و جایز است دادن قیمة آن جنس بمستحق و اگر در شب عید مهمانی
قبل از شام برسد فطرة او بر اینکس واجبست خواه طعام اینکس را خورده و خواه نخورده
و همچنین هر غلام و کنیز که کوچک باشد فطرة ایشان نیز بر اینکس واجبست مادام که
مردن ایشان معلوم نباشد و وقت دادن فطره از اول شب عید است تا وقت
ظهر روز عید و حرامست تاخیر آن بعد از آن پس اگر تاخیر آن کند بعد از آن نیت
قضا باید کرد و بعضی از مجتهدین بر آنند که تا آخر روز عید به نیت ادا میتوان داد
و بعد از آن قضاست مطلب دوم در بیان زکوة سنتی بدانکه زکات در هشت
چیز سنت است اول مادیانست و زکات هر اسبی در سالی دو مثقال
شرعی طلاست اگر پدر و مادرش هر دو اصیل باشند یا هیچ یک اصیل نباشند

بشرط آنکه تمام سال در صحرا بچرد یعنی علیق ایشان از مالک نباشد دوم از آنچه
زکوة در آن سنت است مالیست که مالک آن کاهلی کرده باشد که بواسطه آن مال
زکوة در آن واجب نشده باشد مثل آنکه در اثنای سال قرض بشخص دهد یا از سکه
دار را مطلس سازد یا از نصاب اول شتر یا گاو و یا گوسفند چیزی بشخصی بخشد
که از مثل اینها زکات سنتست دادن سوم آنچه زکات دادن آن سنت است
حاصل مستغلات است مثل دکان و حمام و کاروانسرا و امثال آن پس سنت است
که یک ربع نیم ده یک آن حاصل است زکوة بدهد هر چند بنصاب نرسد و حول
نگذرد چهارم از آنچه زکات دادن آن سنت است هر چیز که از زمین بروید و بکیل
و وزن در آید مثل برنج و نخود و عدس و ماش و مانند آن و نصاب و حول آن
بطریق نصاب و حول گندم و جو و خرماست همچنین در عشر و نصف عشر
اما در سبزیها و خربزه و خیار و مانند آن سنت نیست پنجم هر گاه مال چند
سال در دست مالک نباشد و بعد از چند سال بدست آید سنت است

که زکوة یکساله را بدهد هفتم از آنچه زکات دادن آن سنت است مالیست
که مالک شک داشته باشد که بنصاب رسیده یا نه سنت است که مادام که
شک داشته باشد زکوة آنرا بدهد هشتم از آنچه زکات دادن آن سنت است
مال تجارت یعنی هر گاه شخصی متاعی چند بجهة تجارت بخرد یا ملکی را اجاره کند
بقصد آنکه باجاره دهد و فایده از آن حاصل کند پس هر گاه راس المال بنصاب طلا
و نقره رسد و در مدت یکسال نقصان کند زکوة دادن آن سنت است
از آنچه زکات دادن آن سنت است مال طفلست و هر گاه ولی طفل
بآن تجارت کند از برای طفل و شرط زکوة تجارة بهم رسد سنت است که ولی
از آن زکوة بدهد مطلب ۳ در بیان احکام خمس بدانکه خمس در هفت چیز
واجبست اول غنیمت که از کافر حربی بدست آید هر مقدار که باشد دوم
هر کانی که بهم رسد مثل فیروزه و مس و مانند آن بشرط آنکه بعد از اخراجات
ضروری مثل کندن و صاف کردن قیمت آنچه بماند بیست مثقال شرعی طلا

ونقره

و نقره شود و بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که دادن خمس آن واجبست هر چند
قیمة آن از بیست مثقال کمتر باشد سوم هر چه از دریا بغواصی بیرون آورند
مثل مروارید و مرجان و غیر آن هر گاه قیمة آن بیست مثقال شرعی شود چهارم
مال حلال هر گاه بمال حرام مخلوط شود و قدر حرام و صاحب آن معلوم نباشد
اما اینقدر معلوم باشد که از پنج یک زیاده نیست در اینصورة خمس آنرا باید
داد هر مقدار که باشد و باقی حلال میشود و اگر معلوم باشد که از پنج یک زیاده
بوده خمس را باید داد و آن زیادتی را تخمین باید کرد و بفقرا و مساکین تصدق باید کرد
پنجم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد واجبست که خمس آن زمین یا خمس قیمة
یا خمس حاصل هر ساله آنرا بدهد ششم زری که از زمین یافت شود پس اگر بلاد
کافران حربی یافت شده باشد دادن خمس آن واجبست خواه اثر اسلام بر آن باشد
و خواه نباشد و باقی از آن شخص است که یافته است و همچنین اگر در بلاد اسلام یافت
شده باشد و اثر اسلام بر آن نباشد و اگر اثر اسلام بر آن باشد لقطه است و احکام آن

بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی هفتم فایده که از تجارت یا زراعت
یا حرفت و مانند آن بهم رسد پس هرگاه آن فایده زیاده از کل اخراجات یکساله
اینکس باشد خمس آن زیاده را باید داد پس اگر شخصی از سود تجارة بیست تومان
مثلا حاصل کرده باشد و اخراجات لایق بحال او ده تومان شود ده تومان از آن بیست
تومان بجهة اخراجات بر دارد و از ده تومانی که ماند دو تومان بخمس بدهد و بر این
قیاس است فایده که از زراعت و حرفت حاصل شود و اگر پیشکشی در ان سال بشخصی
بدهد یا زن بخواهد یا غلام یا کنیز و مانند آن خریداری نماید یا او را جریمه کنند از
جمله اخراجات سال حساب نماید پس آنچه بعد از وضع کل اینها بماند دادن خمس آن
واجبست هر قدر که باشد و بدانکه نصف خمس تعلق بحضرة صاحب الزمان علیه
الصلوة و التحیة دارد و نصف دیگر باید داد بسیدی یعنی کسی که از جانب پدر بهاشم که جد
حضرت رسالت پناه است صلعم منسوب است اگر چه از اولاد حضرت فاطمه
باشد بشرط آنکه شیعه اثنا عشری باشند و ایتام یا مساکین یا ابنای سبیل

باشند و نصفی که بدین جماعت متعلق است صاحب مال میتواند که خود میانه
ایشان قسمت نماید اما نصفی که تعلق بحضرت صاحب الزمان ع دارد در زمان
غیبت بر صاحب مال واجبست که بمجتهد دهد تا مجتهد از میانه این جماعت
قسمت نماید باب چهارم در بیان احکام روزه واجبی و سنتی و در آن پنج
مطلب است مطلب اول در بیان محرمات و مبطلات روزه بدانکه هشت
چیز است که در عمدا آوردن روزه واجبی و سنتی حرامست و اگر بفعل آورد روزه
باطل میشود اول چیزی خوردن و چیزی آشامیدن هرچند خوردن و آشامیدن
آن خلاف عادت باشد و بعضی از مجتهدین بر آنند که خوردن آنچه عادت
نیست مثل پوست تخم مرغ و برگ درخت و مانند آن روزه را باطل نمیکند
و این مذهب ضعیف است و هرگاه بلغم از سینه یا از دماغ بدهن آید فرو بردن او
روزه را باطل میسازد و اگر تشنگی و گرسنگی بر شخصی غالب شود چنانکه تحمل
نتواند کردن در آن وقت بخورد اما زیاده بر آنچه دفع مضرت کند نخورد و بر او

واجبست که لقمه را بیرون کند و همچنین جرعه آب را تا مدت خوردن و آشامیدن
دراز نشود دوم از آنچه روزه را باطل میسازد انزال منیست عمدا بهر طریق
که باشد اما اگر روزه دارد و روز محتلم شود روزه او باطل نمیشود و لازم نیست
که همان وقت غسل کند مگر آنکه وقت نماز تنگ شود و اگر داند که چون در روز
خواب کند محتلم خواهد شد خواب کردن او از روی عمد او اجتناب حرام است
سیوم از آنچه روزه را باطل میسازد داخل کردن حشفه است عمدا در قبل
و دبر زنده یا مرده پس روزه فاعل و مفعول باطل میشود و اگر شخصی زن خود را در
روز جماع کند کفاره خود و آن زن در گردن مرد است و اگر زن مرد را بزور بجماع بدا
دارد کفاره مرد و زن بر زنست چهارم از آنچه روزه را باطل میسازد عمدا بجنابت
ماندنست تا وقت صبح پس قضا و کفاره لازم میشود و همچنین اگر زن تاخیر غسل
حیض کند تا وقت صبح داخل شود و اگر بخوابد بقصد آنکه آخر شب غسل کند و تا صبح بیدار
نشود قضا بر او لازم است نه کفاره و اگر قصد آن داشت که غسل نکند هم قضا

و هم کفاره لازم است و همچنین اگر از خواب اول بیدار شود و نوبة دویم بخواب رود
بگمان آنکه وقت وسعت دارد و بیدار نشد قضا لازم است نه کفاره و اگر در این صورت
گمان بیدار شدن نداشته باشد کفاره نیز لازم است و اگر نوبة سیم بخواب
رود و تا صبح بیدار نشود قضا و کفاره بر او لازم میشود و هرچند بقصد
غسل کردن بخواب رود و گمان داشته باشد که در شب بیدار خواهد شد
پنجم از آنچه روزه را باطل میکند رسانیدن گرد غلیظ است عمدا بحلق و
همچنین رسانیدن دود و بخار غلیظ است پس هرگاه یکی از این سه چیز را
بحلق رسانیدن عمدا قضا بر او لازم است و اما کفاره ندارد ششم از آنچه روزه را
باطل میکند قی کردنست از روی عمد و آن موجب قضاست و کفاره لازم نیست
و بعضی از مجتهدین کفاره را نیز لازم میدانند اما اگر بی اختیار آید یا از روی سهو
چیزی لازم نمیشود هفتم از آنچه روزه را باطل میکند فرو رفتن در آبست عمدا
و با آن قضا لازم میشود و بعضی از مجتهدین کفاره نیز لازم میدانند و اگر جنب

روزهٔ واجبی گذشته باشد و غسل ارتماسی کند آن روزه باطلست هشتم از آنچه
روزه را باطل میکند دروغ بر خدا گفتن است مثل آنکه بگوید فلان چیز را خدا تعالی
حرام کرده یا فلان چیز را حلال کرده و این قول خلاف واقع باشد و همچنین دروغ
گفتن است بر پیغمبر و بر یکی از ائمهٔ معصومین ع و آن موجب قضاست و بعضی
کفاره را نیز واجب میدانند مطلب دوم در بیان روزهٔ واجب و سنت و مکروه و
حرام و در آن چهار فصلست فصل اول در بیان روزهای واجبی و آن بر هشت
قسم است اول روزهٔ ماه رمضانست و ثابت میشود داخل شدن ماه بیکی
از سه چیز اول آنکه معلوم شود که سی روز از ماه شعبان گذشته باشد دوم
شیاع است یعنی جمعی کثیر که از سخن ایشان ظن حاصل شود اخبار نمایند که
ماه را دیده‌اند سیم آنکه دو مرد عادل گواهی دهند که ماه را دیده‌اند و اگر دو زن
عادله و یک مرد یا بیشتر که عادل نباشد گواهی دهند بگواهی ایشان ثابت نمیشود
مگر آنکه بسر حد شیاع رسد و بحساب تقویم و غیر آن داخل شدن ماه ثابت

نمیشود دوم از روزهای واجب روزهٔ قضای ماه رمضانست و واجبست
بجا آوردن پیش از آنکه ماه رمضان آینده داخل شود پس اگر بر شخصی مثلا ده روز
قضای ماه رمضان واجب باشد قضای آنرا تاخیر توان کردن تا وقتی که از ماه
رمضان آینده ده روز مانده باشد پس اگر همیشه عازم بوده که ده روز را قضا
کند و تا بماه رمضان ده روز مانده مانعی از روزه داشتن بهم رسد مثل آنکه
بیمار شود یا زن حیض بیند درینصورت همین قضای ده روز واجبست
و اگر بی عذر تا رمضان آینده تاخیر کرده باشد آن ده روز را قضا کند بجهت هر روز
مقدار یک مد گندم یا برنج یا نان یا مانند آن تصدق کند و مدی چهار یک صاع است
یعنی بوزن چهار نه هزار و چهل جو میانه است و همچنین قضای تصدق لازم است
اگر عزم بر قضا نداشته باشد تا وقتی که برمضان آینده مقدار مدت قضا مانده باشد
و در این مدت بیمار شد یا زن حیض دید و بدانکه قضای ماه رمضان را پیش از
پیشین بخوردن و جماع و غیر آن فاسد میتوان کرد و بعد از آن حرام است پس اگر

بعد از پیشین فاسد سازد بخوردن یا غیر آن قضای و کفاره لازم میشود و کفارهٔ
آن ده مسکین را طعام دادنست و اگر از آن عاجز شود سه روز روزه بدارد سیم
از روزهای واجبی آنست که شخصی خود را بشخصی اجاره دهد که قضای روزهٔ
میت او کند پس بر او واجبست که بسیار تاخیر در قضا نکند و نوعی نماید که در
عرف گویند که او در آن مشغولست بقضای روزه داشتن چهارم از روزهای واجبی
روزه ایست که بر پدر اینکس واجب بوده و پدر در حال حیات با وجود قدرت بر
قضای آن قضای آن نکرده باشد پس بر پسر بزرگتر واجبست که از او قضا کند و اگر
میت دو پسر داشته باشد که سال یکی بیشتر و یکی کمتر اما آنکه سال او کمتر است بالغ
باشد و بعضی از مجتهدین بر آنند که قضا بر آن یکی که بالغ است و اما اصح آنست
که بر آنکس است که سال او بیشتر است و اگر هر دو در سن برابر باشند هر یک نصفی
قضا کنند اگر عدد قضا جفت باشد و اگر طاق باشد قضای آن یک روز واجب کفایی است
یعنی هر کدام که آن روز را قضا کند از دیگری ساقط میشود پس اگر هر دو آن روز را

روزه بدارد و مقارن هم بعد از پیشین افطار کنند کفارهٔ آن نزد بعضی از مجتهدین واجب
نیست و بعضی بر آنند که بر هر دو بالتسویه واجبست پنجم از روزهای واجبی
آنست که بنذر یا عهد یا سوگند واجب شود و این بر دو قسم است مطلق و معین
مطلق آنست که نذر کند که یک روز روزه بدارد و تعیین زمان و مکان نکند معین
سه قسم است اول آنکه تعیین زمان کند مثل روز اول ماه رجب ۲ آنکه تعیین
مکان کند مثل یکی از عتبات عالیات ۳ آنکه تعیین زمان و مکان کند مثل
اول ماه رجب در مکهٔ معظمه پس هر گاه از روزه داشتن در آن زمان و مکان مانعی مثل
بیماری یا سفر یا حیض بهم رسد قضا باید کرد ششم از روزهای واجبی روزهٔ دو ماه است
از برای کفارهٔ فاسد کردن روزهٔ ماه مبارک رمضان پس هر گاه شخصی بالغ و عاقل
روزی عمدا در ماه رمضان روزه را باطل سازد مخیر است در آنکه دو ماه روزه بدارد یا
یک بنده آزاد کند یا شصت مسکین را طعام دهد هر مسکینی را یک مد و اگر روزهٔ ماه رمضان را
بچیزی فاسد سازد مثل خمر یا طعام غصبی خوردن یا زنا کردن یا در حالت حیض جماع

کردن درینصورت سه کفاره برو لازم میشود یعنی دو ماه روزه بدارد و یک بنده
آزاد کند و شصت مسکین را طعام دهد هفتم روزه اعتکاف که عنقریب
بتفصیل مذکور خواهد شد هشتم روزه کفاره است که در بحث کفارات مذکور
خواهد شد فصل دوم در بیان روزه سنتی و انواع آن بسیار است اما درین کتاب
بیست نوع از آن که مشهورتر است مذکور میشود اول روزه روز مولود حضرت
رسالت پناه ص و آن بیست و هفتم ماه ربیع الاول است دوم روز مبعث آنحضرت
و آن بیست و هفتم ماه رجب است سیم روز عید غدیر است و آن هجدهم ماه ذی
حجه است چهارم سه روز از هر ماه یعنی پنجشنبه هفته اول ماه و پنجشنبه آخر
ماه و چهارشنبه اول از دهه دویم ماه پنجم روزه ایام بیض و آن سه روز است
از هر ماه سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ششم روزه عرفه است که نهم ماه ذی الحجه است
بدو شرط اول محقق شود که نهم ماه است دوم آنکه از روزه داشتن ضعف حاصل
نشود بحیثیتی که نتواند بفراغت بدعا اشتغال نماید هفتم روزه مباهله است و آن

بیست و

بیست و چهارم ماه ذی حجه است و آن روز تصدق نمودن حضرت امیر المومنین علی ع انگشتر
خود را در اثنای رکوع ۱۹ روزه اول ماه ذی الحجه تا روز نهم ۸ روزه کل ماه رجب
۹ روزه کل ماه شعبان ۱۰ روزه دحو الارض و آن بیست و پنجم ذی قعده است
یازدهم روزه نه روز اول محرم ۱۰۲ روزه روز عاشورا که روز دهم محرم است
تا وقت عصر و بعد از آن افطار بآب نماید یا بخاک کربلا به نیت شفا بشرط آنکه
زیاده بر یک نخود نباشد ۱۰۳ روز پنجشنبه جمعه آخر ماه ۱۰۴ روزه یوم
الترویه و آن هشتم ماه ذی الحجه است ۱۰۵ روزه شش روز بعد از عید رمضان
روز چهاردهم ماه جمادی الاول ۱۰۶ روزه داود پیغمبر و آن همیشه یکروز در میان
روزه داشتن است ۱۰۷ روزه داشتن یوم الشک به نیت سنت و آن آخر ماه
شعبان است هرگاه احتمال اول ماه رمضان داشته باشد ۱۰۸ روز بیست و نهم
ذی قعدة الحرام بیستم در بیان روزه حرام و آن نه قسم است اول و دوم روزه عید
رمضان و عید قربان ۳ روزه یوم الشک بقصد آنکه از ماه رمضان است اما بقصد

قضا یا نذر حرام نیست ۴ روزه صمت یعنی در اثنای نیت روزه قصد کند که
از اول روز تا شب حرف نزند پنجم روزه وصال ششم آنکه از اول نیت روزه
قصد تأخیر افطار نماید و شام و سحور را یکی کند ۷ آنکه دو روز متوالی روزه
بدارد بی آنکه در شب روزه بگشاید ۸ روزه زن به نیت سنت بی رخصت
شوهر نهم روزه بیمار به حیثیتی که از روزه داشتن کمال مضرت داشته باشد
یا طبیب حاذق گوید که روزه مضرت میرساند هر چند حاذق کافر باشد و اگر طبیب حاذق
گوید که علاج آن بیماری منحصر است در مجامعت و تأخیر آن تا شب خطری عظیم دارد در
اینصورت مجامعت در روز رمضان واجب میشود پس اگر زن یا کنیزک اینکه
روزه واجب داشته باشد زن خود را یا کنیزک خود را میتواند که در روز مجامعت
کند و بر ایشان مخالفت که آنقدر که تواند لازم است و چون یکی از ایشان را مجامعت
کند واجب است که کفاره او را بدهد ۸ از روزهای حرام روزه مسافر است
به نیت وجوب هرگاه سفر او مباح باشد مگر در سه جا که روزه واجب در سفر مباح

در آن

در آن سه جا جایز است و حرام نیست اول روزه نذری که سفرا و حضرا قید شده باشد
دویم روزه سه روز در وقت حج هرگاه قربانی یافت نشود چنانچه در باب حج مذکور میشود
نهم از روزهای حرام روزه ایام تشریق است و آن روز یازدهم و سیزدهم ماه
ذی الحجه است شخصی را که در منی باشد که اگر در غیر منی باشد روزه آن حرام نیست
بلکه ثواب دارد فصل در بیان روزه مکروه و آن چهار است اول روزه سنتی
در سفر ~~پنجم روزه سنتی در سفر سیم~~ دوم روزه سنتی شخصی که مومنی او را دعوت کند
سنت است که افطار کند و اظهار نکند که روزه دارد ~~چهارم~~ سیم روزه دویم عرفه هرگاه
شک در اول ماه داشته باشد یا روزه که موجب ضعف شود بر وجهی که بفراغت
اشتغال بدعا نتواند کرد چهارم روزه مهمان بر نیت سنت بی رخصت صاحبخانه
و بعضی از مجتهدین بر آنند که روزه صاحبخانه بی رخصت مهمان نیز مکروه است
مطلب ۴ در بیان باقی احکام روزه و در آن چهار فصل است فصل اول در بیان
نیت روزه بدانکه شش امر در نیت روزه معتبر است اول نیت را قبل از

طلوع فجر بجا آوردن دوم قصد قربت کردن سیم آنکه تعیین روزه واجبست یا سنت
چهارم از ماه رمضانست یا نذر یا کفاره پنجم تعیین آنکه اداست یا قضا و بعضی بر آنند
که در نیت روزهٔ ماه رمضان نیت ادا لازم نیست ششم استدامهٔ حکمی یعنی
در اثنای روزه قصد فعلی نکند که روزه را باطل میکند مثل خوردن و جماع کردن و
مانند آن پس اگر شخصی در اثنای روزه قصد چنین فعلی کند گناهکار است اگرچه آنرا
بفعل نیاورد و میانهٔ مجتهدین خلافست که آیا بمجرد این فعل قصد کردن روزه باطل
میشود یا نه و بر تقدیر بطلان آیا همین قضا لازم است یا کفاره نیز لازم میشود
درین نیز خلافست و اصح آنست که قضا لازم میشود اما کفاره لازم نیست و
بدانکه اگر شخصی نیت روزهٔ واجبی را فراموش کند و قبل از پیشین بیاد آید و آن
وقت نیت کند روزهٔ او صحیح است و در روزهٔ سنتی هر وقت که بخاطر آید اگر
نیت کند ثواب روزهٔ آنروز را دارد و اگرچه پیش از شام بیک لحظه نیت کند
فصل دوم در ذکر جماعتی که روزهٔ ایشان جایز نیست اول شخصی که از روزه داشتن

بواسطهٔ پیری مشقت عظیم یابد پس عوض هر روز یک مد گندم یا مانند آن تصدق نماید
دوم شخصی که تشنگی برو غالب باشد و مشقت عظیم از روزه داشتن کشد او نیز عوض
هر روز یکمد تصدق نماید و هر وقت که عذر او برطرف شود قضا کند ۳ زنی که
حامله باشد و گمان آن داشته باشد که از روزه داشتن باو یا بحمل او مضرت میرسد
و حکم او حکم صاحب تشنگی است ۴ زنی که شیر بطفل میدهد خواه طفل خود را
و خواه طفل غیر را هرگاه از روزه داشتن شیر او وفا نکند حکم او نیز حکم زن حامله
دارد پنجم زنی که حیض داشته باشد یا نفاس یا استحاضه و غسل را بفعل نیاورد
ششم بیماری که از روزه داشتن ضرر یابد هفتم مسافر چنانکه قبل ازین
مذکور شد ۸ طفلی که بعد از طلوع فجر بالغ شود و روزهٔ آن روز از او
صحیح نیست و بعضی بر آنند که اگر قبل از پیشین بالغ شود روزهٔ آنروز از او صحیح است
۹ شخصی که مست باشد روزه از او صحیح نیست و قضای آنروز بر او واجبست
۱۰ شخصی که کافر اصلی باشد و بعد از طلوع فجر مسلمان شود روزه داشتن آنروز

از او صحیح نیست و بعضی بر آنند که اگر قبل از پیشین مسلمان شود و روزهٔ آنروز
از او صحیح است و قضای روزهای گذشته از او ساقط است اما هرگاه شخصی مرتد شود
و باز توبه کند بر او لازم است که قضای روزهٔ واجبی که در ایام ردّه فوت شده و اگر
سنی شیعه شود حکم کافر اصلی دارد که قضا بر او لازم نیست فصل ۳ در بیان امری
چند که بفعل آوردن آنها در ماه رمضان سنت است و آن دوازده امر است
اول آنکه در وقت دیدن هلال این دعا بخواند و بعضی از مجتهدین خواندن این
دعا را واجب میدانند و میباید که در وقت خواندن این دعا رو بجانب قبله کند
نه بجانب هلال و دعا این است که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ
وَجَعَلَكَ مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ اِهْلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ
وَالْاِسْلَامِ وَالْيَقِينِ وَالْاِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى دوم مباشرت
با حلال خود کردن در شب اول ماه رمضان سیم افطار کردن بشیرینی چهارم
تعجیل افطار قبل از نماز اگر انتظار او میکشند که با او افطار کنند پنجم سحور خوردن و

و هرچند بطلوع فجر نزدیکتر باشد ثواب آن بیشتر است ۶ خواندن این دعا
در افطار که اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ اَفْطَرْنَا ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ
وَبَقِيَ الْاَجْرُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَاَعِنَّا عَلَيْهِ وَسَلِّمْنَا فِيهِ وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا ۷ خواندن دعاها
که شبها و روزهای ماه رمضان مقرر است ۸ گذاردن هزار رکعت نماز نافله
رمضان که مذکور شد نهم خواندن سورهٔ روم و عنکبوت در شب بیست و سیوم
غسل کردن در هر شبی که طاقست مثل سیم و پانزدهم و بیست و یکم اما در شب بیست و
سیم دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در آخر شب چنانکه در بحث
طهارت مذکور شد دهم آنکه درین ماه خدمت دشوار غلام و کنیز خود را
یازدهم وداع ماه رمضان در روز آخر ماه ۱۲ در ذکر آنچه روزه دار را
بفعل آوردن آنها مکروهست و آن یازده امر است اول شعر خواندن اگرچه مدح
حضرات مقدسات ع باشد ۲ هر فعلی که موجب ضعف باشد مثل مکث بسیار
در حمام و خون گرفتن و مانند آن ۳ زنان را بوسیدن یا دست بازی کردن ۴

شیاف برداشتن پنجم حقنه کردن ششم سقز خاییدن هفتم در کوش یاد ربینی
چیزی چکانیدن هرگاه بحلق برسد که روزه باطل میشود هشتم شکوفه و
گل بو کردن بتخصیص نرکس نهم پیراهن خود تر کردن دهم سرمه که مشک داشته
باشد یا صبر در چشم کشیدن ۱۰۱ زنان نزاد در آب مکث کردن مطلب دوم در اعتکاف
و آن مکث صایم است در مسجد جامع سه روز یا زیاده بقصد قربت و در آن
ثواب عظیم است خصوصا اگر در دهه آخر ماه رمضان باشد و حضرة رسالت
پناه صلعم همیشه در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف میفرمودند و بی روزه
اعتکاف جایز نیست و از سه روز کمتر نمی باشد و در غیر مسجد جامع صحیح
نیست و هرگاه شخصی به نیت سنت دو روز اعتکاف نماید روز سیم واجب
شیشم و نهم نیز
میشود و اگر پنج روز یا هشت روز اعتکاف نماید روز ... واجب میشود
و بر این قیاس جایز نیست اعتکاف کننده را که از مسجد بیرون رود مگر از برای
حاجت ضروری که در مسجد بر نیاید یا عیادت مؤمنی یا رفتن بوداع او یا تشییعت

جنازه و مانند آن و چون از مسجد بیرون رود نشستن و در سایه راه رفتن
و نماز کذاردن در غیر مسجد که در آن اعتکاف کرده مگر بواسطه
ضرورت مثل آنکه بجهة غلبه ضعف بنشیند یا راه تشییع جنازه
در سقف باشد یا انقدر وقت نماند که نماز را در مسجد تواند کذارد
جایز است که هرگاه بواسطه ضروری از مسجد بیرون رود نماز را
هر جا خواهد بکذارد و نیز حرام است در اعتکاف واجب روزه را فاسد
ساختن و در شب جماع کردن و در روز و شب بوی خوش شنیدن
و زنان بوسیدن یا دست بازی کردن و هرچه روزه را باطل میسازد
اعتکاف را باطل میسازد و اگر اعتکاف واجب را در روز ماه رمضان
بجماع فاسد سازد دو کفاره لازم میشود یکی جهة ماه رمضان و دیگری
جهة اعتکاف و اگر در شب بجماع فاسد سازد یک کفاره اعتکاف
لازم است و بر همچنین اگر روزه اعتکاف را در غیر جماع فاسد سازد

واگر معتکف زوجه معتکفه را در اعتکاف واجب باکراه جماع کند چهار کفاره
بر او لازم میشود دو کفاره از جهة خود و دو کفاره از جهة زوجه باب
پنجم از کتاب جامع عباسی در بیان حج و شروط آن و در آن مقدمه و حج جامع عباسی
پنج مطلب است مقدمه بدانکه حج کردن از اعظم ارکان دین است و چون واجب
شود تاخیر کردن آن گناه عظیم دارد و در حدیث این مضمون وارد است
که هرگاه بر شخصی حج واجب شود و بجا نیاورد با آنکه مانعی نداشته
باشد پس چون بمیرد مسلمان نخواهد مرد بلکه جهود خواهد مرد یا
ارمنی و روایات بسیار در کثرت ثواب حج از حضرت رسالت پناه
و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده از آن جمله منقول است
که شخصی بحضرة پیغمبر صلعم آمد و گفت ای رسول خدا از خانه خود بعزم
حج بیت الله بیرون آمده بودم و چون بدانجا رسیدم وقت حج فوت
شده بود و من مردی غنی و مال دارم پس امر فرما که مال خود را در چه
وجوه صرف نمایم که ثواب آن مثل ثواب حج باشد پس حضرة پیغمبر
صلعم روی خود با آن شخص کرد و فرمود که بکوه ابو قبیس نظر کن که اگر آن کوه
تمام طلای سرخ شود و آن را در راه خدا صرف نمایی ثواب آن بثواب حج
نمیرسد و بعد از آن حضرة رسالت پناه صلعم فرمودند که شخصی که
چون اراده حج کند چون بمهیا ساختن یراق و اسباب راه حج اشتغال نماید
هر نوبت که یک چیز از آن اسباب و یراق از زمین بردارد یا بر زمین گذارد
حق تعالی ده ثواب از برای او می نویسد و ده کفاره او را می بخشد و ده
درجه جای او در بهشت بلند تر میسازد و اشتری که آن شخص بر او
سوار است هر بار که قدم بر زمین گذارد یا بردارد ثوابهای برای آن شخص
می نویسند مطلب اول در بیان بعضی از آداب حج چون عزم جزم شود
باید که ذمت خود را از حق مردم خلاص سازد و وصیت کند و چون خواهد
که از منزل بیرون آید و عیال و بازماندگان خود را جمع سازد

و دو رکعت نماز سنت بگذارد و بعد از آن این دعا بخواند اللهم انی
استودعک الساعة نفسی و مالی و اهلی و دینی و آخرتی و خواتیم عملی
اللهم احفظ الشاهد منا و الغایب اللهم احفظنا و احفظ علینا
اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من عافیتک
و فضلک بعد از آن وداع عیال و اطفال خود کند و تحت الحنک بسته
عصای بادام تلخ بدست گرفته از منزل بیرون آید و در وقت بیرون
آمدن بگوید بسم الله آمنت بالله و توکلت علی الله الله اکبر الله
الله اکبر بعد از آن سه نوبت بگوید بالله اخرج و بالله ادخل و علی الله
اتوکل پس بگوید اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر و قنی شر کل دابة انت
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و چون از خانه بیرون آید
بر در خانه رو بقبله بایستد و فاتحه و آیة الکرسی یکنوبت پیش رو و یکنوبت
بر دست راست و یکنوبت بر دست چپ بخواند و بعد از آن این دعا

اللهم

بخواند اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی
و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل یا ارحم الراحمین بعد از آن نیت
حج کند باین طریق که متوجه خانه کعبه خدا میشوم که حج اسلام را بجا آورم
برای آنکه واجبست تقرب بخدا و پای در رکاب کند و سنت است که
در هر منزلی که فرود آید در وقت فرود آمدن این دعا بخواند رب انزلنی
منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین و دو رکعت نماز بگذارد و چون
از آن منزل کوچ کند نیز دو رکعت نماز بگذارد و بدانکه بهترین روزها
از برای سفر روز شنبه و پنجشنبه و سه شنبه است و در روز دو
شنبه سفر بغایت بد است و همچنین در روز جمعه قبل از نماز و اگر
ضرورة شود در روز بد سفر کند باید که تصدقی بکند و متوجه
سفر گردد که تصدق تلافی بدی آن روز میکند و سنت است فراخ
دستی در این دستی سفر مبارک و سعی در خوبی و بسیاری زاد و در حدیث

آمده که اسراف مذموم است مگر در راه حج و سنت است خوش
خلقی با همراهان و ملازمان و مکاریان و خشم فرو خوردن از ایشان
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس باین خانه
خدا میرود اگر سه خصلت در او نباشد حج او هیچ است و آن خوش
خلقیست و خشم فرو خوردن و صلاح و تقوی شعار خود ساختن
مطلب دوم در بیان شرایط وجوب حج بدانکه تا هفت شرط بهم
نرسد حج واجب نمیشود اول بلوغ پس بر طفل حج واجب نیست هر
چند ممیز باشد اما اگر ولی او را بحج برد و احرام بندد و قبل از
وقوف عرفه یا وقوف مشعر بالغ شود و باقی افعال حج را بجا آورد
حج او صحیح است و از حج اسلام مجزیست دوم عقل است پس مجنونی
که هیچ وقت بهوش نیاید و اگر بهوش آید مدت هشیاری او افعال حج را
نکند بر او واجب نیست پس اگر از وقوف عرفه یا وقوف مشعر

هشیار

هشیار شود و باقی افعال را در زمان هشیاری بجا آورد حکم
او حکم طفل دارد بطریقی که مذکور شد سیم حریت است پس بر بنده حج
واجب نیست هر چند بعضی از او آزاد شود و اگر برخصت آقا حج کند
ثواب دارد اما این حج از حج اسلام مجزی نیست و هرگاه بعد از آزادی
استطاعت حج بهم رسد نوبت دیگر حج بر او واجب میشود مگر آنکه
قبل از یکی از این دو موقف آزاد شود که در این صورت حکم طفل دارد
بطریقی که مذکور شد چهارم استطاعت یعنی قادر بودن در خرج زاد
از چهارپایان و خدمتکاران و اگر شخصی گوید که خرج راه تو در
عهده منست و بر سخن او اعتماد باشد در این صورت نیز حج واجبست
و همچنین اگر بعضی از خرج داشته باشد و تتمه را شخصی که بر او اعتماد باشد
متعهد شود و از جمله استطاعت نفقه عیال و بازماندگان واجب
النفقه است از وقت رفتن تا رسیدن بمکان خود خواه خود قدرت

داشته وخواه دیکری متعهد شود ونیز از جملهٔ استطاعت انست که
قدرت بر وفای دین مثل قرض ومهر زن وغیران پس مادام که قادر
بر وفای ان نباشد حج واجب نمیشود واکر زن در راه حج احتیاج
بمحرم داشته باشد ومحرم بجهة رفاقت بهم نرسد یا اجرت خواهد
قدرت بر اجرة ان محرم نیز داخل استطاعت است پس اکر بر اجرة قادر
قادر نباشد حج براو واجب نیست **پنجم** صحت بدن است بحیثیتی
که از رفتن حج مشقت بسیار لازم نیاید **ششم** امنیت راه است
پس مادام که کمان نا امنی باشد رفتن واجب نیست **٧** انکه انقدر
وقت باشد که خود را بمکهٔ معظمه رساند وافعال حج را بجا اورد پس اکر
وقت تنک باشد حج در ان سال ساقط است وهر کاه بر زن واجب
شود حج میتواند که بی رخصت شوهر برود اما حج سنتی بی رخصت
شوهر نتواند رفت **مطلب سیم** در بیان انواع حج وذکر مواقیت بدانکه

حج بر سه نوع است حج تمتع وحج قران وحج افراد وتمتع بر شخصی واجب
شود که منزل او از مکهٔ معظمه شانزده فرسخ شرعی دور باشد
یا دوری منزل او از مکان مقدس کمتر از انمقدار باشد واول حج
تمتع احرام عمره است از میقات ومیقات مکانیست که حضرة
رسالت پناه صلعم قرار داده اند که حاجیان از انجا احرام می بندند وان پنج
موضع است که هر یکی میقات عمرهٔ حج تمتع جمعی است **اول** ذو الحلیفه
وان میقات جماعتی است که از راه مدینه مقدسه می ایند **دوم**
جحفه است وان میقات جمعی است که از راه شام می ایند **سیم** یلملم است
وان میقات جمعی است که از راه یمن می آیند **چهارم** قرن المنازل
وان میقات جمعی است که از راه طایف می ایند **٥** عقیق است وان
میقات جمعی است که از راه عراق می ایند **مطلب چهارم** در بیان
افعال حج تمتع است بر سبیل اجمال بدانکه افعال حج تمتع هجده است

بابن ترتیب یعنی باید که هر یک از این هجده فعل را بترتیبی که مذکور
میشود بجا اورند **اول** احرام بستن **دوم** طواف خانهٔ کعبه است
سیم دو رکعت نماز طواف کذاردن **چهارم** سعی در ما بین صفا ومروه
کردن **پنجم** تقصیرات یعنی چیزی از ناخن وموی کرفتن واین پنج
فعل از افعال عمرهٔ حج تمتع تمام است **ششم** احرام حج بستن **هفتم**
وقوف عرفات است **٨** وقوف مشعر است **٩** جمرهٔ عقبه را
بهفت سنک ریزه زدن **١٠** قربانی کردن **١١** سر تراشیدن
یا تقصیر کردن **١٢** طواف زیارة کردن **١٣** دو رکعت نماز طواف
کذاردن **١٤** سعی ما بین صفا ومروه نمودن **١٥** طواف نسا
کذاردن **١٦** دو رکعت نماز طواف **١٧** سه شب ایام تشریق
بمنا بودن **١٩** در هر یک از ایام تشریق هر یک جمرات ثلثه را
بهفت سنک ریزه زدن واین اخر افعال حج است وچون از اینها

فارغ شود سنت است که بمکه عود کند بجهة اوردن طواف وداع
وباقی سنتها که مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی **مطلب پنجم**
در بیان افعال حج تمتع بر سبیل تفصیل ودر ان چهار مطلب است
مطلب اول در بیان احرام بستن ومقدمات وشروط ان ودر دو
فصل است **اول** در ذکر اموری که قبل از شروع در احرام بجا اوردن
ان سنت است ودر ان هشت امر است **اول** انکه از اول ماه ذی قعده
از موی سر وموی محاسن مطلقا چیزی نکیرد **سیم** بر طرف ساختن
موی زهار وموی زیر بغل بتراشیدن یا بنوره کذاشتن ونوره
افضل است **٤** سبال کرفتن **٥** ناخن چیدن **٦** مسواک
کردن **٧** غسل احرام کردن وبعضی از مجتهدین انرا واجب
میدانند واکر بعد از غسل وقبل از احرام بخواب رود یا حدثی
کند یا چیزی بخورد یا بپوشد یا ببوید که بر محرم خوردن وپوشیدن

وبو کردن ان احرام باشد غسل را اعاده کند ۸ نماز احرام کردن
وان شش رکعت است بسه سلام واکتفا بچهار رکعت ودو رکعت
نیز جایز است وسنّت است که در رکعت اول بعد از فاتحه سورهٔ
قل یا ایّها او در رکعت دوم بعد از فاتحه سورهٔ قل هو الله احد بخواند
هشتم انکه بعد از نماز این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ
اَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَکَ وَآمَنَ بِوَعْدِکَ وَاتَّبَعَ اَمْرَکَ فَاِنِّی
عَبْدُکَ وَفِی قَبْضَتِکَ لَا اُوقٰی اِلَّا مَا وَقَیْتَ وَلَا اٰخُذُ اِلَّا مَا اَعْطَیْتَ
وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلٰی کِتَابِکَ وَ
وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَتُقَوِّیَنِی عَلٰی مَا اَضْعُفُ وَتُسَلِّمَ مِنِّی مَنَاسِکِی فِی
یُسْرٍ مِنْکَ وَعَافِیَةٍ وَاجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الَّذِی رَضِیْتَ وَارْتَضَیْتَ
وَسَمَّیْتَ وَکَتَبْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَی الْحَجِّ عَلٰی کِتَابِکَ

هشتم

صلوات الله علیه وآله
وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ ص فَاِنْ عَرَضَ لِی عَارِضٌ یَحْبِسُنِی فَحُلَّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی
بِقَدَرِکَ الَّذِی قَدَّرْتَ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةٌ فَعُمْرَةٌ اَحْرَمَ لَکَ
شَعْرِی وَبَشَرِی وَدَمِی وَعِظَامِی وَمُخِّی وَعَصَبِی مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّیَابِ
وَالطِّیبِ اَبْتَغِی بِذٰلِکَ وَجْهَکَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ وبدانکه حیض مانع
احرام نیست وهمچنین مانع غسل احرام نیست امّا مانع نماز احرام
میشود فصل ۲ در بیان باقی اموری که متعلق باحرامند وان
چهل وسه امر است سه امر واجب وچهار امر واجب سنّت و
دوازده امر مکروه وبیست وچهار امر حرام امّا سه امر واجب
اوّل نیت است باین طریق که احرام عمرهٔ تمتع می بندم از برای
انکه واجبست تقرب بخدا دوم مقارن کردن نیّت است به
تلبیات اربع یعنی بعد از نیت بی فاصله واجبست که بگوید لَبَّیْکَ
اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ سیم پوشیدن دو جامهٔ احرام
لَبَّیْکَ

مردانرا از هر چه جایز است نماز را بیکی را لنگ کند و دیگری را
بر دوش اندازد بشرط انکه دوخته وشبیه بدوخته نباشد
مثل کپنک وزره وزنانرا جایز است دوخته وحریر امّا چهار
امر سنّت اول انکه تلبیات بلند گوید دوم انکه تلبیات که
مذکور می شود اضافت تلبیات واجب کند وان اینست اِنَّ الْحَمْدَ
وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْکَ لَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ وَاَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَالْمَعَادُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
تَسْتَغْنِی وَیَفْتَقِرُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا اِلَیْکَ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ ذَا النَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ کَشَّافَ اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
الْکُرُوبِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
یَا کَرِیمُ لَبَّیْکَ سیم از سنّتهای احرام انکه کل تلبیاتی را که
مذکور شد از اکثر اوقات بگوید خصوصا در هشت جا

اول

اول بعد از هر نماز خواه واجب واخواه سنّت دوم در وقتی که شتری که
بران سوار است از جا برخیزد سیم در راه هرگاه بر بلندی مثل تپهٔ یا کوهی
براید چهارم هرگاه بر سراشیبی در اید پنجم هرگاه از خواب بیدار شود
ششم در وقت سحر هفتم هرگاه بر شتر سوار شود یا فرود اید
هشتم هرگاه در راه بر شخصی برخورد چهارم انکه چون خانهای
مکهٔ معظمه را ببیند تلبیات را قطع کند وبعضی از مجتهدین برانند
که دران وقت قطع تلبیات واجبست امّا ان دوازده امر که در
احرام مکروه هست اول حمام رفتن دوم شستن جامهٔ احرام
هر چند چرکین شود سیم بو کردن میوه مثل به وسیب وغیران چهارم
تکلم کردن بغیر تلبیات وقران وذکر خداوند وحاجت ضروری پنجم
در جواب احدی لبیک گفتن ششم خوابیدن بر فرشی که غیر سفید
باشد ۷ تراشیدن سر شخصی که احرام نداشته باشد تراشیدن

سراو حرام است ٨ غسل کردن از برای خنک ساختن بدن
نه از جهت سنت مثل غسل جمعه و غیر آن ٩ انکه جامه از غیر
پنبه باشد ١٠ انکه میل میل باشد یعنی خطها داشته باشد
١١ انکه سیاه باشد ١٢ انکه در ابتداء احرام چرکین باشد امّا آن
بیست چهار امر که در حال احرام بجا اوردن ان حرام است اوّل شکار
کردن یا شخصی را شکار فرمودن یا کفتن که در فلان جا شکاری هست
یا الات شکار مثل باز و سك و دام و تیر و تفنك بشخصی دادن که شکار
کند و این امور حرام است بدو شرط اوّل انکه جانور ابی نباشد
چراچه جانور آبی در حال احرام حرام نیست و مراد از جانور آبی حیوا نیست
که در اب تخم کند پس شکار کردن قاز و اردك و باقی حیوانات که در
خشکی تخم کند حرام است شرط دوّم انکه خوردن کوشت ان جانور حلال
باشد مثل تیهو و آهو و کلنك و غیر ان پس شکار کردن حیوانی که

که کوشت آن حرام است مثل خوك و پلنك و باز در حال احرام حلال است
امّا از جمله جانورانی که کوشت انها حرام است شش که در حال احرام — جانوراست که
انها را شکار کردن حرام است و ان شیر و روباه و خر کوش و خار پشت
و سوسمار و یربوع است و اکر کسی در حال احرام شکار کند آن شکاری
ملك او نمیشود و واجبست که آنرا رها کند و خوردن کوشت
شکاری بر محرم حرام است اکرچه دیکری انرا شکار کرده باشد و هر
شکاری که محرم بکشد میته است و خوردن کوشت او بر غیر
محرم هم حرام است ایضا از بیست چهار امر که در احرام حرام است ثانی
جماع کردن است و مقدمات ان مثل بوسه و دست بازی کردن
با حلال خود و عقد نکاح بستن برای خود و از برای دیکری پس اکر نکاح
کند ان عقد باطل است امّا رجوع در طلاق و کنیزك خریدن بقصد
انکه بعد از احرام مباشرت کند جایز است سیوم کواه شدن بر عقد و

نکاح و کواهی دادن بان ٤ بو کردن مشك و غیره و بو کردن کل و ریحان
و بنفشه و مانند آن میانه مجتهدین خلافست و اصح آنست که
بو کردن انها حرام است امّا بوی مشك و عنبر و مانند ان که در
خانه کعبه می مالند جایز است و همچنین جایز است شنیدن
بوهای خوش که در ما بین صفا و مروه میباشند پنجم بینی کرفتن
محرم از چیزهای بدبو ششم روغن بر بدن مالیدن هفتم
پوشیدن مرد رختی را که دوخته یا شبیه بدوخته باشد چنانکه
قبل از این مذکور شد هشتم پوشیدن چیزی که پشت پا را
بپوشد نهم انکشتری در دست کردن بجهة زینت نه بجهة انکه
سنت است ١٠ پوشیدن سر و کوش خود را اکرچه بار تماس
باشد ١١ انکه مرد در وقت راه رفتن بسایه چیزی رود که انچه
در بالای سر او باشد نه در پهلوی او و مثل دیوار امّا در سایه

کجاوه و مانند ان راه رفتن جایز است هرچند بر بالای سر او باشد مثل
خیمه و غیر آن ١٢ مو از سر یا بدن برطرف کردن ١٣ ناخن چیدن اکر
چه ناخن انکشت زیادتی باشد ١٤ کشتن شپش از جامه یا از بدن
خود ١٥ سرمه بسیار در چشم کشیدن ١٦ حنا بستن برای
زینت ١٧ در اینه نکاه کردن ١٨ دندان کندن ١٩ سلاح پوشیدن
٢٠ خون از بدن بیرون کردن اکرچه بمسواك کردن باشد امّا
اکر از خاریدن بیرون آید قصوری ندارد ٢١ جدالست
یعنی لا والله و بلی والله کفتن مکر بجهة اثبات حق و نفی باطل ٢٢
پوشیدن زن طلا الات یا نقره آلات که عادات نباشد
مثل انرا بپوشد ٢٣ اظهار کردن زیور خود بر شوهر یا بر جمعی که محرم
اویند ٢٤ روی خود را بچیزی پوشیدن که بروی او برسد
پس میباید که پوشش روی زن بنوعی باشد که مطلقا بروی او نخورد

مقصد دوم در بیان طواف و مقدمات و شروط ان بدانکه اول افعال عمرهٔ
تمتع احرام طواف خانهٔ کعبه است و جهل امر بان متعلق است و مجموع ان
در دو فصل تفصیل می یابد فصل اول در بیان انچه پیش از طواف بجا
آورده شود وان شانزده امر است چهار امر واجب و دوازده امر
سنت اما چهار امر واجب اول طهارت از حدث اصغر و اکبر هر گاه
طواف واجبی باشد اما در طواف سنتی طهارت از حدث اصغر
سنت است دوم ازالهٔ نجاست از رخت و بدن سیم ستر
عورت بطریق نماز چهار ختنه که اگر شخصی را ختنه نکرده باشند
طواف او باطل است اما ان دوازده امر که قبل از طواف سنت است
اول غسل جهة داخل شدن حرم مکهٔ معظمه دوم اذخر خاییدن
قبل از داخل شدن در حرم سیم نعلین خود را بدست خود گرفتن
چهارم در وقت داخل شدن حرم این دعا بخواند اللهم انک قلت فی کتابک

واذن

وَاَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَرْجُو اَنْ اَكُونَ مِمَّنْ اَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ
بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ وَمُطِيعًا لِاَمْرِكَ
وَكُلُّ ذٰلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ
اَبْتَغِي بِذٰلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ اِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ
وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ يَا كَرِيمُ
ششم غسل کردن جهة داخل شدن مسجد الحرام ٧ داخل شدن
در مسجد الحرام از دری که از ابنی شیبه گویند ٨ انکه در بیرون
در مسجد الحرام از دری بایستد و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعد از ان بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَالسَّلَامُ
عَلَى الْاَنْبِيَاءِ اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ
وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ نهم بخضوع و خشوع داخل مسجد الحرام شدن
دهم انکه چون داخل شود رو بجانب کعبهٔ مشرفه کند و دستها بر داشته
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ فِي مَقَامِي هٰذَا فِي اَوَّلِ مَنَاسِكِي
اَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَاَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَتَضَعَ عَنْ وِزْرِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّ هٰذَا بَيْتُكَ
الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَاَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ
اَللّٰهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ
وَطَاعَتَكَ مُطِيعًا لِاَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدَرِكَ اَسْئَلُكَ مَسْئَلَةَ الْفَقِيرِ
اِلَيْكَ الْخَائِفِ بِعُقُوبَتِكَ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاشْغَلْنِي
بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ ١١ انکه بنزدیک حجر اسود رود و رو
بجانب او کند و این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا
لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

والله اكبر

قوله ان استبقاه او باعه وان اعتقه ... العبد او قتل يكون

وَاللّٰهُ اَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ دوازدهم انکه بعد از ان
حجر الاسود را ببوسد و اگر بواسطهٔ کثرت ازدحام نتواند ببوسید
دست خود را بان برساند و دست خود را ببوسد و اگر دست نتواند
رساند بجانب حجر بدست اشاره کند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اُومِنُ بِوَعْدِكَ وَاُوفِي بِعَهْدِكَ اَللّٰهُمَّ اَمَانَتِي اَدَّيْتُهَا وَمِيثَاقِي
فِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوَافَاتِ اَللّٰهُمَّ تَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَ
عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ
وَاللَّاتِ وَالْعُزّٰى وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعٰى مِنْ دُونِ
اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ

سعیی فاغفر لی وارحمنی اللهم انی اعوذ بک من الکفر والفقر
ومواقف الخزی فی الدنیا والاخرة وچون از این دعا فارغ شود
شروع کند بطواف **فصل دوم** در بیان باقی اموری که متعلق ست
بطواف وان بیست وسه امر است یازده امر واجب ودوازده
امر سنت اما یازده امر واجب **اول** نیت طواف باین طریق که
طواف عمرهٔ تمتع میکنم از برای انکه واجبست تقرب بخدا و
نیت را مقارن طواف سازد بر وجهی که جزو اول حجر الاسود با شد
واین بدو طریق میشود یکی انکه در مقابل حجر الاسود ایستد و
مقارن نیت خود را بگرداند تا در ابتداء طواف کل بدن او
بمحاذات کل حجر الاسود نه ایستد بلکه از جانب چپ خود گیرد
وبعضی از اجزاء بدن خود را پیش بیارد در محاذی اول حجر الاسود
نماید وشروع در طواف کند تا کل بدن او بمحاذات کل حجر بگذرد
وطریق

وطریق اول افضل است **دوم** استدامهٔ حکمی یعنی در اثناء طواف
واجبی امری نکند که منافی طواف باشد مثل حدث وقصد انکه طواف
را بتمام نرساند **سیم** انکه در حال طواف خانهٔ کعبه بدست چپ باشد
چهارم انکه دوری طواف کننده از خانهٔ کعبه در کل جهات کمتر از
دوری مقام ابرهیم علیه السلام باشد **پنجم** انکه گشتن بر گرد خانه
کمتر از هفت نوبت وزیاده از هفت نوبت نباشد وهر یک نوبت را
شوط گویند وهر هفت شوط یک طوافست واگر بعد از فارغ
شدن شک کند که هفت شوط کرده یا کمتر یا بیشتر التفات نتماید
وطواف او صحیح است اما اگر شک او قبل از فارغ شدن باشد
این صورة از سه حال بیرون نیست **اول** انکه شک کند میانهٔ
هفت شوط وکمتر **دوم** انکه یقین داند که هنوز هفت شوط
نکرده وشک او در مابین کمتر از هفت شوط باشد مثل انکه

شک کند میانهٔ چهار وپنج تا میانهٔ پنج وشش پس در صورت اول
اگر برکنی که حجر الاسود در اوست رسیده باشد طواف او صحیح است
وچیزی بر او لازم نیست واگر برکن نرسیده باشد طواف او
باطل است واز سر باید گرفت ودر صورة دوم وسیوم مطلقا
طواف او باطل است خواه برکن حجر رسیده باشد وخواه نرسیده
باشد طواف را از سر گیرد **سیم** انکه چهار شوط از پی یکدیگر
باشد یعنی فاصله در میان واقع نشود پس اگر فاصله واقع شود
طواف را از سر گیرد خواه فاصله بواسطهٔ ضرورت واقع شده
باشد مثل نماز واجب که وقت ان تنگ شده باشد وخواه
بی ضرورتی واقع شده باشد اما در میانهٔ شوط اخر جایز است
که فاصله واقع شود مثل نمازی که وقت آن تنگ شده باشد
یا قضاء حاجت مؤمنی یا داخل شدن بخانهٔ کعبه وامثال این
امو

امور وهمچنین جایز است در اثناء هر یک در سه شوط اخر
قطع شوط کردن بجهة امثال این امور اما واجبست که در وقت
قطع طواف مکانی که انجا قطع شده نشان کند تا چون بر سر اتمام
ان اید زیاده وکم نشود **هفتم** انکه حجر را بکسر حاء مهمله وسکون
جیم داخل طواف سازد وان دیوار یست کوتاه در جانب ناودان
خانهٔ کعبه **۸** انکه در وقت طواف چیزی از بدن داخل شادروان
کعبه نسازد بلکه کل بدن میبایدکه خارج شادروان باشد
وان بنایی است در بیخ دیوار خانهٔ کعبه متصل باو ونشانهٔ دیوار
قدیم خانهٔ کعبه باشد چه خانهٔ کعبه از قدیم از این وسیع تر بود
وشادروان جای دیوار قدیم است پس طواف کنان دست بر دیوار
خانهٔ کعبه گذارند ان طواف باطل است بجهة انکه دست
او داخل خانهٔ کعبه خواهد شد **نهم** انکه در اینجا طواف بطریق

متعارف راه رود پس اگر بریك پا و چهار دست و پا طواف کند صحیح نخواهد
بود دوم انکه اخر شوط هفتم جایی باشد که ابتدا بان کرده بی زیاده
ونقصان ١٠ دو رکعت نماز طواف گذاردن در پس مقام ابراهیم ع
یا در پهلوی او و مخیر است در قراءت این دو رکعت میانه
جهر و اخفات واگر طواف سنت باشد در هر جا از مسجد الحرام
که خواهد این دو رکعت را میتواند گذارد و سنت است در رکعت
اول سوره قل هو الله احد بخواند و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون
واما ان دوازده امر سنت که تعلق بطواف دارد اول انکه چون داخل
مسجد الحرام شود بهیچ امری اشتغال نماید الا بمقدمه یازدهم
و دوازدهم که قبل از این مذکور شد و بعد از ان بیفاصله شروع
در طواف عمره کند مگر انکه وقت نماز داخل شده باشد یا ترسید
که نماز جمعه از او فوت شود دوم بوسیدن حجر اسود در هر شوطی

وهمچنین رخ خود را بر حجر نهادن سیم بوسیدن هر رکنی از چهار
رکن خانه کعبه بتخصیص رکن یمانی و رکن عراقی چهارم انکه یکطرف
ردای خود را از زیر بغل راست بیرون اورد و در دوش چپ اندازد
و دوش راست را برهنه گذارد پنجم گام خود را در حین دویدن
طواف کوتاه گرداندن چه بواسطه هر گامی شش هزار حسنه
جهة این کس نوشته میشود ششم نزدیک شادروان طواف
کردن هر چند کمتر شود که نزدیکی با قی تلافی کام میکند هفتم
انکه راه رفتن در اثناء طواف نه تند باشد و نه آهسته بلکه
میانه باشد هشتم انکه در اثناء طواف این دعا بخواند اللهم
اني أسألك باسمك الذي يمشي به على ظلل الماء كما يمشي به على
جدد الارض واسألك باسمك الذي تهتز له اقدام ملائكتك
واسألك باسمك الذي دعاك به موسى من جانب الطور

فاستجبت له والقيت عليه محبة مني واسألك باسمك
الذي غفرت به لمحمد ص ما تقدم من ذنبه وما تأخر واتممت عليه
نعمتك وبعد از ان حاجت خود را از خدای تعالی طلب نماید
نهم انکه در اثناء طواف هر گاه محاذی در خانه کعبه شود صلوات
بفرستد ١٠ انکه هر گاه در اثناء طواف بدیوار کوتاه که در طرف
ناودان کعبه است برسد این دعا بخواند اللهم ادخلني الجنة
برحمتك وعافني من السقم واوسع علي من الرزق الحلال
وادرأ عني شر فسقة الجن والانس ومن شر فسقة العرب والعجم
١١ انکه چون در شوط هفتم که بمستجار و ان در زمان سابق در
خانه کعبه بوده و الحال بسته شده و علامت ان نمایانست پس
باید که رو بان کند و خود را بچسباند و این دعا بخواند اللهم
البيت بيتك والعبد عبدك وهذا مكان العائذ بك من النار

و در انوقت اقرار کند چه در حدیث وارد است که هر مؤمنی که در ان مکان بگناهان خود
شریف اقرار بگناهان خود کند البته حق تعالی گناهان او را می
بخشد ١٢ انکه بعد از ان این دعا بخواند اللهم من قبلك الروح
والفرج اللهم ان عملي ضعيف فضاعفه لي واغفر لي ما اطلعت
عليه مني استجير بالله من النار و بعد از ان سنت است که
نزد حجر اسود اید و انرا ببوسد و بجانب چاه زمزم اید و یکدلو
یا دو دلو اب کشد و از ان اب بخورد و بر سر و تن خود بریزد و
در وقت ریختن بگوید اللهم اجعله علما نافعا ورزقا واسعا
وشفاء من كل داء وسقم مقصد سیوم در بیان سعی صفا و مروه و
مقدمات و شروط ان بدانکه انچه بسعی تعلق دارد هجده امر واجبست حرام است
و هشت امر سنت اما ده امر واجب اول نیت سعی است باین طریق
که سعی میکنم میان صفا و مروه و هفت شوط در عمره تمتع برای انکه

واجب است تقرب بخدا دوم انکه در وقت نیت پاشنه پای در مرتبه
اول از صفا چسبیده باشد سیم مقارن ساختن نیت را با ابتدا رفتن
بجانب مروه ع استدامه حکمی یعنی قصد امری که منافی نیت است
نکند ه انکه از راه متعارف میان صفا و مروه رود نه از راه مسجد
الحرام و غیر آن ششم انکه سعی کمتر از هفت شوط و بیشتر نباشد
هفتم موالات یعنی پی در پی هفت شوط را بجا آورد بی فاصله
بطریقی که در طواف مذکور شد و بعضی از مجتهدین بر انند که موالات
شرط نیست هشتم انکه جمیع مسافت میان صفا و مروه را قطع
کند و چیزی در میان بگذارد پس چون از صفا بمروه رود چنان
کند که سر انگشتان پای بمرتبه اول از مروه رسد و چون خواهد
که از صفا بمروه رسد پاشنه پا را بمرتبه اول مروه ملصق سازد پس
بجانب صفا رود و این قاعده را منظور دارد تا هفت شوط بهم رسد

نهم انکه چون طواف را بروز کرده باشد سعی را بروز دیگر تاخیر نکند
بلکه بشب بجا آورد و بعضی از مجتهدین تاخیر روز دیگر جایز داشته
اند دهم انکه سعی بعد از طواف بفعل آید پس اگر قبل از طواف
بفعل آید باطل خواهد بود اما آن هشت امر که در سعی سنت است
اول انکه چون از مسجد الحرام بجهت سعی بیرون رود باید که از در
صفا بیرون رود و جای آن الحال داخل مسجد الحرام است اما دو
ستون بجهت علامت آن گذاشته اند پس میباید که از ما بین دو
ستون بگذرد دوم طهارت از حدث اکبر و اصغر سیم ازاله نجاست
از جامه و بدن چهارم انکه چون از مسجد الحرام بیرون رود بالای صفا
و مروه رود و رو بکعبه ایستد در مقابل رکنی که حجر اسود در وست
و هفت نوبت الله اکبر گوید و هفت نوبت لا اله الا الله و هفت نوبت
لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت

و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر بعد از ان
صلوات بفرستد و سه نوبت الله اکبر الحمد لله علی ما هدانا و الحمد
لله علی ما ابلانا و الحمد لله الحی القیوم و الحمد لله الحی الدائم و سه نوبت
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون و سه نوبت
اللهم انی اسئلک العفو و العافیة و الیقین فی الدنیا و الاخرة
و سه نوبت اللهم اتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة و قنا
عذاب النار و بعد از ان الله اکبر صد نوبت و الحمد لله صد نوبت
و سبحان الله صد نوبت و بعد از ان بگوید لا اله الا الله و انجز
وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له
الحمد وحده اللهم بارک فی الموت و فیما بعد الموت اللهم انی
اعوذ بک من ظلمات القبر و وحشته اللهم اظلنی فی

فی عرشک یوم لا ظل الا ظلک استودع الله الرحمن الرحیم لا تضیع ودایعه دینی
و اهلی و نفسی اللهم استعملنی علی کتابک و سنة نبیک و توفنی
علی ملته و اعذنی من مضلات الفتن اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته
قط اللهم افعل بی ما انت اهله و ما تفعل بنا ما نحن اهله و اگر فرصت
خواندن کل این دعاها و ذکرها نداشته باشد انچه از انجمله میسر شود
بخواند و چون فارغ شود از صفا بزیر آید و شروع در سعی نماید و بدانکه
بالای صفا رفتن و این دعا خواندن مردان را سنت است نه زنان را
پنجم از سنتهای سعی آنست که در آخر شوط اول چون بمروه رسد
بر بالای آن رود و ادعیه که بر بالای صفا خوانده اینجا بخواند ششم انکه
پیاده سعی کند مگر انکه ترسد که بواسطه تعب نتواند بتوجه تام بدعا
مشغول هفتم انکه در اول هر شوط و آخر هر شوط تند براه نرود
مگر در ما بین مناره و کوچه عطاران که انجا تند رفتن اولیست

خواه پیاده باشد وخواه سوار واین تند رفتن مردانرا سنت است نه زنانرا **هشتم** انکه در اثناء سعی اینده عا بخواند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَكْرَمُ **مقصد چهارم** در بیان احکام تقصیر واحرام حج بدانکه بعد از فارغ شدن از سعی باید که تقصیر بجا آورد یعنی چیزی از ناخن بکیرد خواه ناخن دست و خواه ناخن پا یا از موی بدن چیزی ازاله کند اگرچه سه مو باشد خواه بمقراض وخواه بکندن وخواه بنوره و تراشیدن همه سر جایز نیست اما تراشیدن بعضی جایز است ونیت چنین کند که تقصیر میکنم در عمرهٔ تمتع از برای انکه واجبست تقرب بخدا ومقارن نیت بتقصیر مشغول شود وچون تقصیر بفعل آید جمیع انچه در احرام حرام شده بود حلال میشود وتقصیر افعال عمره است وسنت است که تقصیر عمره واقع شود ومکروهست طواف خانه بعد از سعی

وقبل

وقبل از تقصیر و واجبست که بعد از تقصیر باحرام حج اشتغال نماید وجمیع انچه در احرام عمره مذکور شد از مقدمات وغیر آن در احرام حج معتبر است ومیقات این احرام شهر مکه است ونیت چنین کند که احرام حج تمتع مینمایم از برای انکه واجبست تقرب بخدا ونیت را مقارن دارد به تلبیات اربع وسه امر در این احرام سنت است **اول** انکه در هشتم ذی الحجه واقع شود **۲** انکه در مسجد الحرام باشد وافضل آنست که زیر ناودان کعبه واقع شود **سیم** بلند کفتن تلبیه در مکانی که انجا احرام بسته اکر پیاده باشد و اکر سوار باشد در وقتی که شتری که سوار است از جا برخیزد و واجبست که بعد از احرام بستن بعرفات رود واز وقت شام تا وقت شام در عرفات توقف نماید وچون شام شود بمشعر الحرام رود تا طلوع افتاب انجا توقف نماید بعد از ان بمنی رود وانجا روز

عید قربان که آنرا جمرهٔ عقبه کویند به هفت سنک ریزه بزند و بعد از ان قربانی کند وبعد از ان سر بتراشد وبمکه معاودت نماید بجهة طواف زیارت وسعی وطواف نسا بعد از ان بمنی عود کند بجهة بودن انجا در شبهای تشریق ورمی جمرات ثلثه واین اعمال در چهار فصل بتفصیل مذکور میشود **فصل اول** در بیان احکام وقوف عرفات بودن در انموضع از پیشین تا شام خواه ایستاده باشد خواه نشسته وخواه تکیه کرده وخواه پیاده وخواه سواره پیش از داخل شدن عرفات هفت امر است **اول** رفتن از مکه بجانب عرفات در روز هشتم ذی الحجه باشد نه قبل از این و انروز را یوم الترویه کویند اما اکر بیمار باشد یا از کثرت ازدحام مردم در راه ملاحظه نماید قبل از یوم الترویه یکروز یا دو روز یا سه روز از مکه بیرون رفتن او قصوری ندارد **دوم** انکه

دويم

دویم انکه چون متوجه عرفات شود اینده عا بخواند اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ وَاِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ اَرَدْتُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَاَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ اَفْضَلُ مِنِّي **سیم** انکه چون در راه عرفات بمنی رسد اینده عا بخواند اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ مِنًى وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى اَنْبِيَائِكَ فَاِنَّمَا اَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ **چهارم** انکه ظهر وعصر ومغرب وعشا را در منی تا طلوع فجر توقف نماید **پنجم** انکه در شب نهم ذی الحجه که شب عرفه است در منی تا طلوع فجر توقف نماید **۶** انکه نماز صبح را نیز در منی بکذارد وافضل انست که تا طلوع افتاب در منی توقف نماید بعد از ان متوجه عرفات کردد **۷** انکه خیمهٔ خود را در زمین عرفات بزنند در مکانی که بعرفات متصل است وانمکانرا نمره کویند وواجبست

كه اول وقت پيشين نيت وقوف عرفات كند باين طريق كه توقف ميكنم
در عرفات از اين وقت تا وقت شام در حج اسلام حج تمتع براي انكه واجبست
تقرب بخدا و بر حكم نيت بماند تا وقت شام و بعد از ان دخول در
عرفات كند و دوازده امر سنت است كه در اثناي وقوف بفعل
اورد اول غسل جهة وقوف و نيت چنين كند كه غسل وقوف
عرفات ميكنم از براي انكه سنت است تقرب بخدا و بايد كه
انغسل بعد از ظهر در اول وقت واقع شود دوم با وضو بودن
سيم ظهر و عصر را باهم در اول وقت كردن بيك اذان و دو اقامت
چهارم بر پا ايستادن از وقت ظهر تا وقت شام پنجم رو بقبله
بودن از اول وقت تا اخر وقت ٦ خاطر خود را بهيچ امر مشغول
نساختن مگر بتوجه بدرگاه الهي ٧ انكه ميانه او و اسمان حايلي
نباشد مثل خيمه و غيران ٨ گناهان خود را يكيك شمردن

واستغفا

واستغفار كردن ٩ دعا كردن براي برادر مومن و بايد كه كمتر از چهل
نفر نباشند ١٠ صد نوبة الحمد لله و صد نوبة لا اله الا الله و صد
نوبة سبحان الله بگويد ١٠١ انكه صد نوبة قل هو الله احد بخواند ١٠٢ انكه
اين دعا بخواند اللهم اني عبدك فلا تجعلني من اخيب وافدك وارحم
مسيري اليك من الفج العميق اللهم رب المشاعر كلها فك رقبتي
من النار واوسع علي من رزقك الحلال وادرء عني شر فسقة
العرب والعجم اللهم لا تمكر بي ولا تخدعني ولا تستدرجني اللهم
اني اسئلك بحولك وقوتك وجودك وكرمك ومنك وفضلك
يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم
الراحمين ان تصلي علي محمد وال محمد و حاجت خود را از خدا طلب
نمايد و بعد از ان رو بجانب اسمان كند و بگويد اللهم حاجتي اليك
التي ان اعطيتنيها لم تضرني ما منعتني وان منعتنيها ما اعطيتني

اسئلك اخلاصي رقبتي من النار اللهم اني عبدك وملك يدك
واجلي بعلمك اسئلك ان توفقني لما يرضيك عني وان تسلم
مني مناسكي التي اذ ليتها خليلك ابراهيم عليه السلام ودللت
عليها نبيك محمد ص اللهم اجعلني ممن رضيت عمله واطلت
اللهم اجعل في قلبي نورا وفي دمي نورا وفي عظامي نورا و
اعظم لي نورا يا رب يوم القاك انك علي كل شيء قدير بدانكه
دعاهاي روز عرفات كه از حضرات ائمه صلوات الله عليهم
اجمعين نقل شده بسيار است و افضل اين دعاها دو دعاست
يكي دعاي حضرت امام حسين عليه السلام كه مشهور است
و ديگر دعاي حضرت امام زين العابدين ع كه در صحيفه كامله
مذكور است و چون هر يك از اين دو دعا بغايت طويل بود و
در اين مختصر مذكور نشد فصل ٢ در احكام وقوف بمشعر الحرام

وچون وقت

چون وقت مغرب داخل شود پيش از نماز مغرب داخل شود
از عرفات متوجه مشعر الحرام شود و چون اراده بيرون رفتن
از عرفات كند اين دعا بخواند اللهم لا تجعله اخر العهد من هذا
الموقف وارزقنيه ابدا ما ابقيتني واقلبني مفلحا منجحا مستجابا
لي مرحوما مغفورا بافضل ما ينقلب به اليوم احد من وفدك عليك
واعطني افضل ما اعطيت احدا منهم من الخير والبركة والرحمة
والرضوان والمغفرة وبارك لي فيما ارجع اليه من اهل او مال
او قليل او كثير وبارك لهم في و بايد كه وقت رفتن بجانب مشعر بتاني براه
رود و در كمال خضوع و خشوع و در اثناء راه باستغفار و طلب خلاصي
از اتش دوزخ مشغول باشد و چون بمشعر الحرام رسد واجبست كه
نيت كند باين طريق كه از اينوقت تا طلوع افتاب توقف ميكنم
در مشعر الحرام در حج تمتع از براي انكه واجبست تقرب بخدا و

وجایز است که در اینجا نه فعل بجا اورد اول انکه قبل از بار فرود اوردن
نماز مغرب وعشا را بیک اذان ودو اقامت بگذارد ۲ انکه نافلهٔ
مغرب را بعد از عشا بگذارد ۳ انشب را که شب عید قربانست
احیا بدارد ۴ انکه تا صبح بذکر ودعا وتلاوة قران مشغول باشد
۵ انکه اول شب غسل کند ونیت چنین کند که غسل میکنم
بجهة بودن بمسجد الحرام برای انکه سنت است تقرب بخدا ۶
انکه تا طلوع افتاب طاهر از حدث اکبر واصغر باشد ۷ انکه اگر
حج اول باشد بربالای کوهی که در مشعر الحرام واقعست برود وبانجا ذکر
الهی بجا اورد ۸ انکه هفتاد سنک ریزه را که بجهة رمی جمرات
مقرر است از مشعر الحرام بردارد واجبست که انشب تا صباح
در مشعر الحرام باشد ۹ انکه سنت است که بحمد الهی وصلوات
فرستادن ودعا کردن اشتغال نماید واز جملهٔ دعاها این دعا

بخواند اللهم رب المشعر الحرام فك رقبتي من النار واوسع علي
من رزقك الحلال وادرء عني شر الفسقة الجن والانس اللهم
انت خير مطلوب اليه وخير مدعو وخير مسئول ولكل وافدٍ
جائزة فاجعل لي جائزتي في موطني وان تجاوز عن خطيئتي
ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي وچون افتاب براید بجانب
منی رود وجایز است زنان واشخاصی را که ضرورتی باشد که قبل
از طلوع فجر از مشعر الحرام بجانب منی روند فصل ۳ در رفتن بمنی
از مشعر الحرام وبیان افعال ثلثه مناسک منی که روز عید
قربان در منی واجبست بعمل اورد وچون از مشعر متوجه
منی شود ودر راه بموضعی برسد که انرا وادی محشر گویند
سنت است که دران موضع موازی صد گام تند برود واین
دعا بخواند اللهم سلم عهدي واقبل توبتي واجب دعوتي

واخلفني فيمن تركت بعدي وچون بمنی رسد واجبست
که افعال ثلثهٔ مناسک منی را روز عید بترتیب بجا اورد
فصل اول رمی جمرهٔ عقبه است یعنی زدن میلی که انرا جمرهٔ
عقبه گویند بهفت سنک ریزه ودر رمی جمرهٔ عقبه هشت
امر واجب است ودوازده امر سنت اما هشت امر واجب اول
نیت کردن باین طریق که این میل را میزنم بهفت سنک ریزه در حج
اسلام حج تمتع برای انکه واجبست تقرب بخدا دوم نیت را مقارن
شروع در رمی کند ۳ استدامهٔ حکمی یعنی مدام بر حکم نیت
بودن تا اخر رمی چهارم هفت سنک ریزه را یکیک انداختن پس
اگر هفت سنک را بیک دفعه اندازد یکی از انها محسوبست
وباقی محسوب نیست پنجم هریک از هفت سنک ریزه را بان
میل رسانیدن ۶ مجموع هفت سنک ریزه را از حرم

حرم برچیدن ۷ انکه هیچ یک از انها رمی جمره نشده باشد ۸
انکه رمی بعد از طلوع افتاب روز عید قربان باشد واما دوازده
امر سنت اول در وقت رمی وضو داشتن دوم پیاده بودن نه سواره
سیم در وقتی که خواهد بمیل زند این دعا بخواند اللهم هؤلاء حصياتي
فاحصهن لي وارفعهن في عملي چهارم انکه در وقت انداختن هریک از
انها الله اکبر بگوید واین دعا بخواند اللهم تصديقا بكتابك و
على سنة نبيك صلعم اجعله حجا مبرورا وعملا مقبولا وسعيا
مشكورا وذنبا مغفورا پنجم انکه در وقت رمی جمرهٔ عقبه رو
بجمره کند وپشت بقبله انکه دوری او از جمره در وقت رمی ده
ذرع یا پانزده ذرع شرعی باشد ششم وهفتم انکه سنک ریزه ها را
چیده باشد نه انکه سنکی بشکند واز ان سنک ریزه ها رمی کند
هشتم انکه سنک ریزه را بر شکم انگشت زهگیر گذارد

ویه پشت بند اول انکشت شهادت بیندازد نهم انکه سنک ریزها را
از مشعر الحرام چیده باشد دهم انکه ان سنک ریزها را بشوید
یازدهم انکه هریك از سنک ریزها بمقدار بند بالایی انکشت
باشند ۱۲ انکه هریك از سنک ریزهای مخالف دیکری باشد
فصل دوم از افعال ثلثهٔ مناسك منی که روز عید بجا اوردن
واجبست قربان کردنست و دران ده امر واجبست و شش امر
سنت اما ده امر واجب اول انکه قربانی کوسفند یا کاو یا بز یا شتر
باشد واکر غیر اینها باشد مثل اسب یا اهو قربانی کند صحیح نیست
دوم انکه اکر قربانی کوسفند باشد کمتر از هفت ماهه نباشد
واکر بز یا کاو باشد یکسال تمام کرده باشد و در سال دوم داخل
شده باشد واکر شتر باشد پنج سال تمام کرده باشد و در سال ششم
داخل شده باشد سوم انکه بیمار نباشد و کوری نداشته باشد

ولاغر ولنك نباشد وخصی و کوش بریده نباشد و شاخ اندرونی
او شکسته نباشد چهارم انکه کل ان از یکشخص باشد پس جایز
نیست که شخصی دیکر در قربانی شریك باشد پنجم انکه در وقت
کشتن قربانی نیت چنین کند که این قربانی را میکشم در حج اسلام
حج تمتع از برای انکه واجبست تقرب بخدا ۶ انکه نیت را مقارن
اول ذبح سازد واکر قربانی شتر باشد و مقارن اول نحر سازد
و نحر انست که کاردی یا حربه در کویی که در میانه بیخ کردن و سینهٔ
شتر واقع است بزنند ۷ استدامهٔ حکمی نیت تا اخر ذبح یا نحر ۸
انکه خود مباشر قربانی کردد یا شخصی را نایب خود سازد و نایب
چنین نیت کند این قربانی میکشم بنیابت فلانی در حج اسلام
حج تمتع برای انکه واجبست تقرب بخدا و اولی انست که هردو
نیت کنند ۹ انکه قربان کردن در روز عید باشد واکر متعذر

در باقی ایام ماه ذی الحجه جایز است دهم انکه بعضی را خود بخورد و بعضی
را هدیه کند و اما ان شش امر که در قربانی سنت است اول
انکه اکر قربانی کوسفند باشد باید که نر باشد واکر شتر یا کاو باشد
باید که ماده باشد دوم انکه فربهی و لاغری میانه باشد سیم انکه او را
در عرفات حاضر کرده باشد چهارم انکه اکر قربانی شتر باشد دست
چپ او را ما بین زانو و پاشنه به بندد پنجم اکر شخصی را در کشتن
نایب خود سازد دست خود را در وقت کشتن در دست او کذارد
ششم انکه در وقتی که قربانی کند بکوید وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ
صَلٰوتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ
وَاللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي و مقارن این بکشتن مشغول شود

فصل سوم از افعال ثلثهٔ مناسك منی که روز عید بفعل اوردن
ان در منی واجبست انست که بعد از قربانی کردن از موی خود
ازاله کند خواه بتراشیدن وغیر ان و زن را تراشیدن سر جایز نیست
و در ازاله کردن مو سه امر واجبست و هفت امر سنت اما سه
امر واجب اول نیت باین طریق که از موی بدن چیزی ازاله میکنم
در حج اسلام حج تمتع از برای انکه واجبست تقرب بخدا دوم
مقارن نیت موازاله کردن سوم استدامهٔ حکمی اما هفت امر
سنت اول انکه در وقت موازاله کردن رو بقبله کند دوم انکه
در انوقت بکوید بسم الله الرحمن الرحیم اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ
نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ سیم انکه در تراشیدن شروع بجانب راست
کند چهارم انکه کل سر را بتراشد پنجم انکه اکر بر سر مو نداشته باشد
بر سر بکذارند ۶ انکه موی را در منی دفن کند ۷ انکه بعد از

موازاله کردن ناخن چیند وسبال بکیرد وبعد ان فارغ شدن
افعال ثلثه مناسک منی حلال میشود برا وانچه در حالت احرام حرام
بود مکر زن وبوی خوش فصل ۴ در بیان باقی افعال حج چون مناسک
منی را بجا اورد واجبست بمکه رجوع کردن بجهة بجا اوردن پنج امر
وان طواف حج است ودو رکعت ان وسعی مابین صفا ومروه وطواف
نسا ودو رکعت ان وچون سه امر اول را بفعل اورد بوی خوش براو
حلال میشود اما زن وقتی حلال میشود که طواف نسا را با دو رکعت
آن بجا آورد و واجبست این پنج امر را بترتیبی که مذکور شد بفعل اورد
وجمیع انچه در طواف عمره وسعی ان مذکور شد اما از امور واجبی
وسنتی در این دو طواف وسعی معتبر است وفرق همین است که در نیت
پس از برای طواف حج چنین نیت کند که طواف حج اسلام حج
تمتع میکنم از برای انکه واجبست تقرب بخدا ودر طواف

نسا نیت چنین کند که طواف نسا میکنم در حج اسلام حج تمتع از برای
انکه واجبست تقرب بخدا وچون از این پنج امر فارغ کردد واجبست که
بمنی مراجعت نماید چهار روز در انجا بودن وسه شب تشریق وان
یازدهم ودوازدهم وسیزدهم ماه ذی الحجه است وجایز است که
شخصی در احرام وعمره حج شکار ومباشرت بزن نکند وشب سیوم
در منی بماند وانکه بعد از وقت ظهر روز دوازدهم از منی بیرون رود مکر
انکه در وقت مغرب در شب سیزدهم در منی باشد که در اینصورة
بودن انشب در منی واجبست وبیرون رفتن جایز نیست ودر
هریک از این سه شب تا صباح ماندن در منی لازم نیست
بلکه اینقدر توقف نماید که نصف شب بکذرد وبعد از ان بیرون
میتواند رفت وجایز است بجای ماندن انشب در مکه بشرط تا صبح بعبادت
مشغول باشد اول رمی کردن جمره اول از هریک ان روزها تشریق

بهفت سنک ریزه دوم رمی جمره وسطی در ان سه روز بهمان طریق
سیم رمی جمره عقبه در ان نیز سه روز بهمان طریق و واجبست
این ترتیب را مرعی داشتن ووقت رمی از طلوع افتابست تا وقت
شام واکر شخصی را عذری باشد جایز است که شب رمی کند وبدانکه
اداب سنتی این رمی بطریقی است که قبل از این مذکور شد و
فرقی نیست مکر در دو امر اول انکه هریک از جمره اول وجمره
وسطی را در دست راست کیرد دوم انکه بعد از رمی هریک از
این دو جمره اندکی نزد ان ایستد وبحمد وصلوات ودعا
اشتغال نماید اما بعد از رمی جمره عقبه ایستادن نزد ان سنت
نیست وبدانکه این آخر افعال واجبه حج است وجایز است که از
منی بوطن خود رود بی انکه بمکه معاودت نماید اما معاودت
جهة وداع خانه کعبه سنت است وچون خواهد که بمکه معاودت

کند سنت است که در مسجد خیف شش رکعت نماز بکذارد دو
هر دو رکعت بیک سلام وبعد از ان متوجه مکه شود واداب
دخول مکه ومسجد الحرام از غسل وغیر ان که قبل از این کفته شد
وبدانکه داخل شدن در خانه کعبه سنت است و واجب نیست
واداب ان نه امر است اول غسل کردن دوم انکه حلقه را در وقت
دخول بکیرد سیوم انکه کمال خضوع وخشوع در وقت داخل شدن
بجا اورد ۴ انکه چون داخل شود این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ
قُلْتَ مَنْ دَخَلَهُ کَانَ اٰمِنًا فَاٰمِنِّی مِنْ عَذَابِکَ عَذَابَ النَّارِ ۵
انکه بر سنک سرخی که در میان دو ستون خانه کعبه فرش است دو
رکعت نماز بکذارد در رکعت اول بعد از فاتحه سوره حم سجده
بخواند ودر رکعت دوم بعد از فاتحه از ایات قرانی بعدد ایات سوره
حم سجده بخواند واین پنجاه وچهار رکعت آیتست ۶ انکه در هر رکنی

از چهار رکن خانه دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این دعا
بخواند اللهم من تهيأ وتعبأ واعد واستعد لوفادة الی مخلوق
رجاء رفده وجوائزه ونوافله فاليك كان يا سيدي تهيئتي وتعبئتي
واستعدادي ورجائي رفدك ونوافلك وجوائزك فلا تخيب
سائله ولا ينقص نائله فاني لم آتك اليوم بعمل صالح قدمته ولا شفاعة
مخلوق رجوته ولكن اتيتك مقرا بالذنوب والاساءة علی نفسي
فانه لا حجة لي ولا عذر فاسئلك يا من هو كذلك ان تصلي
علی محمد وآل محمد وان تعطيني مسئلتي وتقلبني عثرتي و
تقبلني برغبتي ولا تردني محروما ولا مجبوها ولا خائبا يا عظيم
يا عظيم ارجوك للعظيم اسئلك يا عظيم ان تغفر لي الذنوب العظيم
لا اله الا انت ٧ انکه در اندرون خانه کعبه سر بسجده نهد و
این دعا بخواند اللهم لا يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي منك

الاتقی

الا التضرع اليك وهب لي يا الهي من لدنك فرجا بالقدرة التي بها
تحيي اموات وبها تنشر ميت البلاد ولا تهلكني يا الهي غما حتی تستجيب
لي وتعرفني الاجابة في دعائي اللهم ارزقني العافية الی منتهی
اجلي ولا تشمت بي عدوي من عنقي من ذا الذي يرفعني ان وضعتني
فانصرني واتوكل عليك فاكفني واومن بك فامني واستهديك
فاهدني واسترحمك فارحمني واستغفرك مما تعلم فاغفر لي
واسترزقك من فضلك الواسع فارزقني ولا حول ولا قوة الا بالله
هشتم در وقت بیرون آمدن از خانه کعبه حلقهٔ در خانه را بگیرد
و بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر اللهم لا تجهد بلائي ولا
تشمت بي اعدائي فانك الضار النافع نهم انکه چون از خانه
بزیر آید دو رکعت نماز بگذارد در نزدیکی کعبه بحیثیتی که
در خانه کعبه بجانب دست چپ او باشد خاتمه در بیان آداب

وداع خانه کعبه و در آن ده امر است اول هفت شوط وداع را
بجا آورد و نیت چنین کند که طواف وداع خانه کعبه میکنم
سنت تقرب بخدا دوم انکه در همه شوطی استلام حجر الاسود و رکن
یمانی کند و اگر در هر شوط نتواند در شوط اول و دویم استلام
نماید سیم انکه بعد از فارغ شدن از طواف التزام استحباب کند
بطریقی که در طواف عمره مذکور شد ۴ انکه نزد حجر الاسود
آید و شکم خود را بحجر الاسود گذارد و دست راست را از جانب
در خانه کعبه چسباند و بگوید و شکم خود را الحمد لله وصلی الله
علی سیدنا و نبينا محمد وآله اللهم ص علی محمد وعبدك ورسولك
ونبيك وحبيبك وخيرتك من خلقك اللهم كما بلغ رسالتك
وجاهد في سبيلك وصدع بامرك واوذي فيه حتی اتاك
اليقين اللهم اقلبني مفلحا منجحا مستجابا لي بافضل ما يرجع به

احد

دو نوبت دست یکی از برای مسح روی و دیگری از برای مسح دستها و بعضی
بر آنند که تیممی که بدل وضو نیز باشد دو نوبت دست بر خاک باید زد بطریقی که تیم بدل
از غسل است و این قول اصح است اما آن هفت امر که در تیمم سنت است
اول انکه خاک تیمم خالص باشد یعنی ممزوج بغیر خاک نباشد هر چند مطلق
اسم خاک بر آن توان کرد دوم انکه در وقت زدن کف دست انگشتها
از یکدیگر دور سازد سیم انکه خاک تیمم از زمین مرتفع باشد مثل تلهای
صحرا چهارم انکه بعد از دستها بر زمین زدن هر دو دست را از خاک بتکاند
پنجم اگر کف دست کسی را قطع کرده باشند جای قطع را بخاک مسح کند
ششم انکه تیمم را بآخر وقت انداز[د] و هر چند معلوم باشد که در آخر وقت
آب یافت نخواهد شد هفتم انکه جهة هر نماز تیمم علیحده کند هر چند تیمم
سابق نقض نشده باشد اما آن دو امر که در تیمم مکروه است اول بریگ تیمم
کردن دوم بر زمین شوره تیمم کردن فصل دوم در بیان مسایل طهارتی

کویند و ازاله نجاست

کہ احتیاج بہ نیت کردن ندارد و این طهارت از ازاله نجاست بدوازده
چیز میشود اول آب دوم زمین سیم آفتاب چهارم آتش پنجم استحاله
ششم انتقال هفتم انقلاب هشتم نقص نهم اسلام دهم زوال عین
یازدهم مسح طاهر دوازدهم تبعیت و احکام این مطهرات دوازده کانه بتفصیل
مذکور میشود اما احکام آب بدانکه آب مطلق است یا مضاف
مطلق آنست که در عرف و عادت آنرا آب گویند بی آنکه قیدی بااو
باشد و مضاف آنست که با قید آب گویند مثل گلاب و آب غوره
و آب مطلق یا جاریست یا ایستاده و آب غیر جاری چهار قسم است
آب مساوی کر و آب کمتر از کر و آب زیاده بر کر و آب چاه پس آب مطلق پنج قسم
میشود اما آب جاری در شرع آبیست که از زمین بجوشد غیر آب چاه
و آن بملاقات نجاست نجس نمیشود اگرچه کمتر از کر باشد مگر آنکه
رنگ یا طعم یا بوی آن بنجاست تغیر یابد و آب باران مادام که میبارد حکم آب

جاری دارد و آب حمام نیز حکم آب جاری دارد اگر متصل بماده باشد که آن ماده
کر یا زیاده بر کر باشد فصل آب کر آبیست که مساحت آن در طول و عرض و عمق
چهل و دو وجب و هفت ثمن وجب باشد به وجب مستوی الخلقه و این
بوزن یکهزار و دویست رطل عراقی است و هر رطلی یکصد و سی درهم
شرعیست و هر درهمی چهل و هشت جو متوسط است پس کر هفت هزار
هزار و یکصد و چهل هزار جو متوسط است و این آب نجس نمیشود
بملاقات نجاست مگر آنکه رنگ یا طعم یا بوی آن بنجاست متغیر شود
پس بنابراین اگر دست کسی بخون آلوده باشد و در حوضی فرو برد که یک کر آب
باشد بی زیاده و کم آب آن حوض نجس میشود بجهة آنکه معلوم است که اندکی
از رنگ آن بخون تغیر یافته و بقیه آن کمتر از کر است پس کل آن آب نجس است
اما اگر دست کسی ببول نجس شده باشد و بول خشک شود و آن شخص دست را
بآن حوض که مساوی کر است فرو برد آن حوض نجس نمیشود و دست آن شخص

طاهر میشود بجهة آنکه چیزی از آن آب بنجاست تغیر نیافته اما اگر آب
حوض زیاده بر کر باشد و قطره خون در آن افتد و بعضی از آن برنگ خون
تغیر یابد در اینصورة تخمین باید کرد که آنچه از آب الحوض که تغیر نیافته بمقدار
کر است آن آب طاهر است و اگر کمتر از کر است نجس است و اگر در آبی که
یک کر است بی زیاده و کم مویی مثلا از سگی افتد و کسی کاسه آن مو را
بیکدفعه بردارد اندرون کاسه با آبی که در او آمده باشد نجس خواهد
بود و بیرون کاسه با آبی که در او مانده طاهر است و اگر آن مو در کاسه
نیامده باشد بعکس خواهد بود یعنی اندرون کاسه با آبی در او آمده
طاهر است و بیرون کاسه با آبی که مانده نجس است و اما آن آب
کم از کر نجس میشود بملاقات نجاست هرچند هیچ یک از رنگ و بو
و طعم آن تغیر نیابد فصل بدانکه در آب چاه میان مجتهدین خلاف است
بعضی بر آنند که مادام که رنگ و بوی و طعم آن بنجاست تغیر نیابد نجس

نمیشود و بعضی بر آنند که اگر مقدار یک کر است یا زیاده نجس نمیشود مگر بتغیر
و اگر کمتر از کر است نجس میشود اگرچه تغیر نیابد و مذهب اول اقویست و
واجبست نزد آن مجتهدین که قایلند بنجاست آب چاه آنکه کل آب را نزح نمایند
اگر شتری در آن بمیرد یا گاوی یا مسکری مایع بالاصاله در آن افتد یا فقاع
یا منی یا خون حیض یا استحاضه یا نفاس در آن ریخته شود پس اگر نزح کل
آب متعذر باشد واجبست که چهار مرد بنوبه بکشند دو مرد بکشند و
چون مانده شوند دو مرد دیگر بکشند همچنین از طلوع فجر تا غروب آفتاب
و اگر اسبی یا خری یا گاوی ماده در چاه بمیرد مقدار یک کر از آن آب بکشند
و اگر آدمی در آن بمیرد هفتاد دلو بکشند خواه آدمی مرد باشد و خواه زن
و خواه بالغ باشد و خواه طفل اما اگر کافر باشد خلاف است بعضی از مجتهدین
کشیدن کل آب را واجب میدانند و بعضی زیاده بر هفتاد دلو واجب
نمیدانند و اگر غلیظ تر در چاه افتد یا خون بسیار مثل آنقدر خون

کہ از ذبح کردن کوسفندی بیرون آید پنجاه دلو بکشند و اگر خون کم
ریخته شود مثل آنقدر که از ذبح کبوتری آید ده دلو باید کشید و
همچنین اگر غایط خشک در چاه افتد و اگر موش در چاه افتد و بمیرد
و از هم نپاشد و یا سگ افتد و زنده بیرون آید هفت دلو باید کشید و اگر
موش از هم نپاشیده باشد سه دلو بکشد و اگر خرگوش یا روباه یا گوسفند
یا خوک یا سگ یا گربه در چاه بمیرد چهل دلو بکشند و همچنین اگر بول
مرد در چاه ریزد و اگر گنجشک در چاه بمیرد یک دلو باید کشید و هر آبی
که مضافست مثل گلاب و عرق بید مشک و غیره بمجرد رسیدن
نجاست باو نجس میشود اگرچه ده کر باشد وضو و غسل بان صحیح نیست
نزد جمع مجتهدین مگر ابن بابویه که او تجویز وضو ساختن و غسل
کردن بگلاب کرده و باقی تجویز نکرده اند دوم از پاک کننده‌ها زمین است
که زیر کفش و پا را طاهر میسازند و اگر پای شخصی را بریده باشند و بجای پا

از چوب چیزی باشد زیر ان چوب را نیز طاهر میسازد سیم از پاک کننده‌ها
افتابست که طاهر میسازد زمین نجس و حصیر و بوریا را هرگاه ان را خشک
سازد و همچنین طاهر میسازد هر چه قابل نقل و تحویل نباشد مثل درخت
و میوه که بر درخت باشد و درها و پنجره‌ها که داخل عمارت شده باشد
و اگر از گل نجس دیواری بطریق چینه بنا شده باشد و افتاب بر یک
روی او بتابد و گل ان دیوار خشک کند روی دیگر ان دیوار و اندرون
ان همه پاک میشود چهارم از پاک کننده‌ها اتش است و ان طاهر میسازد
چیزی را که انگشت یا خاکستر کند اما اگر از گل نجس خشت زنند و
خشت را آجر سازند در طاهر شدن آن خلافست و همچنین اگر از
گل نجس کوزه سازند و شیخ طوسی علیه الرحمه بر انست که این هر دو طاهر
میشوند و این قول قوت دارد پنجم از پاک کننده‌ها استحاله است
یعنی تغیر صورة و نام شیء نجس مثل انکه منی حیوان طاهر شود و یا سگ

در نمک زار افتد و نمک شود ششم انتقال یعنی چیزی نجس از جای
بجای نقل شود مثل انکه خون آدمی که بشکم پشه رود هفتم انقلاب مثل
خمر که سرکه شود هشتم نقص مثل شیره انگور که چون انرا بجوشانند
نجس میشود و چون چهار دانگ ان کم شود طاهر میشود نهم اسلام
و ان پاک میسازد کافر را از نجاست کفر دهم زوال عین یعنی
برطرف شدن نجاست مثل انکه دهن اسب یا بعضی از اعضای آن
الوده بخون شود پس بمجرد انکه خون برطرف شود طاهر میشود
یازدهم مسح بطاهر و این در استنجا از غایط است که چون مخرج را بسه
سنگ یا بسه کلوخ یا بسه لته یا غیر ان بشرط انکه طاهر باشند پاک
کنند مخرج پاک میشود دوازدهم تبعیت مثل انکه شخصی مسلمان طفلی را
از کافر حربی اسیر کند ان طفل به تبعیت ان مسلمان طاهر میشود
و همچنین شیره انگور که چون بجوشد نجس میشود و چون چهار دانگ

آن برطرف شود دیگ و چمچه و رخت و بدن و پزنده آن به تبعیت طاهر
شدن ان طاهر میشود فصل نجاست یازده است اول بول دوم غایط
بشرط انکه هر دو از حیوانی باشد که گوشت ان حرام باشد و خون جهنده
داشته باشد سیم خون از حیوانی باشد که خون جهنده داشته باشد خواه
گوشت ان حلال باشد و خواه حرام مگر خونی که بعد از ذبح در اعضای ان
حیوان بماند بشرط انکه در وقت ذبح خون معتاد بیرون آمده باشد
پس هر خونی که بعد از بیرون آمدن خون معتاد در اعضای آن حیوان
بماند طاهر است و خوردن ان حلالست چهارم منی از حیوانی که خون جهنده
داشته باشد خواه گوشت آن حلال باشد و خواه حرام پنجم سگ غیر
سگ آبی که آن طاهر است اما حرام است خوک غیر خوک آبی که آن نیز
حکم سگ آبی دارد و اگر سگی بر گوسفندی بجهد و بچه از ان حاصل شود
پس اگر بسگ شبیه باشد نجس است و اگر بگوسفندی شبیه است [illegible]

شبیه نیست طاهر است امّا اکر سکی بخوکی بجهد و بچه حاصل شود
که هیچ کدام شبیه نباشد در نجس بودن آن میان مجتهدین خلافست
واحتیاط انست که نجس است **ششم** کافر خواه ذمّی و خواه حربی و خواه
اهل کتاب باشد و خواه نباشد امّا قلیل از مجتهدین را مذهب
انست که یهود و نصاری طاهرند و این مذهب ضعیفست **هفتم**
هرچه مست کننده است بشرط انکه در اصل روان باشد و شیخ ابن
بابویه جایز میدانند در جامه که الوده بخمر باشد و حرام میدانند نماز کردن
در خانه که خمر باشد **هشتم** شیره انکور هرکاه بجوشد و چهار دانک او کم
نشده باشد **نهم** فقاع یعنی بوزه که ان نجس است اکرچه مست کننده نیست
دهم حیوانی که بمیرد بشرط انکه در حال حیوة خون جهنده داشته باشد
خواه کوشت ان حلال و خواه حرام باشد جمیع اعضای ان نجس است
مکر اعضایی که حس ندارد مثل مو و استخوان و شاخ و سم از

از حیوانی که نجس العین نباشد و سید مرتضی بر آنست که اجزای
نجس العین که حس نداشته باشد مثل مو و استخوان سک و خوک طاهر است
و باقی مجتهدین خلاف او کرده اند **یازدهم** اکر سک ظرفی را بلیسد و خواهند
که بآب قلیل انرا طهارت دهند باید که اوّل ورا بخاک پاک بمالند
و بعد از ان بآب دو نوبة بشویند و اکر خاک متعذّر باشد بعضی از
مجتهدین بر آنند که هرچه شبیه بخاک باشد مثل اشنان و آرد عوض
خاک میشود و بعضی بر آنند که عوض خاک یکنوبة بآب بشویند امّا
اکر ان ظرف را بآب کثیر مثل کر یا آب روان طهارة دهند یکنوبة
در آب فرو بردن کافیست بعد از انکه انرا بخاک مالیده باشند و بعضی
از مجتهدین بر آنند که اکر بآب کثیر طهارة دهند خاک مالیدن لازم نیست
و اوّل اصح است و اکر ظرفی را خوک بلیسد بعضی از مجتهدین برانند که ان
ظرف را هفت نوبة بآب باید شستن و بعضی برانند که بطریق لیسیدن سک است

فصل اکر جامه مثلا ببول نجس شده باشد و خواهند که بآب قلیل انرا
طهارت دهند پس اکر ببول شیرخواره نجس شده بمجرّد ریختن آب بران
طاهر میشود و احتیاج بافشردن ندارد **اوّل** انکه پسر باشد نه دختر
دوم انکه اکثر غذای او شیر باشد **سیم** انکه سنّ او کمتر از دو سال
باشد و اکر ببول غیر طفل شیرخواره نجس شده باشد باید که بعد از انکه
آب بر آن ریزند دو نوبة دیکر بیفشرند و اکر بغیر بول نجس شده باشد
به یکنوبت آب ریختن و یک افشردن طاهر میشود بعد از ازاله نجاست و احتیاج
بدو نوبت نیست امّا اکر در آب کر یا آب روان طهارة دهند یکنوبة
در آب فرو بردن کافی است بعد از انکه عین نجاست ازان ازاله شده باشد
و افشردن لازم نیست و اکر پوست یا دوشک و بالش و مانند انرا
بآب قلیل طهارت دهند احتیاج بافشردن نیست و مالیدن آن کافیست
و بدانکه هرکاه جامه نجس شود بنجاستی که رنک داشته باشد مثل خون

و غیران و انرا بشویند و رنک نجاست در جامه بماند ان پاکست و ازاله
آن لازم نیست **فصل** اکر ظرف نجس را مثل کاسه و دیک و خم خواهند که بآب
قلیل طهارت دهند قدری آب دران کنند و حرکت دهند تا آب بهمه
جای ان برسد و ان ابرا بریزند باز نوبت دیکر آب کنند و حرکت دهند
و بریزند آن ظرف طاهر میشود و اکر ان ظرف نجس را در زمین محکم کرده باشند
مثل دیک دکان کندن ان لازم نیست و بهمان طریق طهارت میتوان داد
و اکر اندکی آب در ته ان بماند انرا بلته یا پنبه بردارد و بدانکه از ظرف طلا
و نقره چیزی خوردن یا چیزی دران کذاشتن حرام است بر مرد و زن امّا
آب و طعام و میوه که دران ظرفست حرام نمیشود ولیکن ازان ظرف بیرون
آوردن بقصد خوردن حرام است و بقصد انکه برجایی کذارند و بعد ازان
بخورند حلالست و از افتابه طلا و نقره دست شستن حرام است همچنین
بر دوات طلا و نقره چیزی نوشتن و از سرمه دان طلا و نقره سرمه

کشیدن اما بقلم و میل طلا حلال است و اگر از طاس یا کوزهٔ نقره کوب
یا طلا کوب آب خورد واجبست که لب خود را بنقره یا طلا نرساند
و اگر ظرف مس طلا را بر آتش کنارند پس اگر از ان طلا حاصل شود حکم
ظرف طلا خواهد داشت و اگر مطلقا طلا حاصل نشود میانهٔ مجتهدین
خلافست و اصح انست که حکم ظرف مس دارد و غسل در حوض طلا
و نقره صحیح نیست خواه ترتیبی باشد و خواه ارتماسی و اگر زمین ان حوض
طلا و نقره باشد غسل کردن صحیح است با تمام رسید باب اول بتوفیق
الله تعالی باب دوم از کتاب جامع عباسی در بیان نماز واجبی و سنتی و در
ان مقدمهٔ و دو مطلبست مطلب اول بدانکه نماز واجبی دوازده است
اول نماز شبانه روزی که انرا نماز یومیه گویند دوم نماز جمعه سیم نماز
عید ماه رمضان چهارم نماز عید قربان پنجم نماز طواف خانهٔ کعبه
ششم نماز ایات یعنی کسوف و خسوف و زلزله و هر امر اسمانی که

موجب خوف باشد مثل بادهای سرخ و سیاه و امثال آن هفتم نماز
میت هشتم نمازی که بنذر واجب میشود ۹ نمازی که بسوگند واجب
میشود دهم نمازی که بعهد واجب میشود یازدهم نمازی که باجاره
واجب میشود ۱۰۲ نمازی که از پدر فوت شود بر پسر بزرگتر واجب میشود
اما نمازهای سنتی بسیار است و انچه در این کتاب مذکور میشود بیست و
چهار نماز است اول نوافل نماز یومیه که هر شبانروزی سنت است که کنارده
شود دوم نمازی که بحضرت رسالت پناه ص منسوبست سیم نمازی
که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام منسوبست چهارم نمازی که بحضرت
فاطمهٔ زهرا علیها السلام منسوبست پنجم نماز جعفر طیار رضی الله عنه
ششم نماز اعرابی هفتم نماز طلب باران که انرا استسقا گویند ۸ نماز عید غدیر
نهم نماز حاجت دهم نماز نافلهٔ ماه رمضان یازدهم نماز روز مبعث
۱۰۲ نماز شب مبعث ۱۰۳ نماز روز مباهله ۱۰۴ نماز زیارت

۱۰۵ نماز رغایب ۱۰۶ نماز شب نصف ماه رجب هفدهم نماز ساعت
غفیله هجدهم نماز عید رمضان ۱۰۹ نماز وقت ارادهٔ سفر ۲۰ نماز
توبه ۲۰۱ نماز هدیهٔ میت ۲۰۲ نماز روز عاشورا ۲۰۳ نماز روز
اول هر ماه ۲۰۴ در بیان نمازهای واجبی و در ان نه مقصد است
مقصد اول نماز یومیه یعنی نمازهای واجبی پنجگانه که در هر شبانروزی
واجبست بر هر بالغ و عاقل مگر زنی که حایض باشد یا نفاس بدانکه مقدمات
نماز یعنی چیزی چند که پیش از شروع در نماز بفعل باید آورد شش امر است
اول طهارت از حدث دوم نجاست برطرف کردن از بدن و جامه
۳ پوشیدن عورتین چهارم ملاحظه نمودن مکان نماز که غصبی نباشد
و نجس پنجم ملاحظه نمودن وقت نماز ۶ تحقیق نمودن قبله و از این شش
چیز دو چیز اول در باب اول کتاب بتفصیل مذکور شد و چهار باقی
در چهار مبحث مذکور میشود مبحث اول در پوشیدن عورتین و آن در نماز

واجبست خواه کسی باشد که نگاه کند یا نه و خواه نگاه کننده محرم باشد مثل
کنیز و زن اینکس و خواه نامحرم باشد پس اگر شخصی در خانهٔ خالی یا تاریک نماز
کنارد و عورتین خود را نپوشاند نماز او باطل است و بر مرد همین پوشیدن
قبل و دبر و خصیه واجبست اما بر زن واجبست پوشیدن کل بدن
غیر رو و کف دستها و قدمها اما اگر زن بنده باشد پوشیدن سر و مو
واجب نیست و بدانکه در رختی که در ان نماز میت میتوان کرد از بیست
و هفت امر متعلق است پنج امر واجب و هفت امر سنت و پانزده امر مکروه
اما ان پنج امر واجب اول انکه غصبی نباشد دوم انکه حریر محض نباشد
که نماز مرد در حریر محض جایز نیست و شیخ ابن بابویه بر انست که
زن را نیز در حریر محض نماز صحیح نیست اما این قول ضعیف است و
مرد را جایز است حریر پوشیدن در نماز بواسطهٔ ضرورة مثل سرما
و دفع شپش یا در روز جنگ پوشیدن حریر جایز است سیم انکه

طلا نباشد که مرد را نماز در طلا باطل است هم انکه طاهر باشد مکر

در شش جا اول انکه جراحتی یا دملی داشته باشد که خون از او روان شود

پس با ان خون نماز صحیح است تا وقتی که ان دمل یا ان جراحت به شود

دوم اکر بول شخصی متواتر آید و جامهٔ او بان بول نجس شود در ان حال

در ان جامهٔ نجس نماز صحیح است بشرط انکه هر روز یکنوبت ان جامه را

طهارت دهند سیم اکر زنی طفل را تربیت نماید خواه ان طفل پسر و

خواه دختر باشد و غیر از یک جامه نداشته باشد هر چند ان جامه

ببول و غایط ان طفل نجس شده باشد نماز در ان جامه صحیح است

بشرط انکه بشبانه روزی یکنوبة ان جامه را طهارت دهند و افضل

انست که ظهر و عصر را بعد از طهارت دادن جامه بیفاصله در

اخر وقت کذارد و شام و خفتن را در اول وقت تا چهار نماز را

در جامهٔ طاهر دریافته باشد چهارم انکه خونی باشد کمتر از مقدار

مکر عدول کردن از سورهٔ اخلاص یا سورهٔ قل یا ایها الکافرون

که مطلقا حرام است خواه عدول قبل از خواندن نصف باشد و

خواه بعد از ان الا عدول نمودن از این دو سوره بسورهٔ جمعه و

سورهٔ منافقین در نماز جمعه و ظهر روز جمعه که ان جایز است

اما بدو شرط اول انکه اختیار این دو سوره از روی عمد نکرده باشد

دوم انکه بنصف نرسیده باشد و هر کاه از سوره بسوره عدول کند

واجبست که بسمله را اعاده نماید و اکتفا بیسمله که در سورهٔ اول

خوانده نکند ششم بلند خواندن زن فاتحه و سوره را بنوعی که مرد

نامحرم بشنود اما اکر زن بسیار پیر باشد که مردم امیل بان نباشد

جایز است که نامحرم اواز او را بشنود و بدانکه در رکعت سیم

و چهارم اکر بجای فاتحه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله

اکبر بخواند واجبست که اهسته بخواند و اولی انست که استغفر الله

در ان بکوید و اکر مجموع را مکرر سازد تا سه نوبت افضل خواهد

بود و اکر در رکعت اول و دویم خواندن فاتحه و سوره فراموش شود

اولی که در رکعت سیم و چهارم بجای تسبیحات فاتحه بخواند

مبحث در بیان انچه تعلق برکوع دارد و ان بیست و شش امر است

شش امر واجب و شانزده امر سنت و چهار امر مکروه اما ان شش امر

واجب اول انقدر خم شود که کف دستها بزانو برسد اما دست

بزانو اکذاشتن واجب نیست دوم سبحان ربی العظیم و بحمده

کفتن یا سبحان الله و اکر ضرورتی داشته باشد یکنوبة سبحان

الله کافیست سیم در نک نمودن بمقدار ذکر چهارم انکه چنان

بکوید که خود بشنود اکرچه بتقدیر باشد چنانچه در فصل قرات

مذکور شد پنجم سر بر داشتن ششم لحظهٔ درنک نمودن بعد از سر بر داشتن

اما ان شانزده امر که سنت است اول انکه چون خواهد خم شود الله

در نماز جهر بشنواند بشرط انکه بسیار بلند بطریق اذان نخواند ۷

بلند خواندن پیشنماز و منفرد بسم الله را در رکعتی که فاتحه و سوره را

اهسته باید خواندن ۸ انکه بعد از خواندن هر یک از فاتحه و سوره

بمقدار یک لحظه ساکت شود نهم انکه چون سورهٔ والشمس بخواند بعد از

تمام کردن ان صدق الله بکوید و چون سورهٔ اخلاص بخواند بعد از تمام

کردن آن سه مرتبه بکوید کذلک الله ربی دهم انکه در نماز صبح سورهٔ

بخواند که دراز باشد مثل سورهٔ عم و سورهٔ قیامت و در نماز ظهر مثل سورهٔ

والشمس و سورهٔ اعلی و در نماز شام و خفتن مثل سورهٔ انا انزلناه

و سورهٔ اذا جاء بخواند و سورهٔ جمعه و منافقون بخواند اما آن پنج

امر که در سوره و فاتحه خواندن مکروه است اول ادغام کردن میم الرحیم در میم

مالک دوم بعد از فاتحه دو سوره خواندن و بعضی از مجتهدین

ان را حرام میدانند سیم مکرر خواندن یکسوره در دو رکعت مکر

سورهٔ اخلاص که مکرر خواندن ان مکروه نیست ع عدول
نمودن از سورهٔ بسورهٔ دیکر قبل از انکه نصف سورهٔ اول خوانده شود
وبعد از ان حرام است چنانکه مذکور خواهد شد امّا عدول نمودن از سورهٔ
اخلاص وسورهٔ قل یا ایّها الکافرون بسورهٔ دیکر حرام است خواه
قبل از خواندن نصف ان وخواه بعد از ان پنجم بسیار کشیدن مدّ
الف خواه مدّ متّصل وخواه منفصل امّا آن شش امر که در خواندن
فاتحه وسوره بفعل اوردن حرام است اوّل امین کفتن بعد از خواندن
فاتحه دوم سورهٔ طویل خواندن که موجب ان شود که بعضی ان
افعال واجبی نماز در خارج وقت واقع شود سیم سورهٔ ان
سورهای عزایم خواندن قبل از این بتفصیل مذکور شد ع
خواندن فاتحه یا سوره بطریق ونقش وصوت پنجم عدول نمودن
از سورهٔ بسورهٔ دیکر بعد از خواندن نصف سورهٔ اوّل نه قبل از ان

هفت عضو سجود نماید که آن پیشانیست ودو کف دستها ودو زانو
ودو انکشت بزرک پایها دوم انکه سنکینی خود را بر کلّ این هفت
اعضا اندازد پس اکر بر بعضی مطلقا سنکینی نینداز نماز باطل است
امّا لازم نیست که سنکینی انداختن بر همه اعضا برابر باشد سیوم انکه
هر یک از این هفت عضو مستقر باشند یعنی بر محلّ خود قرار کرفته باشند
پس اکر بر برف نرم یا پنبهٔ نرم یا پشم نرم سجده کند بحیثیتی که بعضی اعضا مستقر
نباشد نماز باطل است چهارم انکه پیشانی را بر خاک کذارد یا بر چیزی
که از خاک رویبده باشد بشرط انکه خوردنی یا پوشیدنی نباشد
بحسب عادت پنجم کفتن سبحان ربّی الاعلی وبحمده یا سه نوبة سبحان
الله ودر وقت ضرورة یکنوبة سبحان الله کافیست ششم درنک کردن
بقدر ذکر هفتم انکه ذکر اچنان کوید که خود بشنود همچنانکه در رکوع کذشت
هشتم سر از سجدهٔ اول برداشتن نهم بعد از سر برداشتن لحظهٔ درنک

نمودن دهم نوبة دیکر سجده کردن بطریق سجدهٔ اوّل امّا آن بیست
وپنج امر که در وقت سجود بفعل آوردن ان سنّت است اول الله اکبر کفتن
بعد از سر از سجود برداشتن وقبل از خم شدن بجهة سجود دوم درنک نمودن
بقدر الله اکبر کفتن ۳ در وقت الله اکبر کفتن دستها را بالا بردن تا برابر
کوشها ع انکه چون خواهد که بسجده رود اول دو کف دست بر زمین بر ساند
بعد از ان پایها را پنجم انکه در وقت سجود انکشتان دستها را بهم رسانیده
از هم دور نکند ششم انکه سرهای انکشتان بطرف قبله باشند
انکه هیچ یک از دستها بپهلو چسبیده نباشد هفتم انکه از پیشانی مقدار
یکدرهم بسجده کاه برساند نه کمتر از آن وبعضی از مجتهدین را مذهب این است
که رسانیدن مقدار یکدرهم واجبست هشتم انکه بر خاک سجده
کند نه بر سنک وچوب وامثال ان وافضل انست که خاک یکی
از چهارده معصوم باشد علیهم السّلام خصوصا خاک کربلا

اکبر کوید دوم انکه در حال رکوع زانوها را به پس بردارد وپیش نیاورد
سیم انکه پشت خود را راست بدارد بنوعی که اکر قطرهٔ آب بر ان ریخته
شود بجای خود ایستد ع انکه کردن را موازی پشت بکشد پنجم
انکه نظر ما بین دو قدم اندازد ع انکه دو دست خود را از پهلوی خود
دور دارد هفتم انکه دو کف را بر دو زانو کذارد هشتم انکه انکشتان را
از هم دور کند نهم انکه دست راست را بر زانو کذارد پیش از دست
چپ دهم انکه زن دو کف دست خود را بالاتر از زانو کذارد
یازدهم مکرر کفتن سبحان ربّیّ العظیم تا سه نوبة وپنج نوبة فاضلتر
وافضل از ان هفت نوبة است ۱۲ انکه قبل از کفتن ذکر اینده را بخواند
اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ
وَاَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَلَحْمِي وَ
دَمِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ

ولا مستکبر ولا مستجیر ۱۰۳ انکه پیشنماز اگر باشد ذکر رکوع را بلند کوید
چهارم انکه اگر ماموم باشد اهسته کوید ۱۰۵ انکه اگر منفرد باشد
ذکر را بطریق قراءت خواند در جهر واخفات ۱۰۶ انکه چون سر
از رکوع بردارد بکوید سمع الله لمن حمده والحمد لله اهل الکبریاء والجود
والجبروت اما آن چهار امر که در رکوع مکروه است اول دستها
در وقت رکوع بدو پهلوی خود چسبانیدن دوم سر بزیر افکندن بنوعی
که سر و کردن موازی پشت نباشد سیم انکه پیشنماز ذکر رکوع را
زیاده بر سه نوبت کوید اگر کمان داشته باشد که مامومین بواسطه ضرر تو
تعجیل دارند ۴ دو کف دست را در وقت رکوع در ما بین زانوها
کذاشتن وبعضی از مجتهدین این را حرام میدانند فصل ۴ در بیان
انچه تعلق بسجود دارد وان سی و هفت امر است ده امر واجب و
بیست و پنج امر سنت و دو امر مکروه اما ده امر واجب اول انکه بر مجموع

علیها کما السلم نهم انکه قبل از ذکر سجود این دعا بخواند اللهم لک سجدت
وبک امنت ولک اسلمت وعلیک توکلت وانت ربی سجد وجهی
للذی خلقه وشق سمعه وبصره والحمد لله رب العالمین تبارک الله
احسن الخالقین دهم انکه مکرر بکوید چنانکه در رکوع مذکور شد ۱۰۱ انکه
هر یک از میانه هفت عضو و زمین حایل نباشد بلکه باید که اعضا تمام
برهنه بر زمین برسند اگر مصلی مرد باشد ۱۰۲ بینی را هشتم اعضای
سجود کردانیدن سیزدهم بینی را بر خاک کذاشتن ۱۰۴ زانوها را از
هم دور سازد اگر مصلی مرد باشد نه زن ۱۰۵ انکه چون سر از سجده بردارد
الله اکبر بکوید ۱۰۶ انکه در وقت الله اکبر کفتن دستها را بالا برد بطریقی
که قبل از این کفته شد ۱۰۷ کفتن استغفر الله ربی واتوب الیه بعد از
کفتن الله اکبر ۱۰۸ درنک نمودن بقدر الله اکبر کفتن واستغفار
نوزدهم انکه در ما بین دو سجده تورک کند یعنی بر ران چپ نشیند

و پشت قدم پای راست را بر شکم قدم چپ نهد و اگر زن باشد بر کفل
خود نشیند و زانوها را بالا بردارد و کف پایها بر زمین نهد
۲۰ در وقت سجود ساق دستها را بالا بردارد و بر زمین نکذارد و اگر
زن باشد بر زمین کذارد بیست یکم انکه چون در رکعت اول و سیم
در نماز چهار رکعتی سر از سجده دوم بردارد لحظه بنشیند واین را جلسه
استراحت کویند و سید مرتضی علیه الرحمه انرا واجب میداند بیست ۲
انکه در جلسه استراحت تورک کند بیست ۳ انکه زن در وقت سجود
نکذارد که از موی سر او چیزی فاصله شود میانه پیشانی او و سجده‌گاه
هرچند انچه از پیشانی او واجبست که بسجده‌گاه برسد رسیده باشد
بیست ۵ انکه مواضع هفت عضو برابر باشد یعنی بعضی بلند
و پست نباشد اما تفاوت در بلندی و پستی بقدر چهار انکشت
جایز است و زیاده از این جایز نیست و اما آن دو چیز که بفعل او ان

اوردن آن در سجود مکروه هست اول پف کردن در موضع سجود
بشرط انکه دو حرف از آن حاصل نشود که اگر دو حرف حاصل شود
حرام است و نماز باطل است ۲ اقعا کردن در ما بین دو سجده یعنی
بر عقب پا نشستن و سرهای انکشتان پایها بر زمین کذاشتن
اینست جمیع انچه برکعت اول تعلق دارد تتمه در بیان احکام سجود
وتلاوت قرآن بدانکه سجود تلاوت قرآن پانزده است اول در سوره
رعد دویم در سوره اعراف ۳ در سوره نحل ۴ در سوره
بنی اسرائیل پنجم در سوره مریم ششم در سوره حج که
انجا دو سجده است هفتم در سوره فرقان ۹ در سوره نمل
۱۰ در سوره الم تنزیل دهم در سوره انشقت ۱۱ در سوره
ص دوازدهم در سوره فصلت سیزدهم در سوره والنجم ۱۴
در سوره اقرا واز این پانزده سجده چهار واجب وباقی سنت و سجده

وسجده وقتیست که آیه سجده تمام خوانده شود و در حال سجده پاک بودن
از حدث وخبث و رو بقبله کردن وستر عورة نمودن هیچ یک لازم
نیست اما اولی اونست که بر هفت عضو مقرر سجده کند واکتفا به
پیشانی بر زمین کذاشتن نکند و بر چیزی که بران سجده نماز جایز نیست
سجده نکند و در چهار سجده واجب سنت است که این ذکر بکوید لا اله
الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الا الله عبودیة
ورقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا و بدانکه هیچ یک از چهار سجده
عزایم سجده واجب است بر شنونده نیز واجب است و تاخیر وقت
از خواندن یا شنیدن جایز نیست واکر تاخیر شود بر نیت قضا باید
کرد و بعضی از مجتهدین بر انند که همیشه اداست پس اکر تاخیر شود
نیت قضا لازم نیست فصل ۷ در بیان انچه تعلق به تشهد دارد
وان هفده امر است نه امر واجب و هشت امر سنت و یک امر مکروه

اما نه امر واجب اول نشستن بقدر تشهد خواندن دویم در نک نمودن
سیم تشهد خواندن باین طریق اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد
وجایز است که به تشهد اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله
اللهم صل علی محمد وآل محمد اکتفا نماید چهارم اخراج حروف از مخارج
مقرر نمودن پنجم در اثنای تشهد سکوت طویل نکردن ششم کلام
اجنبی در میان نیاوردن ۷ بعد تشهد الحمد لله مکرر کفتن
اکر تشهد را نداند و وقت از یاد کرفتن تنک باشد ۸ تشهد را
بلند خواندن اکر پیش نماز باشد نهم اهسته خواندن اکر ماموم
باشد اما هشت امری که سنت است اول تورک نمودن بطریقی
که در نشستن ما بین دو سجده مذکور شد و دوم دستها را بر رانها
کذاشتن و سیم انکشتان را بهم چسبانیدن ۴ نظر بر کنار خود کردن

پنجم پیش از شروع در تشهد بسم الله وبالله وخیر الاسماء لله کفتن ۶
انکه بعد از کفتن واشهد ان محمدا عبده ورسوله بکوید ارسله بالحق
بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم
الرسول هفتم انکه بعد از اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته
فی امته وارفع درجته الحمد لله رب العالمین ۸ انکه در تشهد
دوم بعد از کفتن وان محمدا نعم الرسول بکوید التحیات لله الصلوة
الطاهرات الطیبات الزاکیات الغادیات الرایحات السابغات الناعمات
لله ما طاب وطهر وزکی وخلص وصفی فلله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا
ونذیرا بین یدی الساعة آیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی
القبور الحمد لله الذی هدانا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله
الحمد لله رب العالمین اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد

وآل محمد وسلم علی محمد وآل محمد وترحم علی محمد وآل محمد کما صلیت
وبارکت وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید اما
ان یک امر که مکروه هست اقعاست در حال تشهد و معنی اقعا در بحث سجود
مذکور شد فصل ۸ در بیان انچه تعلق بتسلیم دارد وان هفده امر است
پنج امر واجب و دوازده امر سنت اما پنج امر واجب اول نشستن بقدر
تسلیم دوم درنک نمودن با مقدار سوم کفتن السلام علیکم ورحمة الله
وبرکاته چهارم انکه تسلیم را بعد از فارغ شدن از تشهد بفعل آورد
پنجم انکه چنان بکوید که خود بشنود اکرچه بتقدیر باشد اما دوازده
امری که سنت است اول تورک نمودن بطریق تورک در تشهد دوم
کفها را بر رانها کذاشتن سیم انکشتان را بهم چسبانیدن چهارم
قصد بیرون رفتن از نماز کردن پنجم قصد سلام بر انبیا و ملائکه
وجمیع مومنین انس وجن کردن ۶ قصد کردن پیشنماز سلام بر

مأمومین در ضمن مؤمنین **هفتم** بلند کفتن پیشنماز سلام را

هشتم اهسته کفتن ماموم انرا و منفرد مخیّر است **نهم** انکه

پیشنماز و مأموم در وقت سلام دادن بجانب راست بروی

خود اشارة کند ١٠٠ انکه ماموم نوبة دیکر بجانب چپ سلام دهد

اکر در چپ او شخصی باشد و بعضی دیوار را در این سلام قایم مقام

شخصی دانسته اند ١٠١ انکه منفرد در وقت سلام بکوشهٔ چشم

راست اشارت کند ١٠٢ چون مصلی از سلام دادن فارغ شود

سنت است که بتعقیب اشتغال نماید سه نوبت الله اکبر کفتن

و در هر نوبة دستها را بنزدیك کوش رساند و بعد از ان بکوید

لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِلٰهًا واحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِلٰهًا واحِدًا

وَنَحْنُ لَهُ عابِدُونَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الْاَوَّلِينَ لا اِلٰهَ

اِلَّا اللهُ لا نَعْبُدُ اِلَّا اِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لا

اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِلٰهًا وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَصَدَقَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ

الْاَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ

الْخَيْرُ وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَافِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ

عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكاتِكَ سُبْحانَكَ لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي

كُلَّها جَمِيعًا فَاِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

عافِيَتَكَ فِي جَمِيعِ اُمُورِي كُلِّها وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْآخِرَةِ

وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَسُلْطانِكَ الْقَدِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرامُ وَقُدْرَتِكَ

الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجاعِ كُلِّها وَمِنْ شَرِّ

كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ

اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ

يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ

تَكْبِيرًا بعد از ان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا اورد و آن سی و چهار

نوبة الله اکبر و سی و سه نوبة الحمد لله و سی و سه نوبة سبحان الله است و از

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که تسبیح فاطمهٔ

زهراء در هر شبانروزی بعد از هر نماز دوست تر است نزد من از هزار

رکعت نماز که کذارده شود و باید که بعد از تسبیح فاطمه ع سورهٔ توحید

دوازده نوبت بخواند و بعد از ان دستها کشوده این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ وَ

اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطانِكَ الْقَدِيمِ يا واهِبَ الْعَطايا

يا مانِعَ الْبَلايا يا مُطْلِقَ الْاُسارى يا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُكَ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنِي

مِنَ الدُّنْيا سالِمًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعائِي اَوَّلَهُ فَلاحًا

وَاَوْسَطَهُ نَجاحًا وَآخِرَهُ صَلاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ بعد از ان

سجدهٔ شکر بجای اورد و ثواب آن بسیار است و از حضرة امام

جعفر صادق ع منقولست که هر که سجده کند و وضو داشته باشد

خدای تعالی ثواب ده نماز باو میدهد و ده کناه عظیم باو می بخشد

و باید که پیشانی را در وقت سجده بخاك كذارد و اکر خاك کربلا

باشد افضلست و ساق دستها و سینه و شکم را بر زمین رساند

و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ وَرُسُلَكَ

وَجَمِيعَ خَلْقِكَ اَنَّكَ اَنْتَ اللهُ رَبِّي وَالْاِسْلامَ دِينِي وَمُحَمَّدًا ص نَبِيِّي

وَعَلِيَّ ابْنَ اَبِي طالِبٍ ع وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا

وَمُوسى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدًا صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ اَئِمَّتِي

اَتَوَلّى وَمِنْ اَعْدائِهِمْ اَتَبَرَّءُ بعد از ان سه نوبة بکوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَنْشُدُكَ بِاِيوائِكَ عَلى نَفْسِكَ لِاَوْلِيائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ

انْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ص بعد از آن
سه نوبت بگوید اللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ بعد از آن جانب
راست روی خود را بر زمین گذارد و بگوید یا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ
وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ يَا بَارِئَ خَلْقِي رَبِّي وَكَانَ عَنْ خَلْقِي
غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ بعد از آن جانب چپ رو را بر سجده گاه گذارد و سه
نوبة بگوید يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي
مَجْهُودِي بعد از آن سه نوبة بگوید يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ بعد از آن نوبتی دیگر پیشانی بر سجده گاه گذارد
و صد نوبة شُكْرًا شُكْرًا بگوید و بعد از آن حاجت خود را
از خدای عز و جل بطلبد و چون سر از سجده بردارد دست
خود را سه نوبت بر سجده گاه گذارد و هر نوبت بر جانب چپ رو

و پیشانی و جانب راست رو بمالد و بگوید بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالسُّقْمِ
وَالْعُدْمِ وَالصَّغَارِ وَالذُّلِّ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ وَمَا بَطَنَ **مقصد دوم**
در نماز جمعه است بدانکه میانه مجتهدین در وجوب نماز جمعه در
زمان غیبت حضرة امام علیه السلام خلافست و اصح انست که مکلف
مخیر است میانه گذاردن نماز جمعه و نماز ظهر اما ثواب نماز جمعه بیشتر
ثواب از نماز ظهر است اولی انست که بجای نماز ظهر نماز جمعه گذارده شود
و اگر کسی خواهد که بجهة احتیاط ظهر را بعد از ان بگذارد جایز است
و از ان منعی نیست و نماز جمعه دو رکعتست مثل نماز صبح و از هشت کس
ساقط است اول زن ۲ بنده ۳ مسافر ۴ کور ۵ پیر عاجز و شلی که از راه
رفتن عاجز اید و کسی که از او تا جایی که نماز جمعه میگذارند زیاده
بر دو فرسخ باشد و اگر کسی از این جماعت حاضر شود غیر از زن نماز جمعه

از او ساقط نیست و انچه بنماز جمعه تعلق دارد سی امر است نه امر واجب
و بیست و یک امر سنت اما ان نه امر واجب اول ملاحظه وقت نماز
جمعه است و وقت ان از زوال افتاب تا وقتی که سایه که بعد از زوال
حاصل میشود مساوی شاخص شود و بعضی از مجتهدین بر انند
که وقت نماز جمعه مثل وقت ظهر است دوم انکه بجماعت گذارده
شود چه انفرادا نماز جمعه گذاردن حرام است سیم انکه جماعتی که
نماز جمعه میگذارند کمتر از پنج نفر نباشد که یکی از ان پنج نفر پیشنماز باشد
چهارم انکه پیشنماز یا غیر ان قبل از نماز جمعه دو خطبه بخواند که هر یک
مشتمل باشد بر حمد و ثنای خدای تعالی و صلوة بر پیغمبر و ال او و
وعظ و خواندن یک سوره کوتاه یا یک ایه تام الفایده ۵ انکه خطیب
در وقت خواندن خطبه ایستاده باشد ۶ انکه وضو داشته باشد ۷
انکه خطبه را به پنج نفر از حاضران یا زیاده بشنواند ۸ انکه

در مابین دو خطبه لحظه بنشیند نهم انکه هر گاه دو جماعت در دو جا
نماز جمعه گذارند واجبست که میانه ایشان یک فرسخ یا زیاده فاصله
بوده باشد پس اگر میانه ایشان کمتر از یک فرسخ باشد و هر دو به یکبار
شروع در نماز کرده باشند نماز هر دو باطل است و الا نماز سابق
صحیح است و نماز لاحق باطل اما ان بیست و یک امر که سنت است و
تعلق بنماز جمعه دارد اول غسل جمعه کردن چنانچه در باب طهارة
مذکور شد ۲ سر تراشیدن و لب زدن و خطمی شستن ۳
محاسن شانه کردن ۴ ناخن گرفتن ۵ سبال گرفتن ۵ بهترین
و پاکیزه ترین رخوت خود را پوشیدن ۶ خود را ببوی خوش معطر
ساختن ۷ قبل از زوال پیاده بمسجد رفتن ۸ انکه حاکم
جماعتی را که در زندان محبوس اند رخصت دادن که بنماز جمعه حاضر
شوند بعد از ان اگر حبس کردن ایشان موافق شرع باشد ایشان را بزندان

بازکرداند ۹ انکه خطیب عادل باشد ۱۰ انکه فصیح وبلیغ
باشد ۱۱ انکه در وقت خطبه خواندن بر شمشیر یا کمان یا عصا
تکیه کند ۱۲ انکه چون بر منبر در اید سلام بر حاضران کند ۱۳
انکه بعد از سلام اندکی بر منبر بنشیند که موذن اذان بگوید بعد از ان شروع
در خطبه کند ۱۴ انکه در تطویل خطبه بسیار نکنند ۱۵ انکه حاضران
در وقت خطبه خواندن حرف نزنند ۱۶ انکه متوجه شنیدن
خطبه باشند وبعضی از مجتهدین دو امر را واجب میدانند
۱۷ انکه پیشنماز در رکعت اول سورهٔ جمعه بخواند ودر رکعت
دوم سورهٔ منافقین ۱۸ انکه در رکعت اول قبل از رکوع قنوت بخواند
ودر رکعت دویم بعد از رکوع چنانچه در بحث قنوة مذکور شد
۱۹ انکه جهر نماید در قراءت وقنوة وذکر رکوع وسجود وتشهد وتسلیم
۲۰ نافله جمعه گذاردن قبل از نماز جمعه گذاردن وان بیست

رکعتست هر وقت از روز جمعه که خواهد تواند گذاشت وافضل انست
که شش رکعت بعد از طلوع افتاب باندک زمانی وشش رکعت قبل
از زوال باندک زمانی وشش رکعت بعد از ان باندک زمانی ودو رکعت
بعد از زوال مقصد سیوم در نماز عیدین یعنی نماز عید رمضان
ونماز عید قربان واین نماز واجبست بر جماعتی که نماز جمعه بر ایشان
واجبست هرگاه امام علیه السلام ظاهر شود ودر زمان غیبت
سنتست بر جماعتی که نماز جمعه از ایشان ساقط است وافضل انست
که بجماعت گذارده شود وان دو رکعتست بطریق نماز صبح ودر
رکعت اول پنج تکبیر قبل از رکوع بگوید وبعد از هر تکبیر قنوة کند
ودر رکعت دوم چهار تکبیر بهمان طریق بجا اورد وانچه باین نماز تعلق
دارد بیست یک امر است شانزده امر سنت وپنج امر مکروه واما
شانزده امر سنت اول ملاحظه نمودن وقتست وان از طلوع

افتاب روز عید است تا زوال دوم غسل کردن ۳ خود را معطر
کردن ۴ پیاده پا برهنه ذکر گویان بمصلی رفتن ۵ رندانیا را
بردن بطریق نماز جمعه که گذشت ششم نماز را بجماعت گذاردن
۷ خواندن سورهٔ سبح اسم الاعلی در رکعت اول وسورهٔ والشمس
در رکعت دوم ۸ بلند خواندن فاتحه وسوره ۹ این دعا بخواند در قنوة
اللّهمّ انت اهل الکبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة
واهل التقوی والمغفرة اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین
عیدا ولمحمد صلی الله علیه وآله وسلم ذخرا وشرفا وکرامة ومزیدا ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد وان تخرجنی
من کل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتک علیه و
علیهم اجمعین اللّهمّ انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون
واعوذ بک مما استعاذ بک منه عبادک المخلصون دهم انکه نماز بر

زمین واقع شود ۱۱ بعد از نماز دو خطبه خواند بطریقی که در نماز جمعه
گذشت ۱۲ انکه اگر عید رمضان باشد خطیب در اثنای خطبه
اداب فطره دادن را بیان کند واگر عید قربان باشد اداب قربان دادن را بیان
نماید ۱۳ انکه خطیب ایستاده خطبه را بخواند ۱۴ انکه این نماز
در صحرا واقع شود مگر در مکهٔ معظمه ۱۵ انکه در وقت برگشتن
از مصلی از راه دیگر برگردند واما ان پنج امر که مکروه است اول حرف زدن
در اثنای خطبه دوم سفر کردن بعد از طلوع فجر قبل از نماز عید
گذاردن سیوم بسلاح بسته بمصلا رفتن ۴ نافله گذاردن پیش
از نماز وبعد از نماز حتی تحیت مسجد مگر تحیت مسجد حضرة
رسالت پناه صلی الله علیه وآله ۵ منبر مسجد را بمصلی بردن
وسنتست که اگر عید قربان باشد بعد از برگشتن واگر عید رمضان
باشد پیش از رفتن بمصلا چیزی خوردن مقصد ۴ در نماز طواف

خانهٔ کعبه وانچه متعلق است چهار امر است دو امر واجب و دو امر
سنت اما دو امر واجب اول انکه اکر طواف واجب باشد این نماز را در پس
مقام حضرت ابراهیم عم کذارند یا در یکی از دو جانب ان و اکر طواف
سنت باشد در هر جا از مسجد که خواهند کذارند دوم انکه نماز را بعد از
طواف و قبل از شروع در سعی بکذارند و اما آن دو امر که سنت است
اول خواندن سورهٔ قل یا ایها الکافرون در رکعت دوم دوم انکه
بی فاصله نماز طواف کذارند مقصد ه در نماز ایات یعنی کسوف
وخسوف و زلزله و هر امر اسمانی که موجب خوف باشد مثل بادهای
سیاه و سرخ و مانند آن و این نماز دو رکعتست در رکعت
اول پنج رکوع واجبست باین طریق که چون بعد از تکبیر احرام فاتحه
و سوره را بخواند برکوع رود تا پنج نوبة و بعد از سر برداشتن از رکوع
پنجم دو سجده بجای اورد و رکعت دوم نیز باین طریق بکذارد

و بعد از تشهد سلام دهد و این نماز را باین صورة بجا آوردن افضلست
و جایز است که در هر رکعت بعد از فاتحه یك ایه از سوره بخواند
و برکوع رود و چون سر از رکوع بردارد از موضع قطع یك ایهٔ دیکر
بی فاتحه بخواند و برکوع رود و همچنین کند تا برکوع پنجم تمام شود و اول
وقت نماز کسوف و خسوف ابتداء کرفتن افتاب و ماه است و آخر وقت
شروع در انجلاست و سید مرتضی اول وقت را آخر انجلا میداند و
اکر شخصی این نماز را در وقت ترك کند از روی عمد پس اکر تمام
قرص افتاب یا ماه تاریك شده باشد قضا بر او واجبست و اکر
بعضی کرفته باشد قضا ندارد و بعضی از مجتهدین قضا را واجب
میدانند خواه تمام قرص کرفته باشد و خواه بعضی و نماز زلزله در
تمام عمر داست و باد سیاه و سرخ و امثال ان و بعضی از مجتهدین
برانند که اکر وقت نماز بمی کنجد نماز ساقط میشود و بعضی برانند

که ساقط نمیشود و بعضی برانند که اکر وقت کنجایش طهارت و یك رکعت
داشته باشد نماز واجبست و الا ساقط است تتمه هشت امر
سنت باین نماز متعلق است اول جهر نمودن مصلی در قرات
خواه در روز این نماز واقع شود و خواه در شب دوم خواندن سورهای
طویل مثل سورهٔ انبیا و سورهٔ کهف هر کاه دانند که وقت کنجایش
ان دارد سیوم الله اکبر کفتن بعد از سر برداشتن از رکوع مکر
رکوع پنجم و دهم که انجا سمع الله لمن حمده بکوید چهارم انکه این نماز را
در مسجد کذارد یا جایی که سقف داشته باشد پنجم قنوت کردن
بعد از رکوع پنجم و دهم ششم انکه مقدار زمان هر یك از رکوع و
سجود و قنوت مساوی زمان قرات باشد ۷ انکه بجماعت
کذارند خواه همه قرص کرفته باشد و خواه بعضی و شیخ ابن بابویه
برانست که اکر همه قرص کرفته نشده بجماعت کذاردن جایز نیست ۸

انکه اکر قبل از تمام انجلا از نماز فارغ شود نماز را اعاده کند و سید مرتضی
برانست که اعادهٔ نماز در این صورة واجبست و بدانکه اکر وقت یکی از
نمازهای یومیه جمع شود و وقت کنجایش هر دو داشته باشد مکلف
مخیر است در تقدیم هر کدام که خواهد و اکر وقت یکی مضیق است و وقت
دیکری موسع تقدیم انکه وقت او مضیق است نماید و اکر وقت نسبت
بهر یك مضیق باشد واجبست نماز یومیه و همچنین اکر این نماز جمع
شود با نماز میت یا نماز طواف خانهٔ کعبه و وقت یومیه داخل شود
جایز است که این نماز را قطع کند اکر وقت تنك باشد و بنماز یومیه
مشغول شود و چون سلام دهد این نماز را از انجا که قطع کرده با تمام
رساند مقصد ح در نماز میت و این نماز واجب کفایی است یعنی
هر کاه یك شخص بکذارد از همه ساقط میشود و نماز کردن بر میت وقتی
واجب میشود که این شخص مسلمان باشد یا در حکم مسلمان باشد

مثل اطفال مسلمانان بشرط انکه شش سال تمام کرده باشد واکر کمتر از
شش ساله باشد بر ایشان سنت است وکیفیت نماز انست که
مصلی بعد از نیت تکبیر احرام بجا آورد وبکوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله باز تکبیر دوم
بجا آورد وبکوید اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارك علی محمد وآل محمد
کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك
حمید مجید باز تکبیر سوم بجا آورد وبکوید اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات
تابع بیننا وبینهم بالخیرات انك مجیب الدعوات انك علی کل شیء
قدیر پس تکبیر چهارم بجای آورد پس اکر مؤمن باشد بکوید اللهم
هذا عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خیر منزول
به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان هذا

محسنا فزد فی احسانه وان کان هذا مسیئا فتجاوز عنه واحشره
مع من کان یتولاه من الائمة الطاهرین واکر مخالف ومعاند باشد بجای
این بکوید اللهم اجعل جوفه نارا وسلط علیه الحیات والعقارب
واکر میت مستضعف باشد یعنی مذهب حق را نداند وعناد نداشته
باشد بعد از تکبیر چهارم بکوید اللهم اغفر للذین تابوا واتبعوا سبیلك
وقهم عذاب الجحیم واکر اعتقاد میت را مطلقا نداند بعد از تکبیر
چهارم بکوید اللهم هذه النفوس انت احییتها وانت امتها اللهم
ولها ما تولت واحشرها مع من احبت واکر میت طفل باشد بعد از
تکبیر چهارم بکوید اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا وفرطا واجرا و
آخر نماز میت تکبیر پنجم است وبان ختم نماز میشود تتمه انچه باین نماز
تعلق دارد بعد از نیت وپنج تکبیر ودعا نزده امر است چهار امر واجب
دوازده امر سنت وسه امر مکروه اما چهار امر واجب اول انکه

اللهم ان هذا الطفل خلقته طاهرا وقبضته طاهرا

در وقت نماز کذاردن سر میت بجانب راست مصلی باشد پس اکر خلاف
این ظاهر شود اعاده نماز واجبست دوم انکه میت را در انوقت بر پشت
بخوابانند نه بر پهلو واکر خلاف ظاهر شود اعاده نماز باید کرد سیم انکه
نماز کذاردن بعد از تغسیل وتکفین باشد وبدانکه انچه درین نماز
مجزیست وکمتر از ان مجزی نیست انست که بعد از نیت وتکبیر احرام اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله بکوید وبعد از ان تکبیر دوم
اللهم صل علی محمد وآل محمد وبعد از ان تکبیر سوم اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات بکوید وبعد از تکبیر چهارم دعای میت بجا آورد وتکبیر پنجم
نماز را ختم کند اما دوازده امر که در این نماز سنت است اول انکه
مصلی مطهر باشد دوم انکه پیشنماز محاذی کمر میت بایستد اکر میت مذکر
باشد ومحاذی سینه میت ایستد اکر میت مؤنث باشد سیم انکه
کفش را از پای بیرون کند چهارم نزدیک ایستادن بحیثیتی که اکر باد

وزد دامن مصلی بتابوت رسد پنجم انکه مصلی در هر یك از پنج تکبیر
دستها را بنزدیك کوش رساند ششم انکه این نماز را بجماعت کذارند
هفتم انکه اکر ماموم همین یکنفر باشد در پس سر پیشنماز ایستد اما
در غیر این نماز سنت است که در جانب راست پیشنماز ایستد
۸ ایستادن در صف اخر جماعت که ثواب ان بیشتر است ۹
نماز کذاردن بر طفلی که کمتر از شش ماه داشته باشد بشرط انکه زنده از
رحم جدا شده باشد پس اکر در رحم زنده بوده ومرده جدا شده نماز براو
سنت نیست دهم انکه نماز میت در روز کذارند اکر عذری نباشد
۱۱ انکه مرد را بجانب مصلی کذارند وزن را بجانب قبله اکر جمع شوند
بنوعی که سینه زن محاذی کمر مرد باشد واکر طفلی کمتر از شش سال داشته
با ایشان جمع شود از زن مؤخر کذارند وبر هر سه یک نماز جایز است
ودعا جهت هر یك بطریقی که مذکور شد بجا آورد واکر هر سه را در یك

دعا شریک سازد جایز است مثل آنکه بگوید اللهم ارحم هؤلاء الاموات
۲ آنکه چون از نماز فارغ شود پیشنماز در مکان خود بایستد تا تابوت را
بردارند اما آن سه امر که مکروه هست اول نماز میت در مسجد کذاردن
دوم فاتحه یا سوره در این نماز خواندن هرگاه تقیه نباشد ۳ سلام
دادن را در این نماز مکروه میدانند و این نماز را جنب و زن حایض
میتواند کذارد چنانکه در باب طهارة مذکور شد مقصد هفتم
در نمازی که بنذر واجب میشود یا بعهد یا سوگند شرط نمازی که
بیکی از این امور واجب میشود آنست که کیفیت آن مخالف کیفیت
نمازهای متعارف شرع نباشد پس اگر نذر کند که پنج رکعت بیک
سلام بکذارد یا دو رکعت بچهار رکوع آن نذر باطل است اما
اگر نذر کند سه رکعت بیک سلام کذاردن در صحت این نذر
خلافست واضح صحت است و اگر نذر کند که نماز عید را یا نماز

کسوف را در غیر وقت خود بکذارد اولی عدم صحت است و اگر
شخصی نماز واجب را مثل یکی از نمازهای یومیه نذر کند نماز
او صحیح است و وجوب آن موکد میشود پس اگر بجا نیاورد کفاره
بر او لازم است و مقدار کفاره در باب نذر مذکور میشود و
چون کفاره دهد گناه مخالفت نذر تخفیف می یابد اما گناه ترک
نماز بحال خود باقیست و بکفاره دادن تخفیف نمی یابد و اگر شخصی
نذر دو رکعت از نمازهای نافله کند بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که
واجبست که در هر رکعت بعد از فاتحه سوره بخواند هر چند در نافله سوره واجب
نیست و اگر شخصی نذر کند که هر روز دو رکعة نماز بکذارد و
یکروز عمدا ترک کند نذر او برطرف میشود و لازم نیست
و اگر نذر کند که سجده بجا آورد نذر او صحیح است اما اگر نذر کند
که رکوع یا تکبیر الاحرام بجا آوردن آن باطل است مقصد ۸

در نمازی که باجاره واجب شود هرگاه در ذمت شخصی نماز واجب باشد
واجبست که وصیت کند که شخصی را اجاره کنند که نمازی که در ذمت
اوست بکذارند و آن وقتیست که آن شخص پسر نداشته باشد که
اگر پسر دارد قضای نماز پدر بر اوست چنانکه بعد از این مذکور خواهد
و بر پدر واجبست که پسر را مطلع سازد و چون شخصی را بجهة قضای
نماز میت اجاره گیرند اجاره را از ثلث متروکات او اخراج باید کرد
و اگر وصیت نکند بر ورثه لازم نیست که اخراج بکنند و بعضی از
از مجتهدین برآنند که وجه اجاره نماز را بطریق وجه اجاره حج از
اصل ترکه باید داد خواه میت وصیت کرده باشد و خواه نکرده باشد
و کسی را که باجاره میگیرند می باید که مسایل ضروری نماز را بداند و
عادل و عاجز از بعض افعال نماز مثل قیام و غیر آن نباشد و واجب
نیست که بعد از وقوع اجاره علی الفور بان اشتغال نماید و یا اکثر

اوقات بان مشغول باشد بلکه همین قدر کافیست که بعضی اوقات
بجا آورد بحیثیتی که بحسب عرف گویند که بان اشتغال دارد
و کاهلی نمیکند و جایز است که دو شخص را یا زیاده بجهة نماز یک شخص
اجاره کرد اما وقت نماز هر یک از آن جماعت می باید که معین باشد
تا دیگری در آن وقت بقضای نماز میت اشتغال نماید و نماز او تبرع
قضا شود و چون مرد خود را بجهة قضاء نماز زن باجاره دهد مخیرست
میانه جهر و اخفات همچنین اگر زن خود را بجهة نماز قضای مرد باجاره
دهد بشرط آنکه نامحرم آواز او را نشنود بتفصیلی که قبل از این
مذکور شد مقصد ۹ در نمازی که از پدر فوت شده باشد قضا بر پسر
واجبست بدو شرط شرط اول آنکه میت را پسری از او بزرگتر نباشد
پس اگر بزرگتر باشد بر کوچک واجب نیست اما اگر دو پسر داشته
باشد یا زیاده که همه در سن برابر باشند واجبست که نماز پدر را

بالسویه قضا کنند واکر یک نماز باقی ماند مثل انکه چهار
پسر او بماند و پنج نماز از او فوة شده باشد در این صورة قضای
ان یک نماز بر ایشان واجب کفاییست یعنی هر کدام که بجا آورد از دیکران
ساقط می شود **شرط ۳** انکه پدر وصیت نکرده باشد که شخصی غیر
پسر بزرکتر بجهة نماز استیجار کنند که اکر وصیت کرده باشد در
اینصورة قضای نماز پدر بر پسر بزرکتر نیست و بعضی از مجتهدین
شرط ثالث کرده اند و او انست که انماز بواسطهٔ بیماری یا عذری از او
فوة شده باشد پس اکر عمدا بی عذری از او فوة شده باشد قضای ان
بر پسر واجب نمیباشد و بعضی دیکو شرط رابع کرده اند و این انست
که پسر بزرکتر در وقت فوة پدر بالغ و عاقل باشد که اکر طفل یا مجنون
باشد قضای نماز پدر را بعد از بلوغ و عقل بر و واجب نمیباشد
مطلب دوم در نمازهای سنتی و انواع ان بسیار است و در این کتاب

بیست و چهار نماز مذکور میشود چنانچه قبل ازین کفته شد
نوافل یومیه
اوّل نوافل یومیّه که هر شبانه روزی کذاردن ان سنت است
وان سی و چهار رکعست هشت رکعت نافلهٔ ظهر است مقدّم
بر ظهر و هشت رکعت نافلهٔ عصر است مقدّم بر عصر و چهار رکعت
نافلهٔ مغربست بعد از مغرب و دو رکعت نشسته که یکی
حسابست وانرا وتیره کویند که نافلهٔ خفتن است بعد از
خفتن و هشت رکعت نماز شبست و دو رکعت نماز
شفع است و یک رکعت نماز وتر و دو رکعت نماز نافلهٔ صبح است
واوّل وقت نماز نافلهٔ ظهر زوال افتابست واخران وقتیست که
سایهٔ شاخص بمقدار دو قدم برسد و مراد از قدم هفت یک
واوّل وقت نافلهٔ عصر فارغ شدنست از نماز ظهر که در اوّل
وقت کذارده شود وان اخر وقتیست که سایهٔ شخص بمقدار

چهار
قدم برسد واوّل وقت نافلهٔ مغرب فارغ شدن از نماز شام است
که در اوّل وقت کذارده شود واخران برطرف شدن سرخیست
که در جانب مغرب بهم میرسد واول وقت نافلهٔ خفتن فارغ
شدنست از نماز خفتن که در اوّل وقت کذارده شود واخر
آن نصف شبست و وقت نماز شب از نصف شبست تا طلوع
فجر دوم و هر چند بفجر نزدیکتر باشد افضل است واکر بعد از کذاردن
چهار رکعت باقی را مخفّف بکذارد واکر بعد از کذاردن کمتر از چهار
رکعت طالع شود قطع کند و بنماز صبح اشتغال نماید و جایز است
که نماز شب را در اوّل شب بکذارد و هر کاه ترسد که در نصف
شب بیدار نشود و وقت نماز شب و وتر بعد از فراغ
از نماز شبست وافضل آنست که شفع و وتر را در مابین
فجر اوّل و فجر ثانی بجا آورند و وقت نافلهٔ صبح بعد از
از نافلهٔ شب ... چهار در

فارغ شدنست از شفع و وتر و وقت ان میکشد تا پیدا
اداب نوافل یومیه [illegible]
شدن سرخی مشرق وادعیه واداب نوافل یومیه بسیار است
وانرا در کتاب مفتاح الفلاح مذکور میشود و در این کتاب
انچه اهم است مذکور میسازیم بدانکه چون زوال متحقّق شود یعنی
وقت ظهر داخل شود باید این دعا را که حضرت امام محمّد باقر صلعم
تعلیم محمد بن مسلم داده و فرموده که محافظت بران کنید چنانچه
بر چشمان خود میکنید بخواند وان دعا اینست سُبحانَ الله
وَلا اِلٰهَ اِلّا الله وَالحَمدُ لِله الّذي لَم یَتَّخِذ وَلَدًا وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ
فِي المُلکِ وَلَم یَکُن لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیرًا بعد از ان وضو سازد
وشروع در نافلهٔ کند و در اوّل تکبیرات سبعه افتتاحیه را
با ادعیهٔ ان بطریقی که در فصل تکبیر احرام مذکور شد بجا اورد و
بعد از فاتحه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و بعد از رکعت دوم بعد از

فاتحه قل یا ایها الکافرون پس سلام دهد و بعد از سلام سه تکبیر بگوید
و تسبیح فاطمهٔ زهرا علیها السلام بجا آورد و این دعا بخواند اللهم
انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی و الخیر بناصیتی و اجعل
الایمان منتهی رضای و بارک لی بلغنی برحمتک کل الذی ارجوا
مثل و اجعل لی ودا و سرورا للمؤمنین و عهدا عندک پس دو رکعت
دیگر نافلهٔ ظهر را بگذارد بطریقی که ذکر شد سوی شش تکبیر
و ادعیه ان پس دو رکعت دیگر را نیز باین طریق بگذارد و بعد از
رکعت از این شش رکعت آنچه میسر باشد از تعقیب نماز بجا آورد
و بعد از آن اذان ظهر بگوید و بعد از آن این دو رکعت دیگر نافلهٔ
ظهر را باین طریق بجا آورد و بعد از فارغ شدن از نماز ظهر و متعلقات
شروع کند در نافلهٔ عصر و در هر رکعت بعد از فاتحه هر سوره که
خواهد بخواند و چون از دو رکعت اول فارغ شود این دعا بخواند اللهم

انه لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الکریم الخالق
الرازق المحیی البدیع لک المن و الکرم و لک الجود و لک الامر وحدک
لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا لم یلد و لم یولد و لم یکن له
کفوا احد و لم یتخذ صاحبة و لا ولدا صل علی محمد و آل محمد پس حاجت
خود را از خدا بخواهد بعد از آن دو رکعت دیگر نافلهٔ عصر را بگذارد
بطریق دو رکعت اول و این دعا بخواند اللهم رب السموات
السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن
و رب العرش العظیم و جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و رب
السبع المثانی و القرآن العظیم و رب محمد خاتم النبیین صل الله
علی محمد و آله اسئلک باسمک الاعظم الذی یقوم السموات و
الارض و به یحیی الموتی ترزق الاحیاء بین مجتمع و تجمع بین المفترق و
به احییت عدد الاجال و وزن الجبال و اکیل البحار اسئلک یا من

یا من هو کذلک ان تصلی علی محمد و آل محمد پس حاجت خود را بخواهد
و دو رکعت دیگر بگذارد باین طریق و بعد از آن این دعا بخواند اللهم
انی ادعوک بما دعاک به عبدک یونس ع اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبت له و نجیناه من الغم و کذلک
ننجی المؤمنین فانه دعاک و هو عبدک و اسئلک و هو عبدک و
اسئلک و هو عبدک و انا اسئلک و انا عبدک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تستجیب له و ادعوک بما دعاک به عبدک ایوب
اذ مسه الضر فقال رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین
و استجبت له و کشفت ما به من ضر و آتیته اهله و مثلهم
معهم فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و اسئلک و هو
عبدک و انا اسئلک و انا عبدک ان تصلی علی محمد و آل محمد

و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی کما استجبت له
و ادعوک بما دعاک به یوسف اذ فرقت بینه و بین اهله و هو فی
السجن فانه دعاک و هو عبدک و انا ادعوک و انا عبدک و اسئلک
و انا ادعوک و انا عبدک و انا اسئلک انا عبدک ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تفرج عنی کما فرجت عنه و ان تستجیب لی کما
استجبت له و صل علی محمد و آل محمد پس حاجت خود را بخواهد و بعد از آن
دو رکعت دیگر نافلهٔ عصر را بگذارد و این دعا بخواند یا من اظهر
الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا
کریم الصفح یا عظیم المن یا حسن التجاوز و یا واسع المغفرة یا
باسط الیدین بالرحمة یا سامع کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا مبتدئ
بالنعم قبل استحقاقها یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا سیداه یا سیداه یا غایة
رغبتاه یا ذا الجلال و الاکرام اسئلک بحق محمد و آل محمد و علی و

وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَ
عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامُ اللهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ كَرْبِي
وَتَغْفِرَ ذُنُوبِي وَتُنَفِّسَ هَمِّي وَتُفَرِّجَ غَمِّي وَتُصْلِحَ شَأْنِي فِي دِينِي
وَدُنْيَايَ وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَلَا تَشْوِهْ خَلْقِي بِالنَّارِ وَلَا تَفْعَلْ
مَا أَنَا أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس اذان واقامت بگوید
از برای نماز عصر و بعد از گذاردن نماز عصر تعقیب بجا آورد
و بعد از ان بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ
عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا
وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلَوةٍ

لَا تُرْفَعُ
وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَالْفَرَجَ
بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَ
حْدَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وسنت است که
بعد از نماز عصر هفتاد نوبت استغفار کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ده نوبت بخواند و بعد از ان دو سجده شکر بجا آورد
بطریقی که قبل ازین مذکور شد و باید که آخر دعاهائی که بعد از
نماز عصر بخواند این دعا بخواند باشد اَللَّهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ إِلَيْكَ وَ
أَقْبَلْتُ بِدُعَائِي عَلَيْكَ وَاجِبًا إِجَابَتَكَ طَامِعًا فِي مَغْفِرَتِكَ
طَالِبًا مَا أَوْفَيْتَ بِهِ عَلَى نَفْسِكَ مُسْتَنْجِزًا وَعْدَكَ إِذْ تَقُولُ اُدْعُونِي
وَاسْتَجِبْ دُعَائِي يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ فصل چون وقت نماز مغرب داخل
شود باید که بی تاخیر متوجه نماز مغرب شود بجهة انکه مضیق است
چنانکه قبل ازین مذکور شد بعد از انکه نماز مغرب را بگذارند

و دو تعقیب را بطریقی که مذکور شد بجا آورد و سه نوبت بگوید
اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ پس نافلهٔ مغرب را
بگذارد و از ائمهٔ معصومین سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مبالغه
و تاکید در گذاردن نافلهٔ مغرب بسیار است چنانچه حضرت
امام جعفر الصادق صلوات الله علیه روایت کرده که انحضرة
فرموده بحارث بن مغیره که ترک مکن چهار رکعت را بعد از مغرب
در سفر و در حضر اگرچه گریخته باشی از اعدا و ایشان در عقب تو باشند
و مکروهست حرف زدن در میانهٔ نماز مغرب و نافلهٔ ان و همچنین
مکروهست حرف زدن در میانهٔ چهار رکعت نافلهٔ مغرب و
هرگاه وقت ان فوت شود قضا کند و چون شروع کند در نافلهٔ مغرب
هفت تکبیر افتتاحیه را با ادعیهٔ ثلاثه بجا آورد و در رکعت اول
بعد از حمد سورهٔ قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ سه نوبت نوبت بخواند و در رکعت

دوم اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ یکبار و اگر خواهد در رکعت اول قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخواند
و در رکعت دوم سورهٔ قل هو الله و اگر خواهد در هر رکعت اکتفا
بالحمد نماید جایز است همچنانکه در سایر نوافل و باید که قرائت در نافله
و در جمیع نوافل شب بلند بخواند و بعد از فارغ شدن این دعا بخواند
اَللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَإِنَّ إِلَيْكَ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى
وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَا وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى اَللَّهُمَّ إِنِّي نَعُوذُ بِكَ
أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ
النَّارِ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ أَوْسَعَ
رِزْقِي عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَأَحْسَنَ عَمَلِي عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي وَأَطِلْ فِي طَاعَتِكَ
عُمْرِي وَمَا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ عُمْرِي وَأَحْسِنْ
فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَأُمُورِي وَمَعْرِفَتِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

وتفضل علي بقضاء جميع حوائجي الدنيا والاخرة وابدأ بوالدي و
ولدي وجميع اخواني المؤمنين في جميع ما سألتك لنفسي برحمتك يا ارحم
الراحمين پس شروع کند در دو رکعت اول ازاین دو رکعت این چند
ایه از سوره حدید بخواند بسم الله الرحمن الرحيم سبح لله ما في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم له ملك السموات والارض يحيي و
يميت وهو على كل شيء قدير هو الاول والاخر والظاهر والباطن
وهو بكل شيء عليم هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام
ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما
ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اينما كنتم والله بما
تعملون بصير له ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور
يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات
الصدور و در رکعت اخر سوره حشر را بخواند لو انزلنا هذا

ویکی ازانها و در رکعت

القرآن

القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك
الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا
هو عالم الغيب والشهادة وهو الرحمن الرحيم هو الذي لا اله الا هو الملك
القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح
له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم و در سجده اخر ازاین
دو رکعت هفت نوبت بگوید اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم
واسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي
ذنبي العظيم انه لا يغفر العظيم الا الاعظم پس دو سجده شکر بجا آورد
و بگوید انچه قبل ازین در سجده شکر مذکور شد اگر در هر یک شکرا
شکرا بگوید کافیست بعد ازان دو رکعت نماز غفیله بگذارد
و کیفیت این عنقریب مذکور خواهد شد و چون سرخی از جانب

مغرب برطرف شود و از نماز خفتن فارغ شود تعقیب بجا آورد
و این دعا بخواند اللهم بحق محمد وآل محمد لا تؤمنا مكرك ولا
تنسنا ذكرك ولا تكشف عنا سترك ولا تحرمنا فضلك ولا تحل علينا
غضبك ولا تباعدنا من جوارك ولا تنقصنا من رحمتك ولا تنزع
عنا بركاتك ولا تمنعنا عافيتك واصلح لنا ما اعطيتنا وزدنا من
فضلك المبارك الطيب الحسن الجميل ولا تغير ما بنا من نعمتك
ولا تؤيسنا من روحك ولا تهنا بعد كرامتك ولا تضلنا بعد اذ
هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب پس هر یک
از فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس ده نوبت بخواند و ده نوبت بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر ده نوبت بگوید اللهم افتح لي ابواب رحمتك واسبغ
علي من حلال رزقك ومتعني بالعافية ما ابقيتني في سمعي

وبصري

وبصري وجميع جوارحي اللهم ما بنا من نعمة فمنك لا اله الا انت
استغفرك واتوب اليك يا ارحم الراحمين پس دو سجده شکر بجا
آورد و بعد ازان دو رکعت وتیره را نشسته بگذارد و ایستاده نیز
جایز است و هفت تکبیر احرام افتتاحیه را با ادعیه ثلثه بجا آورد
و در رکعت اول بعد از فاتحه سوره توحید و بعد از فارغ شدن
حاجت خود را بخواهد **فصل** در بیان اداب نماز شب چون
بنده مومن از خواب بیدار شود اول چیزی که باید بکند آنست
که سجده کند پس بگوید در سجود یا بعد از سر برداشتن از سجود
الحمد لله الذي احياني بعد ما اماتني واليه النشور الحمد لله الذي رد
علي روحي لاحمده واعبده پس چون خواهد که شروع در نماز شب
کند این دعا بخواند اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة وآله
واقدمهم بين يدي حوائجي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة

نماز اول با سوره واقعه خواند و در دوم بعد از فاتحه سوره

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِهِمْ وَلَا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَلَا تُضِلَّنِي عَنْهُمْ وَ
اَهْدِنِي بِهِمْ وَاقْضِ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
پس افتتاح کند رکعت اول را از نماز شب به تکبیرات سبعه و
وادعیه ثلاثه وافضل انست که در رکعت اول بعد از حمد و سوره
قل یا ایها الکافرون و در شش رکعت دیگر از نماز شب سورهای
دراز مثل سوره انعام و کهف و انبیا و اگر وقت تنگ باشد کافیست
خواندن الحمد و قل هو الله در هر رکعت و جایز است که اختصار بحمد
تنها کند همچو سایر نوافل بدانکه اتفاق کرده اند علما ما قدس الله ارواحهم
برانکه قنوت همچنانکه سنت است در تمامی نمازهای واجبی سنت است
در هر رکعتی از نوافل مگر رکعت دوم شفع که در او قنوة نیست
بلکه قنوت در رکعت سوم که از او تر گویند چنانکه عنقریب
مذکور میشود کافیست از قنوت برانکه بگوید اللهم اغفر لنا

قل هو الله احد را سی (؟) نوبت بخواند و در رکعت دوم شفع سوره

وارحمنا

وَارْحَمْنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وسنت است بلند خواندن قنوة اگر در نوافل روز باشد و همچنین است
تطویل قنوة اگرچه در نماز شب که وقت ان وسیع است و از قنوتهای
مختصر است که سزاوارتر است که در نماز واجب و سنت خوانده شود
اینست اللهم کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف لا ادعوک وقد
عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَاِنْ كُنْتُ عَاصِيًا مَدَدْتُ اِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً
وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً مَوْلَايَ اَنْتَ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ وَاَنَا الْاَسِيرُ
الْاُسَرَاءِ وَاَنَا الْاَسِيرُ بِذَنْبِي الْمُرْتَهَنُ بِجُرْمِي اِلَهِي لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِجُرْمِي
لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ اَمَرْتَ بِي اِلَى النَّارِ لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَهَا اَنِّي كُنْتُ
اَقُولُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ اللَّهُمَّ اِنَّ طَاعَتَكَ تَسُرُّكَ وَالْمَعْصِيَةَ
لَا تَضُرُّكَ فَهَبْ لِي مَا يَسُرُّكَ وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و
سنت است که میانه هر دو رکعت از هشت رکعت از نماز شب این دعا

بِذَنْبِي لَاُطَالِبَنَّكَ
بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي

بخواند اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ وَلَمْ يُسْئَلْ مِثْلُكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْئَلَةِ
السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ اَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ وَ
اَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ اِلَى مِثْلِكَ وَاَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَاَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ وَاَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَبِاَكْرَمِ
اَسْمَائِكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً وَاَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً
وَاَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا وَاَسْرَعِهَا فِي الْاُمُورِ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ
الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوِيهِ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ وَ
بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ حَمَلْتَهُ فِي التَّوْرَيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ
بِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ
وَاَهْلِ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فَرَجَ وَ
لِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاَنْ تَجْعَلَ خِزْيَ اَعْدَائِهِ بعد از ان حاجت خود را

بخواهد

بخواهد و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجا آورد و بعد از ان دو سجده
شکر کند و در یکی از ان دو سجده این دعا بخواند که منسوبست بحضرة امام
زین العابدین صلوات الله علیه اِلَهِي بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ اَنِّي
مُنْذُ بَدَعْتَ فِطْرَتِي مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ عَبَدْتُكَ دَوَامَ خُلُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي
كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْاَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ اَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقَصِّرًا
فِي بُلُوغِ اَدَاءِ شُكْرِ خَفِيِّ نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ وَلَوْ اَنِّي كَرَبْتُ مَعَادِنَ حَدِيدِ الدُّنْيَا
بِاَنْيَابِي وَحَرَثْتُ اَرْضَهَا بِاَشْفَارِ عَيْنِي وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ
بُحُورِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرَضِينَ دَمًا وَصَدِيدًا لَكَانَ ذَلِكَ قَلِيلًا
فِي كَثِيرِ مَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْ عُقُوبَتِكَ پس ده نوبت بگوید یا الله یا الله و
این دعا بخواند صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ
نَبِيِّكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ **فصل** و بعد از فارغ شدن از هشت رکعت

نماز شب وادعیهٔ ان شروع کند در دو رکعت شفع و مفرده وتر
وافضل اوقات ان مابین فجر اول وثانی است ودر هر رکعتی از رکعت
دوم شفع بعد از حمد سورهٔ توحید بخواند واکر خواهد در رکعت
اول سورهٔ قل اعوذ برب الفلق ودر رکعت دوم قل اعوذ برب الناس
بخواند وبعد از سلام دادن این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ تَعَرَّضَ لَكَ فِي
هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ
وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا
وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَىٰ مَنْ تَشَاءُ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ
وَهَا اَنَا ذَا عَبْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ فَاِنْ
كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ عَلَىٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ
بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ
الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ

او باشد واجبست علی الفور بجا آورد واو را واجب نیست که هیچ امر مباح
یا سنتی اشتغال نماید تا وقتی که ذمهٔ خود را از همه نمازها فارغ سازد
امّا جمعی کثیر از مجتهدین در این مسئله با سید مرتضی موافقت نکرده اند
فصل در احکام اذان گفتن چون وقت هر یک از نمازهای پنجکانه
داخل شود اذان کفتن سنت مؤکد است خصوصاً از برای نمازی که قرائت
انرا بلند باید خواندن وبعضی از مجتهدین اذانرا از برای این واجب میدانند
بلکه اذانرا از برای هر یک از نمازهای پنجکانه واجب میدانند وبعضی
از برای نماز صبح ومغرب واجب میدانند پس اذان از برای غیر نمازهای پنجکانه
سنت نیست بلکه حرامست امّا سنت که سه فصل الصلوة کفته
ودر اذان کفتن جهة نماز یومیه ثواب عظیم است واحادیث در این
باب از حضرت رسالت پناه ص وحضرات ائمهٔ معصومین صلوات الله
وسلامه علیهم اجمعین بسیار است مثل آنکه در حدیث آمده که هر که

شهری از شهرهای اسلام اذان کوید بهشت از برای او واجب میشود
وبدانکه لازم نیست که مؤذن بالغ باشد پس اکر طفلی ممیز اذان کوید کافیست
واذان زن برای مردانی که محرم او باشند جایز است بشرط آنکه نامحرم آواز
او را نشنود امّا اکر زن بسیار پیر باشد واز آواز او حظی نباشد جایز است
که آواز او را مرد نامحرم بشنود تتمه آنچه باذان متعلق است سی امر است
پانزده امر سنت ونه امر مکروه ودو امر حرام امّا پانزده امر که سنت است
اول آنکه اذانرا در اول وقت کویند دوم آنکه مؤذن در وقت اذان
کفتن رو بقبله باشد سیم آنکه اذانرا بلند کویند ٤ آنکه ایستاده
اذان کوید ٥ آنکه در وقت اذان کفتن با وضو باشد ٦ آنکه در جای
بلند بایستد ٧ آنکه دو انکشت خود را در کوش کند ٨ آنکه اذانرا بتانی
بکوید نه بشتاب ٩ آنکه آخر هر فصلی سکون قلیل نماید ١٠ آنکه اختیار
مؤذنی کند که عدالت داشته باشد ١١ آنکه مؤذن وقت شناس باشد

١٢ آنکه خوش آواز باشد ١٣ حرف نزدن در وقت اذان شنیدن
١٤ دانستن مؤذن مسایل اذانرا بطریقی که علما قرار داده اند
ومذکور شد ١٥ صلوة فرستادن مؤذن وکسی که اذان میشنود
در وقت نام بردن حضرت رسالت پناه ص وشیخ ابن بابویه صلوة را
مطلق واجب میداند هر کس که نام آن حضرترا بشنود واین قول قوة دارد
١٦ اظهار کردن مؤذن در لفظ الله واله واشهد والصلوة
١٧ اظهار کردن مؤذن حرف حا را در لفظ الفلاح ١٨ آنکه هر چه
مؤذن از فصول اذان کوید شنونده نیز آنرا بکوید ١٩ اعاده نمودن مؤذن
اذان صبح را اکر قبل از طلوع فجر آورده باشد امّا آن نه امری که در اذان
مکروه است اول حرف زدن مؤذن در اثنای اذان دوم سکوت طویل
در اثنای اذان ٣ نکاه کردن مؤذن جانب راست وچپ ٤ هر یک
از شهادتین را زیاده بر دو بار کفتن چنانکه مخالفان می کنند ٥ اذان کفتن

در وقت راه رفتن ۶ سواره اذان گفتن ۷ اذان گفتن جهة عصر روز
جمعه ۸ اذان گفتن جهة عصر روز عرفه شخصی که حج میکذارد
۹ اذان گفتن جهة عشا در مشعر الحرام شخصی را که حج میکذارد
وبعضی از مجتهدین اذان گفتن را در این سه جا حرام میدانند اما
ان دو امر که حرام است اول اذان گفتن قبل از انکه وقت نماز داخل شود
مکر نماز صبح که قبل از طلوع فجر جایز است دوم الصلوة خیر من
النوم در اذان صبح مکر بواسطه تقیه که نزد مخالفان سنت است فصل
اقامت بعد از اذان سنت مؤکد است و بدانکه اذان ثواب عظیم دارد
و اقامت بیش از آنست و سنت است که آواز در اقامت بلند نکند
و ثانی در ان سنت نیست بلکه ترک ثانی سنت است و سید مرتضی اقامت
را در همه نمازهای پنجگونه واجب میداند و بی وضو اقامت گفتن حرام
میداند و ایستادن را در ان واجب میداند و بعضی مجتهدین حرام

باشد بعد از گفتن قد قامت الصلوة حرف زدن مکر حرفی که بنماز تعلق داشته
باشد مثل التماس کردن حاضران شخصی که پیشنمازی ایشان کند یا امر کردن
مأمومین را بانکه صفهای خود را راست بدارند و مانند این و بدانکه هر گاه
شخصی اذان و اقامت را بجا نیاورد و داخل نماز شود سنت است که نماز را
قطع کند و هر دو را بجا آورد و نماز را از سر گیرد و این مشروط بر پنج شرط است
اول انکه بسهو ترک اذان و اقامت کرده باشد نه بعمد دوم انکه رکوع نکرده
باشد ۳ انکه هنوز در رکعت اول باشد ۴ وقت نماز انقدر تنگ نشده
باشد که تلافی اذان و اقامت نماید بعضی از نماز بخارج وقت واقع میشود ۵
انکه لازم بیاید که بعضی از نماز در مکان یا در جامه غیر مباح واقع شود
مثل انکه صاحب خانه یا صاحب جامه گوید که رخصت است که دو رکعت
نماز در جامه من یا در خانه من بگذاری و زیاده بر دو رکعت رخصت نیست
در این صورة جایز نیست که نماز را که نماز را قطع کند و بعد از گفتن

و بعد از گفتن اذان و اقامت از سر گیرد بجهة آنکه آخر نماز در مکان غیر مبـ
یا در جامه غیر مباح واقع خواهد شد و واجبست که چون خواهد که
بواسطه تلافی اذان و اقامت نماز را قطع کند بگوید السلام علیك ایها
النبی و رحمة الله و برکاته و هر گاه در اثنای اذان از مؤذن حدث سر زند
سنت است که اذان را قطع کند و وضو بسازد و اذان را از انجا که قطع کرده
باتمام رساند و لازم نیست که اذان را از سر گیرد اما اگر در اثنای اقامت
حدث واقع شود اقامت را از سر گیرد و سنت که ما بین اذان و اقامت
فاصله واقع شود بقدر دو رکعت نماز یا یک سجده یا به یک نشستن یا به یک
گام برداشتن یا گفتن سبحان الله و الحمد لله و اگر فاصل بسجده یا نشستن
کند در اثنای آن این دعا بخواند اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا
و رزقی دارا و عملی سارا و اجعلنی عند قبر رسولك صلى الله علیه
و آله مستقرا و قرارا در وقت نشستن این دعا بخواند سبحان من لا یبید

معالمه سبحان من لا ینسی ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس
له حاجب یرشی و لا بواب یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسما
سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا
کرما و جودا سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره بعد از اقامت این دعا
بخواند اللهم رب هذه الدعوة التامة و الصلوة القائمة بلغ محمدا صلی الله
علیه و آله الدرجة و الوسیلة و الفضیلة بالله استفتح و بالله استنجح
و بمحمد صلی الله علیه و آله اتوجه اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی
بهم عندك وجیها فی الدنیا و من المقربین مبحث چهارم در ملاحظه
نمودن قبله بدانکه شخصی که نماز میگذارد از دو حال بیرون نیست
یا در اندرون خانه کعبه یا در خانه کعبه انقدر نزدیکست که اگر خواهد
خانه کعبه را تواند دید یا از شهر مکه انقدر دور است که دیدن خانه کعبه
او را میسر نیست پس اگر در اندرون خانه کعبه است بهر طرف که خواهد

نماز كذارد نماز او صحيح است بلكه در نمازهاي سنّتي چهار ركعت
ميتواند در هر ركعتي رو بديواري كرد از ديوارهاي كعبه بشرط آنكه
فعل كثير لازم نيايد واكر بر بام خانهٔ كعبه باشد نيز اين حكم دارد امّا واجب
كه اينچنان باشد كه در وقت سجده كردن از بام خانهٔ كعبه قدري در قبله
او باشد وهمچنين اكر در اندرون خانهٔ كعبه رو بجانب در خانه كند جايز است
كه قدري از آستان در كعبه كذارد تا قبلهٔ او باشد وامّا اكر شخصي كه نزديك خانه باشد
بحيثيتي كه كعبه را تواند ديد مثل مردمي كه در مكّه اند بر ايشان لازم
نيست كه در وقت نماز كعبه را ببيند امّا بر او واجبست كه بطريقي
كه نماز كذارد اكر در ميان دو قدم او تا بميان پيشاني او در وقت سجود
خطّي راست بكشند آن خط راست بخانهٔ كعبه باشد وببايد دانست
كه از خانهٔ كعبه تا آسمان وتا زير زمين تمام حكم خانهٔ كعبه دارد پس شخصي كه
بر كوهي باشد در شهر مكّه يا در چاهي عميق نماز كذارد نماز او صحيح است

وبكويد اقامت را تا باخر وبعد از تكبير احرام نيّت نماز مقارن
دارد بكفتن الله اكبر ودر ركوع بكويد سبحان ربّي العظيم
وبحمده ودر سجود بكويد سُبْحَانَ رَبِّيَ الأَعلى وبحمده وچون
فارغ شود وسلام باز دهد وبكويد السّلام عليك
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وبجانب چپ بكويد السَّلَامُ
عَلَيْنَا وعلى عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِين وچون از نماز فارغ
شود تسبيح فاطمهٔ زهرا بكويد واوراد بكويد وديكر چون
فارغ شد مستوجب دعا كند كه اجابت است وديكر
بدانكه غسل شش است اوّل غسل جنابت دويم غسل
حيض وسيوم استحاضه وچهارم نفاس پنجم غسل
مسّ ميّت ششم غسل ميّت وغسل جنابت واقع ميشود
به بيرون آمدن مني خواه در خواب خواه در بيداري
وديكر غسل مسّ ميّت واقع ميشود بر مرده سرد شده
ناشسته كه دست بر ولمس نمايند غسل واجب مي شود

بعد از سودن دست بر مرده ناشسته بدانكه وضوء
غسل وتيمّم وتيمّم واجب ميشود زماني كه يافت نشود
آب يا زماني كه خوف باشد وزماني كه دلو آب نباشد
وتا آنكه ترس وموخوف باشد ويا سرما باشد ويا كم
آبي باشد بخاك تيمّم كند زماني كه يك تير پرتاب روان
كردد چون نا ياب آب باشد تيمّم بخاك كند وبكويد تيمّم
ميكنم مباح بودن نماز براي واجب است قربةً الى الله
تعالى وچون هر كس كه بدين دو كلمه اختيار نمايد او را
در اصطلاح صاحب اسلام ومسلمان توان كفت
وبايد كه هيچكس بي تقوى وبي طهارت نباشد بايد
كه خورد خال وفراخور احوال در شرع نزديك باشد
وبدين مقدار افتاد كه هر كس در بر ايمان واسلام
مشغول ومفهوم كردد ودر دين باب رسالة
مرقوم شد كه بر خواننده ونويسنده حلال نه انجامد